

ایران‌کوده

شماره ۱۰

تقویم و تاریخ در ایران

از

ذ. بهروز

فهرست شماره های ایران کوده

۱. در راه مهر (ذ . بهروز) .
۲. دیرینه (ذ . بهروز) .
۳. چند گفتار در باره کوششهای ایران و جز آن .
۴. چند نمونه از متن نوشته های فارسی باستان با شرح لغات (م . مندم) .
۵. گشته دیرینه (س . کیا) .
۶. داستان جم (م . مندم و س . کیا) .
۷. چند نمونه از متن نوشته های پهلوی با واژه نامه (س . کیا) .
۸. خط و فرهنگ (ذ . بهروز) .
۹. واژه نامه طبری (ش . کیا) .
۱۰. چند گفتار در باره کوششهای ایران و جز آن .
۱۱. گویشهای ولس و آفتیان و قهرش (م . مندم) .
۱۲. سرود بنیاد دین زردشت (م . مندم) .
۱۳. قطعات پاپیخانیان (س . کیا) .
۱۴. هزارتن نوشته ها و پیکره های کال جنگال (ج . رضایی و س . کیا) .
۱۵. قلوب و تاریخ در ایران (ذ . بهروز) .
۱۶. ۶۶ صفحه - ۶۰ ریال .
- ۶۶ صفحه - ۳۰ ریال .
- ۳۲ صفحه - ۲۰ ریال .
- ۲۰ صفحه - ۱۵ ریال .
- ۱۹۶ صفحه - ۵۰ ریال .
- ۲۳۴ صفحه - ۶۰ ریال .
- ۲۸۶ صفحه - ۱۰۰ ریال .
- ۳۲ صفحه - ۲۰ ریال .
- ۱۸۴ صفحه - ۶۰ ریال .
- ۶۰ صفحه - ۵۰ ریال .
- ۱۳۲ صفحه - ۶۰ ریال .
- ۱۵۰ صفحه - ۱۰۰ ریال .
- ۱۴۰ صفحه - ۱۰۰ ریال .

ایران کورده

کرد آورده

م . مقدم

استاد دانشگاه تهران



شماره ۱۰

تقویم و تاریخ در ایران

فهرست شماره های ایران کوده

۱. در راه مهر (ذ . بهروز) .
۲. دبیره (ذ . بهروز) .
۳. چند گفتار در باره گویشهای ایران و جز آن .
۴. چند نمونه از متن نوشته های فارسی باستان با شرح لغات (م . مندم) .
۵. گشته دبیره (س . کیا) .
۶. داستان جم (م . مندم و س . کیا) .
۷. چند نمونه از متن نوشته های پهلوی با واژه نامه (س . کیا) .
۸. خط و فرهنگ (ذ . بهروز) .
۹. واژه نامه طبری (س . کیا) .
۱۰. چند گفتار در باره گویشهای ایران و جز آن .
۱۱. گویشهای و فس و آشتیان و قهرش (م . مندم) .
۱۲. سرود بنیاد دین زردشت (م . مندم) .
۱۳. نقطویان یا پسرخانیان (س . کیا) .
۱۴. گزارش نوشته ها و پیکرهای کال جنگال (ج . رمائی و س . کیا) .

.....

سال ۳۶۷۷ رصد
برابر ۲۲۲۴ مهری
برابر ۱۳۳۱ خورشیدی هجری
برابر ۱۳۲۱ یزدگردی رحلت .

به دوست دیرین مهربان عزت هدایت

ایران کوده شماره ۱۰

تقویم و تاریخ در ایران

از رصد زردشت تا رصد خیام

زمان مهر و مانی

ذ. بهروز



انجمن ایرانویج

فهرست

دباجه

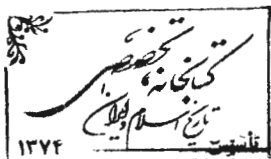
تأثیر وسعت و استعداد سرزمین و جمعیت در ایجاد فرهنگ - اعتقاد به تأثیر کواکب -
دقت در تقویم و تاریخگذاری - پیشگویی و تأثیر آن در حوادث مهم تاریخی - علل اخلال
در تقویم و تاریخگذاری - اردشیر بابکان - امپراطور قسطنطین - مانی برخوان یا مصوت -
سرعت انتشار مانویت - اصول دین مانی - تظاهر مانویان به دین های دیگر - بغداد قبله
مانویان - ساسانیان و برهمزدن تقویم و تاریخ - قرن سوم هجری و تاریخ - دستبردن
جاهلانه در نوشته های بیرونی . صفحه ۵

بخش اول

تقویم های تورفانی - معلومات برای پیدا کردن مبدأ تقویم ها - تاریخ آبادانی
خوارزم - مبدأ دودوره کیسه - مبدأ حساب تقویم ها ۱۷۲۵ سال پیش از تاریخ میلادی -
تذکرات راجع به استخراج تقویم های باستانی - کشف تقویم ها در چین - تقویم شماره
یک و دو از قرن هشتم پیش از تاریخ میلادی است - تقویم شماره سه از قرن یازدهم
پیش از تاریخ میلادی است - تقویم شماره چهار از قرن هشتم پیش از تاریخ میلادی
است . صفحه ۲۹

بخش دوم

تاریخ یزدگردی باستانی - معنی یزدگردی - معلومات برای پیدا کردن مبدأ تاریخ -
مبدأ تاریخ یزدگردی باستانی ۵۰۲۵ سال پیش از تاریخ میلادی است - دوره ۱۵۰۸
سالی - متن نوشته نجومی بعلا مت T III 260 b II - خلاصه ترجمه نوشته نجومی - یزدگرد
شهریار در سال یازدهم هجری نبوده - مدارك تاریخی ، جلوس یزدگرد شهریار را
در سال یازدهم هجری تکذیب می کند - تاریخ یزدگردی معمولی تاریخ رحلت است -
جلوس یزدگرد شهریار سال ۶۷۳ تاریخ میلادی است - جلوس اردشیر بابکان سال ۲۶۶
تاریخ میلادی است - خسرو پرویز در ۶۵۰ تاریخ میلادی مرده است . صفحه ۳۹



بخش سوم

تذکر - رصد خانه نیمروز در وسط خشکی جهان قدیم است - رصدخانه وهمی
جزائر خالدات - تذکرات راجع به تاریخ رومی - آثارالباقیه و تاریخ رومی - طول سال
شمسی - آثارالباقیه نقل از حمزه اصفهانی - نقل از زیج علিশاه - تاریخ رومی قدیم و جدید -
علاقمندی رومیان به وقت شناسی - تقرب در تاریخ رومی - شکایت از بی اطلاعی رومیان -
تحقیق راجع به تاریخ رومی - بیرونی و مبدأ تاریخ رومی - تاریخ رومی تاریخ توفان
است - جنگ پیدنا - روز یکشنبه ۲۵ دسامبر روز میلاد مهر است - اصلاح تاریخ رومی -
تاریخ رومی شمسی قمری است - ۹۱ روز کیسه قمری - اختلاف یک روز در حساب ها -
تذکر راجع به دوره های کیسه - دوره کیسه ۱۴۰۴ سالی با نوبه ۱۱۷ سالی - تاریخ
ملکان شاهی - آثار این کیسه در تقویم شماره دو - کیسه زمان خالد قسری نوبه نهم
از دوره دوم است - تاریخ متو کلی مأخذش نوبه دهم این دوره است - دوره کیسه ۱۴۰۸
سالی - دوره کیسه ۱۴۱۰ سالی و ۲۸۲۰ سالی - دوره کیسه ۱۴۲۸ سالی - آثار این دوره
کیسه در تقویم شماره یک و چهار - تاریخ مجوس و معتضدی مأخذش این کیسه است -
انتهای دوره دوم این کیسه - دوره کیسه ۱۴۴۰ سالی - روز دوشنبه چهارم شهریور
که روز وفات مهر است با حساب این کیسه ۲۷ حیران میشود - نوبه نهم در زمان یحیی
برمکی بوده و اجرا شده است - شرح نوبه های دیگری از این کیسه که اجرا شده است -
دوره کیسه ۱۵۰۸ سالی - آخرین نوبه دوره چهارم - دوره کیسه ۱۹ سالی قمری - دوره
کیسه ۳۰ سالی قمری - دوره دوازده سالی شمسی - دوره کیسه و همی ۱۴۶۱ سالی -
تاریخ ملکی یا ملکان شاهی - نوروزنامه منسوب به خیام - زیج علিশاه بخارائی -
خواجه نظام الملک و رصدخانه - خیام و حساب طول سال - ایجاد روش تازه برای تاریخ -
دستور پیدا کردن نام سال و سال کیسه - جدول خیامی - پیدا کردن روز نوروز در هفته -
صفحه ۶۴

بخش چهارم

تذکرات راجع به وضع چند تاریخ - شکایت از مغشوش بودن تاریخ ها - نظریات
جدید در قرن سوم هجری - با فرض افلاک ، رصدی انجام نگرفته - اختلاف درباره مجسطی -
ابن سینا و افلاک - مدت زیست هلاکو در بغداد در حدود هفت سال است - چگونه در این

مدت درمراغه رصدخانه ساخته و رصد کردند. تاریخ متوکل و معتضدی - نقل از آثار الباقیه - روز ۲۸ حزیران قابل توجه است - علوم یونان و عرب در بغداد - زندیقان متظاهر به اسلام - مجسمه مهر بر فراز قصر خلفا - نام اصلی منصور عباسی - روزمیرین - نوروز اول سال و نیروز اولین روز نیروانا . عمر و تاریخ هجری - ماه شعبان و کیسه ۱۹ سالی - ماه اول تاریخ قمری رمضان است - نسبت وضع تاریخ به عمر افسانه است - ابن ابوالعوجاء و اخلاص در تاریخ قمری - روز اول تاریخ هجری - روز عاشوری . تاریخ دیوکل سین و دقلیانوس و اردشیر بابکان - این تاریخ میلاد عیسی مصلوب (ع) است .

تاریخ میلادی: در زمان عیسی مصلوب (ع) اختلاف است - تاریخ میلادی از قرن دهم میلادی است - خارجیان در قرن نهم و دهم در یزانیس - تاثیر اوضاع سیاسی در وضع تاریخ میلادی - در قرن ۱۶ ده روز به روزهای مارس اضافه شده - روش کیسه تاریخ میلادی غلط است یعنی سالی که کیسه نیست کیسه می کنند و سالی که کیسه است کیسه نمی کنند - در روز مبدأ این تاریخ اختلاف است - در قرن هجدهم اول سال را از بهار به زمستان برده اند .

تاریخ اسکندری: این تاریخ نه مربوط به ولادت و نه جلوس و نه فتوحات و نه مرگ اسکندر است - سال مبدأ و روز مبدأ نسبت به چهار نقطه اصلی مشخص نیست - در سال کیسه اختلاف است - نام های مختلف این تاریخ - تاریخ رومی تاریخ میلاد مهر است - در قرن هفتم هجری سلوقی شده - بموجب حاشیه صفحه ۱۴۳ تاریخ اسکندری در اصل تاریخ رحلت زردشت بوده .

تاریخ مصری . تاریخ بنای شهر روم . تاریخ ابراهیمی . تاریخ عالم .

صفحه ۷۹

بخش پنجم

هزاره ها . دوره ها . تاریخ طوفان - ذوالقرنین - دوسر - اس گنتار - الکساندر .

صفحه ۹۳

بخش ششم

تذکر - مهر یا مسیحا - مسیحای مصلوب نشده همعصر شاپور اشکانی و انطیخس سلاخس است - شاپور و اشه پور - شهادت یحیی (ع) - بنای شهر قسطنطنیه - بشارت بنام

احمد و محمد - تاریخهایی که در زمان اشکانیان بکار می‌رفته - میلاد و بعثت و رحلت
مهر یا مسیحا.

مانی مصوت - نقل از آثارالباقیه - ملاحظات راجع به مندرجات آثار الباقیه -
میلاد و تجلی و بعثت و وفات مانی مصوت.

صفحه ۱۱۳

بخش هفتم

زردشت و زمان او - تذکر - بشارت و ظهور - روایاتی که در آنها سالهای
ظهور آمده - ارتباط اعداد و حروف و اسماء با هزاره و سال ظهور - احتیاج به سالهای مناسب
برای ظهور - ایجاد ۱۲ قرن اختلاف در عصر زردشت و علل آن - قرامطه - ایجاد ۱۴
قرن اختلاف در عصر زردشت و علل آن - اسماعیلیه - ایجاد اختلاف چند هزاره در عصر
زردشت و علل آن - روایات شرقی - تذکر راجع به روایات کلاسیک - اختلاف چند هزاره
در عصر زردشت - اختلاف ۲۹ سال در عصر زردشت - زمانی که زردشت زندگی میکرده -
حدود زمان زردشت - میلاد و بعثت و رصد زردشت - سال و روز رحلت زردشت - روز و ماه
و سال میلاد و بعثت و رصد و رحلت اشو زردشت سپنتمان.

صفحه ۱۳۹

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۲	۲۵	شکانی	اشکانی
۱۴	۲۳	گذاشتن	گذشتن
۱۹	۲۲	آخر	اول
۱۹	۲۴	آخر	اول
۳۲	۶ (افزوده شود)		T III 260 b II
۳۷	حاشیه	المقامه	مقامه
۳۹	۶	دوشنبه	دوشنبه یازدهم
۵۱	۲۲	۲۶ مارس	۲۷ مارس
۵۴	۲۰	در اول	در اول یا آخر
۶۰	۸	صد	رصد
۶۹	۴	۱۱۰۱	۱۱۰۱ سال
۷۱	۱۴	اول هجرت	اول تاریخ هجری
۸۶	۱۸	اول حمل	اول بهار
۹۲	۲۱	نمی کرد	نمی گیرد
۹۴	۸	نمیدانم	نمیدانیم
۱۱۴	۲۰	میدهم	میدهیم
۱۱۴	۲۱	خواهم	خواهیم
۱۱۷	۴	شد	شده
۱۱۸	۱۲	مسیحیت	مسیحائی
۱۱۹	۱۷	دین آوردی	دین آوری

تذکره - در صفحه ۱۰۴ سطر ۱۶ «توقعات تقویم ها» فقط مربوط به روز پنجم بهار است که روز بشارت مادر مسیحا می باشد.

دیباچه

در مباحث تاریخی باید توجه خاصی به وسعت و استعداد مکان و طول زمان و ارتباط این عوامل با وقایع داشت . اگر در تدوین تاریخ یکی از عصرها طول زمان و استعداد طبیعی مکان در نظر گرفته نشده باشد چنان تاریخی قصه هائیت که حوادث آن جز با پیشامدهای ناگهانی وحیرت انگیز بهم مربوط نمیشود .

سرزمینی که وسعت و آب و گیاه و قوت و مواد صنعتی و هوای معتدل نداشته قابل پروراندن توده های بزرگ بشر در دوره های پیش از تاریخ و بعد از آنها نبوده است . در کشوری که خاکبوم است بشر دوره سنگ را نگذرانده و جایی که آهن و فلزات و جنگل و چوب یافت نمیشود آهنگر و سنگتراش نداشته است . همچنین کشتی سازی و کشتی رانی زمانش پیش از زمان سکنی گرفتن در جزایر است .

برای پی بردن بشر به اسرار سخنگوئی و دین و علوم و صنایع جمعیت کافی و زمان طولانی لازم است . آنچه را که بشر امروزی در هم نشینی می بیند و به رایگان می آموزد نتیجه تجربه و کوششهای گذشتگان در مدت هزاران سال میباشد .

.....

تأثیر کواکب در سرنوشت نیک و بد جهان و جهانیان اساس معتقدات مردم قدیم بود . هریک از اجرام درخشان آسمانی را ایزدی مؤثر در کارها میدانستند و معتقد بودند که اگر جایگاه اجرام را در بروج تعیین کنند میتوانند از پیشامدهای گذشته و آینده اطلاع دهند .

هر چند اعتقاد بتأثیر کواکب باعث ایجاد و ترقی ریاضی و نجوم شده ولی از طرف دیگر این اعتقاد زمینه مساعدی برای حوادثی که ممکن بود ابداً وقوع پیدا نکند فراهم کرده است .

تنظیم دوره های نجومی و هزاره ها و کیسه ها و تقسیمات مختلف زمان اصلاً برای تعیین اوقات مناسب برای عبادات و دانستن موعد بشارت ها و ساعت های نیک و بد بوده است . تعیین موسم زراعت و پرداخت مالیات احتیاج به این اندازه دقت در حساب ندارد .

اگر حوادث مهم دوسه هزار سال گذشته را که از آن اطلاعاتی بیشتر داریم در نظر بگیریم خواهیم دید که پیشامدهای بزرگ در سر هزاره ها یا سالهائی رخ داده که برای ارقام آن در علم اعداد و حروف خواصی تصور کرده اند و علم احکام نجوم دلالت بر آن داشته است .

در ذیل نمونه هائی از حوادث مهمی که در اوائل یا اواخر هزاره ها اتفاق افتاده ذکر میکنیم :

۱ - هزاره غیبت مهدی (ع) سال ۱۲۶۲ هجری است . در این اوان در ایران و سودان و هند اشخاصی بنام مهدی و مسیح ظهور کرده اند .

۲ - در هزاره هجری دعوت اکبر پادشاه هند به دین الهی صلح کل و نقطویه در ایران بوده است .

۳ - ظهور چنگیز در اواخر هزاره اخیر دوران عالم است که هزاره ویرانی جهان تصور میشده است . نام هزاره دوازدهم هزاره حوت است .

۴ - در هزاره میلادی در اروپا مردم باتشویش منتظر پیشامدهای بد بودند و در همین اوقات در شرق عده ای ظهور و دعوت کردند و خود را مسیح و مهدی خواندند .
۵ - ظهور ابومسلم و به آفرید و بنای بغداد و در میانه هزاره مهر و نیم هزاره مانی است (۷۲۸ - ۷۵۰ میلادی) .

۶ - ظهور اردشیر و ولادت مانی در اوائل هزاره حوت است که هزاره دوازدهم باشد .

۷ - ولادت زردشت روز دوشنبه ششم فروردین یزدگردی سال اول هزاره دهم است که هزاره جدی باشد .

.....

حال اگر پادشاهانی یا دعوتگرانی ظهور کنند که ظهور آنها مطابق با خواص اعداد و حروف و اوضاع نجومی نباشد و یا پیشوایانی بخواهند زمینه ای برای تغییراتی در وضع دین یا سیاست و نسب خود آماده نمایند باید در تاریخ و تاریخگذاری گذشته تغییراتی بدهند تا حساب ها موافق با مقصود و مصلحت آنها شود .

.....

از دوسه قرن پیش از میلاد تا قرن سوم میلادی یعنی در حدود شش قرن در ایران

و روم پادشاه و امپراتور را انتخاب میکردند. در عصر اشکانیان مجلسی را که چنین انتخابی میکرد مهستان مینامیدند.

این وضع دولت و اجتماع مردم بادین و فرهنگ و سوابق تاریخی آنها ارتباط داشت. پس از چند قرن که مردم به چنین وضعی خو گرفته بودند اردشیر بابکان پادشاهی موروئی را از نو زنده کرد.

در زمان ساسانیان مشکلات داخلی بسیار بود و چندین پادشاه ساسانی در مشرق ایران کشته شدند و رویهمرفته ساسانیان نتوانستند نفوذ خود را در نقاط شرقی ایران بواسطه اختلاف مذهب بسط دهند.

.....

امپراتور قسطنطین و جانشینانش از قرن چهارم میلادی به بعد نیز امپراتوری موروئی را بجای انتخابی تحمیل کردند. در راه این مقصود شهر نوساز قسطنطنیه بجای روم کهن و دین نو بجای دین قدیم گذاشته شد. در این راه کوشش بسیار کردند ولی بعدها معلوم شد که تا این مقاصد جدید را در قالب رسوم قدیم نریزند موفقیت حاصل نمیشود و از این سبب است که می بینیم تمام رسوم قبل از عیسویت بنام عیسویت تا کنون زنده مانده است.

.....

ظهور مانی در حدود شش قرن بعد از مهراست و مصادف با همین عصری میباشد که در آن انقلابات سیاسی و مذهبی در سر هزاره دوازدهم شروع شده است. دین مانی در مدت بسیار کوتاهی از اقاصی چین تا اقاصی اروپا انتشار حیرت آوری پیدا کرد. علت انتشار این دین زمینه ایست که اول هزاره و بشارتهای گذشته برای ظهور شخصی فراهم کرده بود و مردم انتظار او را داشتند. مانی دعوی دارد که وی همان برخوان و یا فارقلیط میباشد که از ظهورش در آخر الزمان که هزاره دوازدهم باشد خبر داده اند.

اگرچه مانویت در مدت بسیار کوتاهی در شرق و غرب انتشار پیدا کرد ولی بزودی در هر جا از آن جلوگیری شد. مانویان بعدها به لباس هردینی و هر ملتی در میآمدند و در راه تبلیغ عقاید خود در میان توده های بی اطلاع کوشش میکردند. افراد پراکنده مانوی بواسطه سیر و سفر که از واجبات مذهبی آنها بود از راه ها و زبانها و رسوم مردم اطلاع

داشتند و چون اعتقادشان این بود که باید جهان پررنج زندگی را برانداخت تا روان پاک از قالب پلید تن آزاد شود بهر کاری تن درمیدادند و آنچه بیشتر آنها را جسور و ترس میگرد ایمان به شفاعت صدیقان و بخشش گناهان بود .

از قرن سوم هجری زندیقان که همان مانویان متظاهر باسلام باشند کوشش زیادی در راه ایجاد نظریات جدید در هر رشته و برهم زدن تاریخ و فرهنگ قدیم داشتند . در رساله اول پولس فصل اول آمده : « حکمت حکیمان را باطل سازم و فهم فهیمان را نابود گردانم » .

موقیت کامل و موقت مانویان در دوره مغولان است که تاکنون هم بعقاید مانویت در لباس بودائی ثابت هستند .

آشوب و تناقضی که در اصول دینهای جهان دیده میشود و همچنین نسبت های خجلت آوری که به انبیاء داده شده همه از آنهاست .

سن اگوستن که شالوده عیسویت ازوست و همچنین ابوالعوجا راوی اخبار هردو مانوی بودند . چون هردو خودشان اقرار به مانویت کرده اند جای شکی باقی نیست ولی بسیاری بوده اند که بواسطه زهد و تقوای بی نظیر که مخصوص مانویهاست شناختن آنها بدون اطلاع کامل از عقاید مانویه کار آسانی نیست .

مانی در همین جایی که بغداد را ساخته اند و به اصطلاح مانویان « داده بغ » است زائیده شده و لهذا آن سرزمین در نزد آنها ارض اقدس شمرده میشده و همیشه سعی داشته اند که هر فضیلتی را بسوی آنجا بکشند .

شهر بغداد مرکز بزرگ دینی و میعادگاه مانویان بوده و بزرگترین عبادتگاههای خود را در آنجا داشته اند و برای زیارت آنجا از شرق و غرب عالم میآمدند .

همچنین قابل توجه است که مانویان خود را فتی و جوانمرد و جوان که صورتی دیگر از این کلمه اخیر « یون » میباشد خطاب میکردند .

.....

زمینه برهم زدن هزاره ها و تاریخ گذاری چنانکه نوشته اند از زمان ساسانیان حاضر بوده است . ظاهراً ساسانیان میخواستند که مبدأ هزاره های نجومی دو هزار سال یا بیشتر عقب تر گذاشته شود تا این که بشارت مشهوری که راجع به ظهور دولت شکانی و مهر است و منسوب به زردشت شده مدتش در زمان اشکانیان سپری شده باشد و منطبق با زمان آنها نگردد . باوجودی که زمینه چنین کاری از هر حیث مهیا بود برهم زدن تقویم و حسابهای که

سال بسال سیر طبیعی خود را میکرد و مردم برای دانستن ساعت نیک و بد و ادای وظائف مذهبی بدان رجوع میکردند کار آسانی نبود .

.....

از قرن هفتم هجری به بعد فرصت بهتری برای اخلال در تقویم باستانی پیدا شد . جدال بر سر تاریخ و تاریخگذاری و وضع تاریخ جدید در اواسط قرن سوم هجری شروع میشود . بیرونی در مقدمه آثار الباقیه میگوید که من این کتاب را نوشتم تا خواننده را از مراجعه به کتابهای دیگر بی نیاز کنم . معلوم میشود که کتابهایی در موضوع تقویم و تاریخگذاری در آن عصر نوشته شده بوده است .

هیچ کتابی راجع به تاریخگذاری و تقویم بنظر نرسیده است که آثار جعل و حک و اختلاف روایات که نتیجه همان جعل و حک است در آن دیده نشود .

در این کتابها آنچه قابل توجه میباشد اینست که در حسابهایی که نتیجه حساب مطابق مقصود در نیاید شکایت بسیاری از معدوم شدن کتب تاریخ و آثار تاریخی و مغشوش بودن تاریخگذاری و بی اطلاعی منجمین قدیم شده است تا خواننده را از بحث و دقت در حساب منصرف کنند .

در نوشته های بیرونی و مخصوصاً در آثار الباقیه از همه بیشتر دست برده اند ولی چنانکه بیرونی در آخر آن کتاب اشاره مبهمی کرده خود چنین کاری را پیش بینی نمیکرده است و لهذا مطالب اساسی را که مقصود بوده طوری در کتاب پراکنده کرده است که به آسانی تشخیص اهمیت و حک و اصلاح آن امکان ندارد .

حک و اصلاح و اضافاتی که بعدها در آثار الباقیه کرده اند سطحی و جاهلانه و بی اهمیت است و با اندک توجه و دقت میتوان مطالب کتاب را بصورت خود برگرداند .

در مباحث نجومی اگر صدها کتاب و مدرک از بزرگترین ریاضی دانها و منجمین نشان داده شود ولی با حساب و رصد مطابقت نداشته باشد ارزشی برای آنها نیست .

صحت هر مدرکی درین علم وقتی مسلم است که با حساب و رصد تطبیق کند .

پس دست بردن در یک کتاب علمی و فنی و مقلوب کردن ارقام چندان بصرفه جعل کننده نیست .

بلکه از این دست خوردگی ها میتوان بجهت ضعف و غرض جعل کننده و عصر او پی برد . مدارک نوشته ای که در نیم قرن گذشته در چین و شمال آفریقا پیدا شده حساب هارا

بیش از آنچه تصور میرفت منظم و روشن میکنند .

بخش اول

تقویمهای تورفانی

تقریباً نیم قرن پیش درچین نوشته های بسیاری بخط گشته دبیره پیدا شد. از آن نوشته ها یک ورقه نجومی و چند تقویم دربخش اول و دوم این جزوه مورد بحث میباشد. از موضع ماه آذر نسبت به فصول سال به آسانی معلوم میشود که نوشته نجومی از قرن نهم پیش از میلاد است و دربخش دوم راجع به آن بحث خواهد شد ولی در اینجا همین قدر اشاره میکنیم که این ورقه میتواند بما حدود قدمت تقویمهارا تا اندازه ای نشان دهد. تقویمهایی که در این بخش مورد بحث است شمسی قمری است و در آنها نامهای ماه های سفدی یا خوارزمی دیده میشود و خمرسه در آخر سال است و بعلاوه دو تقویم از آنها از سال گاو میباشد.

برای پیدا کردن تاریخ تقویمهای قدیم معلومات ذیل را که از کتب نجومی فارسی و عربی جمع آوری شده تذکر میدهیم:

- ۱- دایره نیمروز یا نصف النهار رصدهای قدیم از سیستان میگذرد.
- ۲- نام سال اول دوره دوازده گانه موش است.
- ۳- مبدأ روز سالهای یزدگردی صبح و سالهای خورشیدی ظهر است.
- ۴- تاریخ آبادانی خوارزم ۹۸۰ سال پیش از اسکندری است. در سالهای خوارزمی خمرسه در آخر سال و روز مبدأ سه شنبه میباشد. (آثار الباقیه).
- ۵- شماره روزهای تاریخ بختنصری تا اول هر يك از تاریخهای مشهور دوزیجها ثبت است.
- ۶- در روایات بسیاری آمده که ماه اول سالهای قمری رمضان است.
- ۷- طول متوسط سال خورشیدی ۳۶۵۲۴۲۲ روز است و طول متوسط سال قمری $۳۵۴\frac{۱۱}{۳}$ روز. *

۸- در روز جمعه دهم رمضان که مبدأ تاریخ ملکی میباشد پس از گذاشتن

* این کسرها از حساب دوره ها و نوبه های کیسه که بعداً شرح آنها داده خواهد شد به دست

میآید و مربوط به رصد های جدید نیست. رصد های جدید قدمتش کمتر از سه قرن است و در این حسابها قابل اعتماد نمی باشد.

۲۱ ساعت و ۵۴ دقیقه و ۶ ثانیه از ظهر روز پیش تحویل آفتاب به نقطه اعتدال در افق نیمروز یا مرو شده است.

معلومات فوق حدود قدمت تاریخ و مبدأ طول و نام سال اول در دوره دوازده ساله و روز اول تاریخ و مبدأ روز و طول سال شمسی و قمری و پایه حساب را بما میدهد.

۹۸۰ سال یزدگردی و یا خورشیدی را بر سالهای اسکندری اضافه میکنیم و سالهای دو قرن ۱۳ و ۱۴ پیش از میلاد را رسیدگی مینمائیم مبدائی برای حساب پیدانمیشود. چون در کتب نجوم تاریخهای قدیمتر را (مثلاً تاریخ طوفان) قبل از بختنصری داده اند و بعلاوه راجع به تاریخ اسکندری اختلاف بسیار است لهذا ۹۸۰ سال یزدگردی را بر سالهای بختنصری می افزائیم و پایه حساب را تاریخ ملکی قرار میدهیم.

پس از تحویل سالهای یزدگردی به سالهای خورشیدی نتایج ذیل به دست میآید:

۱- تاریخ آبادانی خوارزم از روز چهارشنبه ۲۱ مهر خورشیدی سال سگ ۲۸۰۵ سال پیش از ملکی شروع میشود. این روز مهر کان است و قابل ملاحظه میباشد.

۲- در سال ۲۸۰۴ خوک پیش از ملکی ساعت تحویل به افق نیمروز صبح دوشنبه میباشد.

۳- این دوشنبه مبدأ حساب دوره کبیسه ۱۴۲۸ سالی و ۱۴۰۴ سالی است که در تقویمهای تورفانی بکاررفته. در این دو دوره ترتیب نمازها منظور نیست و فقط از نظر حسابهای نجومی مهم است.

۴- در سال موش ۲۸۰۳ پیش از ملکی ساعت تحویل به افق نیمروز ظهر سهشنبه میباشد. این سهشنبه مبدأ حساب سالهای خورشیدی و دوره دوازده گانه است.

۵- این سهشنبه اول رمضان و مبدأ سالها و دوره ۳۰ سالی و ۱۹ سالی قمری است.

۶- این سهشنبه هفتادمین روز سال یزدگردی باستانی است. برای برهم نخوردن ترتیب نمازها هفتاد روز کبیسه لازم دارد و لهذا روز چهارشنبه نوروز اول سال بهیز کی با کبیسه ۱۲۰ سالی میباشد.

۷- پس از هفتاد روز کبیسه جای پنجه در آخر آبان میشود. جای اصلی پنجه در سالهای خورشیدی در آخر ماه ششم است و آن ماه در سال موش رصد مصادف با آبان یزدگردی است. بودن خمسه در آخر آبان یادگار این کبیسه است.

حال برای آزمایش و مقایسه با تقویمهای قدیمی تقویم شمسی قمری سالهای

۱۰۱۵ و ۱۰۱۶ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۱۰۱۰ و ۶۸۱

مبدائی را که یافته ایم با در نظر گرفتن نکات ذیل استخراج میکنیم :

۱ - در تقویمهای شمسی قمری برای این که ارتباطی میان آن دو باشد سال شمسی را ۳۶۵ روز و ماه را سی روز میگیرند و پنجه را در آخر سال میگذارند و هر چهار سال یک روز به پنجه اضافه میشود .

۲ - سالهای قمری هر ۱۹ سال هفت ماه کیسه دارد و اگر پنجه در آخر سال باشد ماه قمری از ۳۵ روز تجاوز نمیکنند و به ماه یازدهم سال نمی افتد . چون نام ماههای قمری در تقویمها داده نشده اکنون احتیاجی به این کار نیست ولی آثار کیسه در تقویمها دیده میشود .
۳ - طول سال قمری متوسط $۳۵۴\frac{۱۱}{۴}$ روز و طول سال شمسی در این حسابها تقریباً ۳۶۵٫۲۴۲۲ روز است .

۴ - هنگام محاسبه اول سالهای قمری اگر کسر سال در دوره سی سالی از نیم تجاوز کند اول ماه قمری شب و اگر از نیم کمتر باشد اول ماه قمری روز است .

۵ - سالهای کیسه دوره ۳۰ سالی قمری از قرار ذیل است :

۲ ۵ ۸ ۱۱ ۱۳ ۱۶ ۱۹ ۲۱ ۲۴ ۲۷ ۳۰ .

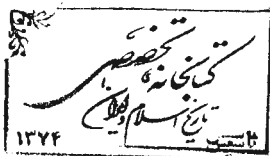
این ترتیب قدیمی که در زیج حبش مروزی است با ترتیب معمولی ذیل :

۲ ۵ ۷ ۱۰ ۱۳ ۱۶ ۱۸ ۲۱ ۲۴ ۲۶ ۲۹ فرق دارد .

این ترتیب اخیر درست نیست و همیشه یک سال بدون لزوم کیسه جلومی افتد . شرح این در قسمت کیسه ها داده شده است .

۶ - حساب روز قمری از نیمه شب و روز یزدگری از اول صبح و روز سالهای خورشیدی کامل و بهیج کی از ظهر شروع میشود .

۷ - در دو تقویم از تقویمهای باستانی که در تورفان پیدا شده روز نوروز را با سال یزدگردی ۳۶۵ روزی و نیز با روز سالهای دوره کیسه ۱۴۲۸ سالی داده است . مبدأ هر دو حساب سال ۲۸۰۴ خوک است . حساب یزدگردی آن واضح است ولی برای پیدا کردن روز نوروز در سالهای دوره ۱۴۲۸ سالی بایستی به قسمت مخصوص راجع به این دوره کیسه رجوع کرد و روز را با حساب پیدا نمود .



تقویم های تورفانی

تقریباً نیم قرن پیش در مغرب چین و یا در مشرق فلات ایران آثار و نوشته بسیاری به خط گشته دبیره پیدا شد و برخی از دولتهای اروپائی قسمتی از آنها را میان خود تقسیم کردند.

در مجله آسیائی انگلیسی سال ۱۹۴۵ جزوه ۳ و ۴ چند ورقه از آنها که شامل آثار و تقویم شش سال است چاپ شده است ولی چون میسر نشده بود که تاریخ آنها را معین کنند در ذیل حدسیاتی راجع به آنها نوشته بودند^(۱)

ترجمه تقویم ها و تعیین تاریخ آنها با ملاحظاتى به اندازه گنجایش این جزوه داده میشود. برای سهولت مقایسه و حساب در مقابل هریک از تقویمهای باستانی تورفانی که تاریخ سال و بسیاری از مشخصات آنها محو شده تقویم آن سال را استخراج کرده و داده ایم. تقویمهای باستانی در صفحه راست است و تقویمی که مستقلاً استخراج شده در طرف چپ میباشد.

طریقه استخراج این تقویمهای بی تاریخ و نظایر آنها را در جزوه جداگانه شرح خواهیم داد ولی در اینجا چون روز مبدأ و سال مبدأ داده شده و چگونگی حساب آنها را شرح داده ایم دیگر برای کسانی که میخواهند صحت و مقایسه آنها را با هم رسیدگی نمایند اشکالی نخواهد داشت.

مشکل ترین این تقویمها تقویم شماره (۴) است که معلومات اصلی برای پیدا کردن تاریخ آن کم میباشد.

(۱) Journal of the Royal Asiatic Society, October 1945.

تقویم شماره يك به علامت M. 148.

۱	ماه	روز اول ماه	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری ساعت	... و سه پنجم نوروز سه شنبه - بهمن روز ...
۲	اول	سه شنبه	۱۰	پنجشنبه	روز	
۳	دوم	پنجشنبه	۱۰	شنبه	شب	
۴	سوم	شنبه	۹	یکشنبه	روز	
۵	چهارم	دوشنبه	۹	سه شنبه	شب	
۶	پنجم	چهارشنبه	۸	چهارشنبه	روز	
۷	ششم	آدینه	۸	آدینه	شب	
۸	هفتم	یکشنبه	۷	شنبه	روز	۵
۹	هشتم	سه شنبه	۷	دوشنبه	شب	
۱۰	نهم	پنجشنبه	۶	سه شنبه	روز	
۱۱	دهم	شنبه	۶	پنجشنبه	شب	
۱۲	یازدهم	دوشنبه	۵	آدینه	روز	
۱۳	دوازدهم	چهارشنبه	۵	یکشنبه	شب	
۱۴	پنجه		۴	دوشنبه	روز	۶
۱۵	 سال ه ؟					
۱۶	[ماه نهم]	۲۰ و ۱۹		دوشنبه و سه شنبه		
۱۷	[ماه دهم]	۶ و ۵		چهارشنبه و پنجشنبه		
۱۸	[ماه دهم]	۲۰ و ۱۹		(چهارشنبه و پنجشنبه)		
۱۹	[ماه یازدهم]	۱۲ و (۱۳)		آدینه و سه شنبه		
۲۰	[ماه دوازدهم]	۸ و (۹)		چهارشنبه و پنجشنبه		
۲۱	 ۴۱۳					
۲۲	... و نه یزدگردی ۳۸۸					
۲۳	یک چهارم و مال ماه بیست و ...					
۲۴	... بهمن روز و میشی روز (هستند سه شنبه)					

تقویم شماره يك به علامت M. 148.

تقویم سال ۱۰۱۵ اسب

تحويل سه پنجم از مبدأ روز که ظهر میباشد گذشته است .
 نوروز سه شنبه مطابق بهمن روز ماه مهر یزدگردی سغدی وروز مهر یا میشی شانزدهم
 فروردین خورشیدی به حساب کیبسه ۱۴۲۸ سالی .
 در این سال فاصله سرسال ربعی با اول بهار هفت روز است لهذا اول سال خورشیدی
 و ربعی هر دو سه شنبه میباشد .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	سه شنبه	سوم	۱۰	پنجشنبه	روز
» دوم	پنجشنبه	چهارم	۱۰	شنبه	شب
» سوم	شنبه	پنجم	۹	یکشنبه	روز
» چهارم	دوشنبه	ششم	۹	سه شنبه	شب
» پنجم	چهارشنبه	هفتم	۸	چهارشنبه	روز
» ششم	آدینه	هشتم	۸	آدینه	شب
» هفتم	یکشنبه	نهم	۷	شنبه	روز
» هشتم	سه شنبه	دهم	۷	دوشنبه	شب
» نهم	پنجشنبه	یازدهم	۶	سه شنبه	روز
» دهم	شنبه	دوازدهم	۶	پنجشنبه	شب
» یازدهم	دوشنبه	اول	۵	آدینه	روز
» دوازدهم	چهارشنبه	دوم	۵	یکشنبه	شب
» روز چهارم پنجه دوشنبه	سوم	۴	دوشنبه	روز	

درآخراین سال که سال اسب ۱۰۱۵ میباشد ۴۱۳ سال و سه ماه و نه روز ازدوره کیبسه
 ۱۴۲۸ سالی باقی مانده است .
 درآخراین سال که سال اسب ۱۰۱۵ میباشد ۳۸۸ سال ازدوره کیبسه ۱۴۰۴ سالی باقی
 مانده است .

یک چهارم روز باقی کیبسه چهار سالی است . سال بعد سال کیبسه است .
 سال هشتم دوره ۱۹ سالی قمری است . این سال سال کیبسه یک ماهه قمری میباشد .
 سال بیست و ششم دوره سی سالی قمری میباشد .
 ملاحظه ۱ - آخر سال ۲۶ کیبسه نشده و اگر میشد سال بعد اول ماه قمری چهارشنبه
 نمیشد . این روش کیبسه بموجب زیج حبش مروزی است که شرح آن
 در قسمت کیبسه ها داده شده .

ملاحظه ۲ - از ماه نهم تا ماه دوازدهم سال در سالهای قمری کیبسه شده یعنی از جمادی الاولی
 تا شعبان ماههای عزیز میباشند . ایام تشریق و روزهای عزیز دیگر تقریباً درین ماههای قمری واقع میشوند .
 مقایسه کلمه Easter با شرق و تشریق قابل توجه است .
 ملاحظه ۳ - کسر اضافی سال قمری پنج سی ام روز است لهذا اول ماه قمری که مبدأ آن
 نیمه شب یا شامپت میباشد در ماه اول سال قمری روز میشود .

دنباله تقویم شماره یک به علامت M. 148.

در دنباله تقویم سال اسب ۱۰۱۵ که شرح آن گذشت روز اول ماه نو سرد که ماه اول سال ربعی سغدی است و همچنین روز اول ماه قمری سال بعد را داده است . نوشته اصلی پاك شده و محوشده زیاد دارد . آنچه از آن به زحمت خوانده شده است در ذیل ترجمه میشود .

« ماه نو در ماه نوسرد که روز اول آن چهارشنبه است در روز من اسپند (بیست و نهم) که چهارشنبه میباشد واقع میشود در ساعت ششم بعد از شب پس از گذشتن ۲۸۸ راتو »
ملاحظه - يك راتو ده ثانیه است .

تقویم این سال تا آخر سال قمری برای مراجعه در صفحه مقابل داده میشود .

دنباله تقویم شماره یک به علامت M. 148.

تقویم سال ۱۰۱۶ گوسفند

تحويل چهار پنجم از مبدأ روز که ظهر میباشد گذشته است .
نوروز چهارشنبه .

در این سال فاصله سر سال ربعی با اول بهار هفت روز است لهذا اول سال خورشیدی
و ربعی هر دو چهارشنبه میباشد .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	چهارشنبه	چهارم	۲۹	چهارشنبه	شب
» دوم	آدینه	پنجم	۲۸	پنجشنبه	روز
» سوم	یکشنبه	ششم	۲۸	شنبه	شب
» چهارم	سه شنبه	هفتم	۲۷	یکشنبه	روز
» پنجم	پنجشنبه	هشتم	۲۷	سه شنبه	شب
» ششم	شنبه	نهم	۲۶	چهارشنبه	روز
» هفتم	دوشنبه	دهم	۲۶	آدینه	شب
» هشتم	چهارشنبه	یازدهم	۲۵	شنبه	روز
» نهم	آدینه	دوازدهم	۲۵	دوشنبه	شب

سال نهم دوره ۱۹ سالی قمریست و سال کیسه نمیشد .

سال بیست و هفتم دوره ۳۰ سالی قمری میباشد و سال کیسه است .

ملاحظه - کسر اضافی سال قمری شانزده سی ام روز است لهذا اول ماه قمری
که مبدأ آن نیمه شب یا شامپت میباشد در اول سال قمری شب میشود .

منجم قدیم کسر یک سی ام را تصحیح کرده و اول سال دوره بیست و هفتم را
روز گرفته است و اول ماه قمری اول سال خورشیدی نیز نیمه شب شده .

ضمیمه تقویم شماره دو به علامت (a) TiiD. 66

درمقدمه تقویم شماره دو صفحه ۲۴ روزهای جشن و یا ایام تشریق سال موش ۹۴۹ داده شده است .

از مقایسه این جشن ها با جشن های تقویمهای دیگر آثار اجرای کیسه ۱۹ سالی قمری مشاهده میشود . لهذا تقویم سال نامبرده استخراج شده و برای مراجعه در صفحه مقابل داده میشود .

در کتب تاریخ و نجوم اشکالات بسیاری راجع به ایام تشریق وجود دارد . و نیز چنان که در جای دیگر تذکر داده ایم کلمه Easter و شرق و تشریق و مناسبات معانی آنها با رسوم این جشن ها قابل دقت است .

ضمیمه تقویم شماره دو به علامت (a) TiiD 66

تقویم سال ۹۴۹ موش

تحويل سه پنجم از مبدأ روز که ظهر میباشد گذشته است .
نوروز پنجشنبه .

در این سال فاصله سر سال ربعی با اول بهار هفت روز است لهذا اول سال خورشیدی
و ربعی هر دو پنجشنبه میباشد .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	پنجشنبه	سوم	۱۹	دوشنبه	روز
» دوم	شنبه	چهارم	۱۹	چهارشنبه	شب
» سوم	دوشنبه	پنجم	۱۸	پنجشنبه	روز
» چهارم	چهارشنبه	ششم	۱۸	شنبه	شب
» پنجم	آدینه	هفتم	۱۷	یکشنبه	روز
» ششم	یکشنبه	هشتم	۱۷	سه شنبه	شب
» هفتم	سه شنبه	نهم	۱۶	چهارشنبه	روز
» هشتم	پنجشنبه	دهم	۱۶	آدینه	شب
» نهم	شنبه	یازدهم	۱۵	شنبه	روز
» دهم	دوشنبه	دوازدهم	۱۵	دوشنبه	شب
» یازدهم	چهارشنبه	اول	۱۴	چهارشنبه	شب
» دوازدهم	آدینه	دوم	۱۴	پنجشنبه	روز

آخرین روز پنجه در این سال پنجشنبه ۲۲ ماه دوم قمری است .
سال هجدهم دوره ۱۹ سالی قمری .

سال هجدهم دوره ۳۰ سالی قمری . در این سال سال هجدهم کیسه نشده است
و اگر میشد سال بعد روز اول ماه قمری تغییر میکرد .

ملاحظه — کسر اضافی در دوره قبل هفت سی ام روز است لهذا اول ماه قمری
که مبدأ آن نیمه شب یا شامپت میباشد روز میشود .

تقویم شماره دو به علامت (a) TiiD. 66

۱	آثاری از هفته				
۲	محو شده				
۳	سفید گذاشته شده است				
۴	محو شده				
۵	ماه هشتم ۲۹ و ۲۸	و پنجشنبه			
۶	ماه نهم ۱۵ و ۱۴				
۷	ماه نهم ۲۸ و ۲۷				
۸	ماه دهم ۲۲ و ۲۱	یکشنبه و دوشنبه			
۹	ماه یازدهم ۱۷ و [۱۸]	آدینه و شنبه			
۱۰-۱۲ سفید گذاشته شده					
۱۳	سال گاو تقریباً ۱۵ یزدگردی				
۱۴	بن آمارك ماه پنجوگان نوروز [آدینه				
	ماه	روز	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
۱۵	اول	۸	آدینه	شب	ساعت
۱۶	دوم	۷	شنبه	روز	۸
۱۷	سوم	۷	دوشنبه	شب	۸
۱۸	چهارم	۶	سه شنبه	روز	۸
۱۹	پنجم	۶	پنجشنبه	شب	
۲۰	ششم	۵	آدینه	روز	۸
۲۱	هفتم	۵	یکشنبه	شب	۹
۲۲	هشتم	۴	دوشنبه	روز	۹
۲۳	نهم	۴	چهارشنبه	شب	۹
۲۴	دهم	۳	پنجشنبه	روز	۹

تقویم شمارة دو به علامت TiiD. 66 (a)

تقویم سال ۹۵۰ گاو

تحويل چهار پنجم و نیم از مبدأ روز که ظهر میباشد گذشته است .
نوروز آدینه .

در این سال فاصله سر سال ربعی با اول بهار هفت روز است ، لهذا اول سال خورشیدی و ربعی هر دو آدینه میباشد .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	آدینه	سوم	۸	آدینه	شب
» دوم	یکشنبه	چهارم	۷	شنبه	روز
» سوم	سه شنبه	پنجم	۷	دوشنبه	شب
» چهارم	پنجشنبه	ششم	۶	سه شنبه	روز
» پنجم	شنبه	هفتم	۶	پنجشنبه	شب
» ششم	دوشنبه	هشتم	۵	آدینه	روز
» هفتم	چهارشنبه	نهم	۵	یکشنبه	شب
» هشتم	آدینه	دهم	۴	دوشنبه	روز
» نهم	یکشنبه	یازدهم	۴	چهارشنبه	شب
» دهم	سه شنبه	دوازدهم	۳	پنجشنبه	روز

سال نوزدهم دوره ۱۹ سالی قمری و سال کیسه است .

سال نوزدهم دوره ۳۰ سالی قمری و سال کیسه میباشد .

ملاحظه - کسر اضافی سال قمری هجده سی ام روز است ، لهذا اول ماه قمری که

مبدأ آن نیمه شب یا شامیت میباشد شب میشود .

سال پانزدهم از نوبه نهم ۱۱۷ سالی از دوره ۱۴۰۴ سالی .

تقویم شماره سه به علامت M. 147

ماه	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری	ساعت	راتو
اول					
دوم					
سوم					
چهارم	۱۱	یکشنبه	روز	۱	۲۸۸
پنجم	۱۱	سه شنبه	شب	۲	۷۲
ششم	۱۰	چهارشنبه	روز	۲	۷۲
هفتم	۱۰	آدینه	شب	۲	۲۱۶
هشتم	۹	شنبه	روز	۲	۲۱۶
نهم	۹	دوشنبه	شب	۲	
دهم	۸	سه شنبه	روز	۲	
یازدهم	۸	پنجشنبه	شب	۳	۱۴۴
دوازدهم	۷	آدینه	روز	۳	۱۴۴

ملاحظه - سه ماه اول این تقویم محو شده است.

تقویم شماره سه به علامت M. 147

تقویم سال ۶۸۱ بوزینه

تحويل سه پنجم و نیم از مبدأ روز که ظهر میباشد گذشته است .

نوروز یکشنبه .

اول نوسرد آدینه .

در این سال فاصله سر سال ربعی از اول بهار پنج روز است .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	آدینه	دوازدهم	۱۲	سه شنبه	
» دوم	یکشنبه	اول	۱۲	پنجشنبه	روز
» سوم	سه شنبه	دوم	۱۲	شنبه	شب
» چهارم	پنجشنبه	سوم	۱۱	یکشنبه	روز
» پنجم	شنبه	چهارم	۱۱	سه شنبه	شب
» ششم	دوشنبه	پنجم	۱۰	چهارشنبه	روز
» هفتم	چهارشنبه	ششم	۱۰	آدینه	شب
» هشتم	آدینه	هفتم	۹	شنبه	روز
» نهم	یکشنبه	هشتم	۹	دوشنبه	شب
» دهم	سه شنبه	نهم	۸	سه شنبه	روز
» یازدهم	پنجشنبه	دهم	۸	پنجشنبه	شب
» دوازدهم	شنبه	یازدهم	۷	آدینه	روز

سال شانزدهم دوره ۱۹ سالی قمری است و سال کیسه نمیشد .

سال یازدهم دوره ۳۰ سالی قمری است . این سال کیسه است و سه ماه قمری

۳۰ روزی پشت سرهم میباشد .

ملاحظه - کسر اضافی در اول سال قمری خود تقویم یک سی ام روز است

و لهذا اول ماه قمری که مبدأ آن نیمه شب یا شامپت میباشد روز است .

تقویم شماره چهار به علامت M. 796

ماه	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
اول			
دوم			
سوم			
چهارم			
پنجم			
ششم			
هفتم	۲	سه شنبه	روز
هشتم	۲	پنجشنبه	شب
نهم	۱	آدینه	روز
دهم	۱	یکشنبه	شب
دهم	۳۰	دوشنبه	روز
یازدهم	۳۰	چهارشنبه	شب
دوازدهم	۲۹	پنجشنبه	روز

این سال گاو هرمزت بغ ماه فوغ ذش چ پنجشنبه . .
 دینگ میش

ملاحظه ۱ - در متن قدیم اصلی شش ماه از تقویم و بسیاری از کلمات محو شده و ناخواناست . کلمه پنجشنبه خواندنش مشکوک است چون اصل دردست ما نیست بیش از این نمیشود اظهار نظر کرد .

ملاحظه ۲ - در این سال یک سال قمری اول و آخرش در یک سال شمسی واقع شده و چون دارای نام گاو هم میباشد از نظر حساب مهم است .

تقویم شماره چهار به علامت M. 796

تقویم سال ۱۰۱۰ گاو

تحويل دو پنجم از مبدأ روز که ظهر باشد گذشته است .
 نوروز چهارشنبه مطابق روز هرمز از ماه فوغ (ماه نهم) سغدی یزدگردی .
 روز دی بمهر (ذ ش چ) از ماه فروردین به حساب دوره کیسه ۱۴۲۸ سالی .
 در این سال فاصله سر سال ربعی با اول بهار هفت روز است ، لهذا اول سال خورشیدی و ربعی هر دو چهارشنبه میباشد .

ماه شمسی	روز اول ماه شمسی	ماه قمری	ماه نو	روز هفته	اول ماه قمری
ماه اول	چهارشنبه	اول	۵	یکشنبه	روز
» دوم	آدینه	دوم	۵	سه شنبه	شب
» سوم	یکشنبه	سوم	۴	چهارشنبه	روز
» چهارم	سه شنبه	چهارم	۴	آدینه	شب
» پنجم	پنجشنبه	پنجم	۳	شنبه	روز
» ششم	شنبه	ششم	۳	دوشنبه	شب
» هفتم	دوشنبه	هفتم	۲	سه شنبه	روز
» هشتم	چهارشنبه	هشتم	۲	پنجشنبه	شب
» نهم	آدینه	نهم	۱	آدینه	روز
» دهم	یکشنبه	دهم	۱	یکشنبه	شب
» دهم	دوشنبه	یازدهم	۳۰	دوشنبه	روز
» یازدهم	سه شنبه	دوازدهم	۳۰	چهارشنبه	شب
» دوازدهم	پنجشنبه	اول	۲۹	پنجشنبه	روز

سال سوم دوره ۱۹ سالی قمری . این سال کیسه است .
 سال بیستم دوره ۳۰ سالی قمری . سال قمری قبل که سال ۱۹ میباشد کیسه است .
 ملاحظه - کسر اضافی سال قمری ده سی ام روز است ، لهذا اول ماه قمری که مبدأ آن نیمه شب یا شامیت میباشد روز میشود .

بخش دوم

تاریخ یزدگردی باستانی

دردو تقویم از تقویمهای تورفانی (شماره ۱ و ۲) قرن هشتم پیش از میلاد نام یزدگردی برده شده است. در زیجها و کتب نجومی وضع این تاریخ را به زمان جم و قبل از او نسبت داده اند و تصریح کرده اند که این تاریخ مربوط به یزدگرد شهریار نیست. یزدگردی یعنی الهی. عیسویان نیز تاریخ میلادی را سال خدائی و الهی میگویند و A. D. علامت اختصار این معنی است.

این سالها را یزدگردی میگفتند برای اینکه هریک از روزهای ماه از ایزدی بود و نماز مخصوصی داشت ولی بعدها هرگونه سال ۳۶۵ روزی را یزدگردی گفتند و برای تمیز این تاریخ از تاریخهای دیگر این تاریخ را یزدگردی قدیم یا باستانی مینامند. سالهای یزدگردی باستانی ۳۶۵ روز بی کسر است و از این جهت سر سال در تمام فصول سیر میکند و روزهای متبرک تمام اوقات فصول را متبرک مینماید. مدت سیر سر سال در فصول چهارگانه ۱۵۰۸ سال بی کسر و یا ۱۵۰۷ سال خورشیدی کامل است.

معلومات ذیل راجع به تاریخ یزدگردی باستانی در کتب نجومی دیده میشود:

- ۱ - مبدأ طول نیمروز است.
- ۲ - مبدأ دوره دوازده سالی موش است.
- ۳ - روز این تاریخ از اول طلوع آفتاب تا اول طلوع آفتاب روز دیگر است. با در نظر گرفتن معلومات بالا و مراجعه به یکی از تقویمهای معمولی برای فاصله روز اول فروردین باستانی از ساعت تحویل میتوان مبدأ این تاریخ را پیدا کرد مخصوصاً اینکه از محاسبات گذشته مقدار متوسط طول سال معلوم شد و نیز از حسابهای آینده واضطر خواهد گردید. مبدأ روز صبح است.

.....

پس از پیدا شدن مبدأ تاریخ یزدگردی نتایج ذیل بدست میآید:

- ۱ - مبدأ تاریخ یزدگردی باستانی سال ۶۱۰۳ خورشیدی موش پیش از ملکی است (۵۰۲۵ سال پیش از میلاد).

۲ - مبدأ سال یزدگردی باستانی ۳۳۰۰ سال خورشیدی و یک روز از تاریخ بهیز کی جلوتر است . در این سال ۷۰ روز کیسه شده است و تاریخ بهیز کی با کیسه ۱۲۰ سالی ایجاد شده .

۳ - اگر از ۳۳۰۰ سال خورشیدی ۴۲ سال کم کنیم ۳۲۵۸ سال باقی میماند . این سال آخرین سال هزاره نهم است .

عدد ۲۵۸ قابل توجه است . این عدد حاصل جمع عدد ۱۴ و عدد ۲۴۴ میباشد . دو دوره ۱۵۰۷ سالی خورشیدی ۳۰۱۴ سال میشود . از دوره سوم یزدگردی باستانی در این سال ۲۴۴ سال خورشیدی گذشته است .

از این قرار از اول تاریخ یزدگردی باستانی تا سال ولادت زردشت ۳۲۵۸ سال است . زردشت در ۴۳ سالگی رصد کرده و حسابهای سابق را منظم نموده است . سال رصد زردشت ۳۳۰۰ سال خورشیدی بعد از یزدگردی باستانی است .

دوره ۱۵۰۸ سالی یزدگردی باستانی در هر ۱۱۶ سال یک بار کیسه میشده . شرح نوبه های کیسه ای که از اجرای آن اطلاع داریم در قسمت راجع به کیسه ها داده شده است .

آخرین نوبه کیسه دوره چهارم یزدگردی باستانی مکبوس در سال ۳۷۵ یزدگردی معمولی که سال قبل از سال آخر دوره چهارم میباشد اجرا شده است .

همچنین قابل ملاحظه است که اولین سال دوره پنجم یزدگردی خورشیدی در سال ۳۷۳ یزدگردی رحلت شروع میشود و این سال سال نهنگ است .

تاریخ یزدگردی رحلت هم از سال نهنگ شروع میشود .

تاریخ طوفان که نیز از تاریخهای مشهور قدیم ایران است و شرح آن در جای خود داده خواهد شد . مبدأ آن روز جمعه ۱۴ اردیبهشت سال ۵۴۶ یزدگردی باستانی است .

.....

در ذیل متن نوشته نجومی تورفانی را که در بخش اول به آن اشاره کردیم و مربوط

به سالهای یزدگردی باستانی است به خط فارسی میدهیم .

از این نوشته دو ترجمه مختلف تا کنون کرده اند که خلاصه آن پس از متن قدیمی داده میشود . در کلیات هر دو ترجمه اختلافی نیست ولی نسبت به برخی کلمات اختلاف نظری وجود دارد که این جزوه گنجایش شرح آن را نخواهد داشت .

مثلاً کلمه «هامین» در هر دو ترجمه و همه جا به معنی تابستان گرفته شده که به نظر ما درست نمیباشد. در یک جمله این کلمه به معنی استواء و اعتدال است. ترجمه دقیقتر این نوشته با در نظر گرفتن اصطلاحات نجومی پهلوی و فارسی و عربی دقت بیشتری لازم دارد که اکنون میسر نیست و چندان مربوط به موضوع این جزوه که فقط در رصد و تاریخ و تقویم بحث میکند نیست.

گوشن . ایگ . پهریزشن . روجان

..... روج . پد . هان . سیه . راستوان . ی . اوی . دوزیک . آستانگ . هنزافت . اگ . آبان . ماه . هنگیشی هید . اوز . پیداک . بویذ . اوز . ماه . آبان . روج . یازده . زمان . بویذ . اوز . شب . سیزده . اوز . ایگی - چ . هام شهر . خور - ایستیک . اوز . ویشاذ - آفتاب . ایستید . اوز . دوزی - چ . خورخشید . اچ . هان . آستانگ . ی . دوزیک . او . هان . آستانگ . ی . نخویستین . ی . ابرذر . مهی . اوز . ویهمذر . اچ . اباریکان . اول . ویهیزید . اوز . انی . سیه . روج . ی . آذور ماه . پد . هان . هم . سیه . راستوان . اوز . تیریت . اوز . شصت . و یچهرگ . ی . پد . اوی . هم . آستانگ . ی . نخویستین . پس ساخت . ایستیند . کی . ماه . آذور . پذیرش . پهریت . هان - اش . دوزی . ماه . آذور . همبازیچ . دروخشان . ی . هوشاگین . سوچاگین . اوز . تمین . اوز . دو - پهی کر . اختر . پذیرش . پهریزید . او - شان . گرماگ . ازیش . فروذ . ویشاهید . اوز . نیوین نید . اورور . اوز . بار . پخشاز . اوز . پد . هان . سیه . روج . ایگ . آذور . ماه . ایگ . تیریت . اوز . شصت . ویسانگ . ی . بویند . ایو . زمان . اسپور . روج . روج . دووازده . ویسانگ . دوزی . اچ . شب . اباج . استانیهید . اوز . ابر . روج . پد . گیاگ . ی . خویش . ابزویذ . اوز . روج . دووازده . زمان . بویذ . اوز . شب . دوازده . زمان . اوز . هرو . دو . آگنین . هسار . ایستیند . اوز . گهی . هامشهر . دوزی . هامین . بویذ . اوز . نیم روج . ریه . چی اون . اچ . نخویست - ایچ . خورخشید . پهریت . بوذ . اوز . پس . ایو . سار . پد . دووازده . ماهیگان . هم پذیر . دووازده . اختر . پد . وهار . اوز . هامین . پادیز . اوز . دمستان . هم بخشید . اوز . پیداک . کنیز .

اوذ . درخت . اسپیزیند . اوذ . مرو . اود . گیاو . اوذ . بار . اوذ . ارور . پخشیند .
 اوذ . دامان . پریویشن . بوید .
 اوذ . کا . خورخشیذ . اندر . اوی . ویهمیه . ی . هام کشور . پذ . اسمانان .
 باریست . ماه . ماه . همبذیچ . وررگ . گاو . دو - پهیگر . کیرزنگ . اوذ . شگر .
 اختر . اچ . ابر . پهریزید . ایگ . همبذ . یز . ایمیشان . پنزان . اختران . پذ . پنز .
 ماه . هان . پنروز . ابزویذ . اختر . اوذ . ماه . ماه . یک . روچ . هان . ی . نون .
 اچ . ایران . پنز . گاه . هنگاریند . اوذ . اچ . انیران - ایز . همبذیچ - ایم . پنز . پنز .
 اختر . روچ . ده . ابزویذ . اختر . اختر . دو . روچ . اوذ . هسار - ایز . هوشگ .
 اختر . پذ . ایو . ماه . یک . روچ . ابزویذ . هان . ی . کا - شان . نیوین نید . سرداگ .
 ازیش . فروذ . ویشاهان . اوذ . درخت . ویرزن . سانان . اوذ . پاذیز . اشمیران .
 اوذ . هام کشور . خوروپران . بوان . اوذ . هسار - ایچ . ماهیگ . اختر . پذ . ایو .
 ماه . یک . روز . ابزویذ . هان . ی . کا . نیوین نید . گرماگ . اچیش . فروذ . ویشاهیذ .
 اوذ . درخت . اسپیدان . اوذ . وهار . اشمیران . اوذ . هامشهر . اوشیام . بوان . ایگ .
 هان . پنز . روچ . ی . نون . اچ . ایران . پنز - گاه . هنگاریند . اوذ . دوواذده . روچ .
 ی . اچ . انیران . چی . هامین . پذ . یار . اوذ . پهریزشن . ی . خورخشیذ . اچ . ماه .
 میهر . دا . او . ماه . وهمن . پذ . پنز . ماه . اندر . اوی . ویهمیه . ی . هام کشور . از

خلاصه ترجمه متن نوشته نجومی

. . . روزهای راستوانه دوم تمام میشود و ماه آبان پدیدار میگردد .
 درماه آبان روز یازده زمان و شب سیزده زمان است .
 پس خورشید از آستانه دوم به آستانه اول میرود . سی روز دیگر روزهای ماه آذر
 هستند در همان سی راستوانه ۳۶۰ و یچهرک در آستانه اول پر میشود .
 درسی روز ماه آذر دوباره ۳۶۰ و یسانگ یک زمان تمام از شب برداشته میشود
 و به روز افزوده میگردد . هر روزی دوازده و یسانگ . پس روز دوازده زمان و شب
 دوازده زمان و هردو برابرند و نیمروز ریه میشود .
 یک سال دوازده ماه در برابر دوازده آستانگ پخش میشود . بهار تابستان پائیز
 وزمستان و سال نمایان میگردد . درختان شکفته میشوند و گیاه و دام می بالند .

هنگامیکه خورشید در بلندترین آسمانها است در هر ماهی هر ماهی اختر بره گاو دوپیکر و کرزنگ و شیر می باشند . این گاه پنج ماه فزونی پنج روز در هر اختر و ماه یک روز .

این روزها به حساب ایران پنج گاه میباشند .
به روش انیران در پنج اختر ده روز افزوده میشود . هر اختری دوز روز . در اختر خوشک در یک ماه یک روز افزونی است .
در این هنگام سرمایه درختان پژمرده میشوند و هام کشور خوربران میگردد .
در اختر ماهیک یک ماه یک روز افزاید . هنگامیکه گرمی فرو آید درختان شکفته میگردد و بهار میشود و همه جهان میبالد .
اینها پنج روزی هستند اکنون بروش ایران پنج گاه انگارند و دوازده روزی که بروش انیران . . .

تاریخ جلوس یزدگرد شهریار و تاریخ رحلت

چنانکه گفتیم یزدگردی یعنی الهی و مربوط به یزدگرد شهریار نیست .
در همه کتابهای تاریخ از بلاذری و یعقوبی و طبری گرفته تا روضه الصفوا و حبیب السیر تصریح کرده اند که در سال یازدهم هجری یزدگرد شهریار پادشاه نبوده است .
اگر جلوس یزدگرد شهریار فقط یک سال بعد از سال یازدهم هجری باشد روز اول تاریخی که به او منسوب کرده اند سه شنبه نمیشود و اگر سه شنبه نشد ۱۴ قرن اختلاف که در تاریخ پیدا شده خود بخود بر طرف میگردد .

.....

رحلت حضرت رسول (ص) در سال یازدهم هجری است .
خلافت ابوبکر از این سال است و وفات ابوبکر در سال ۱۳ هجری .
بعد از ابوبکر عمر ده سال و شش ماه خلافت کرده و در سال ۲۳ هجری کشته شد .
در جنگهای بعد از سال ۱۴ هجری پوران دخت شکست خورده و باعث این شده که یزدگرد شهریار را بیاورند .
پس از این تذکرات مختصر میگوئیم :

بموجب روایات ذیل که بطور تذکر از کتب تاریخ نقل شده در سال یازدهم هجری یزدگرد شهریار پادشاه نبوده است و تاریخ یزدگردی مشهور تاریخ رحلت است . چون ۱۴ قرن اختلاف در تاریخ قابل توجه است مطالبی که در ذیل نقل میشود زمینه‌ایست برای مراجعه به کتب مفصل تر .

.....

در ماه چهارم از پادشاهی اردشیر بن شیرویه ابوبکر خلیفه شد (حمزه) . در سال ۱۲ هجری ابوبکر خالد را به عراق فرستاد (مجمل) .

ابوبکر به مثنی نوشت به خالد ملحق شود . خالد آمد و لشکر را به سه دسته تقسیم کرد و مثنی را در مقدمه گذاشت . قرار دادند در موضع الحفیر به دشمن برخورد کند . این موضع از بزرگترین موضع های فارسیان بود و شوکت آن از همه شدیدتر . امیر آنجا یکی از اسواران بود که او را هرمز مینامیدند . او با عرب در خشکی و با هندیان در دریا جنگ میکرد .

وقتی که هرمز خبر آمدن دشمن را شنید به اردشیر شاه خبر ایشان را نوشت (ابن الاثیر) .

خالد انبار را به صلح بگشاد و سوی مرزبان کس فرستاد به مدائن به دعوت اسلام . اندر آن وقت پوراندخت راهمی نشاندد .

آمدن خالد به حیره در روزگار پوراندخت بود و آخر خلافت ابوبکر ، در سال ۱۲ هجری .

اندر عهد پوراندخت پیغمبر (ص) گذشته بود و ابوبکر صدیق بخلیفتی بنشسته و آخر عهدش بود . چون سه ماه از ملک پوراندخت بگذشت خلافت به عمر رسید (مجمل) . پوراندخت یک سال و چهار ماه پادشاه بود . پیغمبر (ص) بروزگار پوراندخت وفات یافت و ابوبکر بخلافت نشست . چون پوران بمرد پادشاهی به خواهرش دادند (طبری فارسی) .

اوائل خلافت عمر مثنی به مدینه شتافت و جهت جنگ با عجم استمداد نمود . عمر مردم را بفتح عراق و غزو عجم ترغیب کرد اما در آنروز هیچ کس اجابت نکرد زیرا عظماء جهت عزل خالد از عمر رنجیده بودند و بعضی از کثرت عدد و وفور عدت حکام فرس اندیشه می نمودند .

چون دعوت عمر تکرار شد ابو عبیده ثقفی این امر را قبول کرد . عمر هزار مرد و بروایتی چهار هزار کس همراه ابو عبیده به عراق فرستاد . در آن زمان به قول اکثر مورخان حکومت عجم تعلق به پوراندخت داشت (حبیب السیر) .

عمر ابو عبیده را به عراق فرستاد و خسرو مرده بود و پوراندخت به جای او بود . رستم و فیروزان دو قیم بودند و به کارهای ملک میپرداختند و هر دو ضعیف بودند . لشکر ابو عبیده شکست خورد و همه کشته شدند . خبر به عمر رسید بسیار غمگین شد (یعقوبی) . جنگ جسر که ابو عبیده در آن کشته شد آخر رمضان سال ۱۳ هجری بود . عمر بواسطه شکست ابو عبیده یک سال اسم عراق را نمیآورد (بلاذری) .

فیروزان و رستم به پوراندخت گفتند نام زن ها و کنیزان خسرو و خاندان ساسانیان را به ما بده و او داد . ایشان در طلب آنها فرستادند تا مردی را از فرزندان کسری نشان دهند ایشان گفتند جز یک پسر بنام یزدگرد شهریار نمانده و مادرش از اهل با دریا است . نزد او فرستادند و او را آوردند و پادشاه کردند . مسلمانان به عمر خبر دادند و این در ذی قعدة سال ۱۳ هجری واقع شد (طبری عربی)

پس از فیروزان و فرخ زاد یزدگرد شهریار را آوردند و چون بنشست روزگار خلافت عمر بود و حرب قادسیه (مجمل) .

جنگ قادسیه در سال ۱۵ هجری بود (تاریخ گزیده) .
اندر عهد یزدگرد شهریار پنج سال عمر خلیفه بود و پس عثمان (مجمل) .
کشته شدن عمر در ذی حجه سال ۲۳ هجری است .

.....

حمزه اصفهانی از موسی بن عیسی کسروی و مجمل التواریخ از هردو نقل میکند :
«ازدوشنبه تشرین الاول اسکندری تا پنجشنبه اول محرم سال هجرت ، ۹۳۲ سال و نهمه و نوزده روز باشد . پس چهل سال بر سرش گرفتیم مدت ابتدای هجرت تا هلاک .
شدن یزدگرد شهریار حساب آن به ۹۷۲ سال کشید و نهمه و نوزده روز .»
بموجب این روایت جلوس یزدگرد که بیست سال پیش از مرگش بوده در سال ۹۵۳ اسکندری مطابق سال بیستم هجری میشود .

در جدولهای اوائل کتاب مجمل التواریخ جلوس یزدگرد را در سال ۲۶ هجری داده است .

خلاصه از مدارکی که برای نمونه تا اینجا نقل کردیم واضح است که در سال یازدهم هجری یزدگرد شهریار پادشاه نبوده است . حال باید دید که تاریخ یزدگردی مشهور که مبدأ آن روز سه شنبه ۲۲ ربیع اول سال یازدهم هجری است از که میباشد . هبة الدین لاری منجم قرن نهم هجری در شرح هیئت قوشچی که از کتاب های مقدماتی نجوم چندین قرن بوده پس از این که روایت معمولی جلوس یزدگرد را در سال یازدهم هجری از کتاب نهایة نقل کرده چنین می نویسد :

« ولیکن (اینها) موافق تاریخ مشهور نیست چه این سال سال وفات سید کائنات است و درتواریخ چنان مذکور است که لشکر ظفر اثر اسلام چون متوجه جنگ ایشان شد پوراندخت از دختران کسری پادشاه بود » .

این که لاری از میان کتابها اشاره به کتاب نهایة کرده قابل توجه میباشد . شرح زندگانی مؤلف نهایة خالی از اهمیت نیست .

.....

دراین که رحلت حضرت رسول (ص) روز دوشنبه و در سال یازدهم هجری بوده اختلافی نیست ولی دراین که این دوشنبه چندم ماه قمری میباشد اختلاف است . دریکی از روایات که از قدیم مورد بحث بوده آمده که رحلت حضرت رسول (ص) سی سال قمری بدون یک روز کم و بدون یک روز زیاد پیش از شهادت حضرت امیراست* چون شهادت حضرت امیر (ع) در یکشنبه ۲۱ ماه قمری است پس رحلت حضرت رسول (ص) در ۲۱ ماه قمری واقع میشود و علت درست درنیامدن حساب ها برهم خوردن کیسه سالهای قمری است .

روز رحلت را به روایتی دوشنبه دوم ربیع الاول و به روایتی دوشنبه ۱۲ ربیع الاول داده اند که اعداد صحیح است ولی مقلوب شده .

روز ۲۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری سه شنبه و مبدأ تاریخی است که در همه زیج ها ثبت است . پس اول ربیع الاول نیز سه شنبه خواهد بود و روز دوم و دوازدهم دوشنبه نمیشود . عدد ۱۲ و عدد ۲ مقلوب ۲۱ و ۲۰ است . به حساب رؤیت روز ۲۰ دوشنبه میشود .

رحلت حضرت رسول (ص) شب سه شنبه بیست و دوم ربیع الاول سال یازدهم

* رساله شریفه در ضمن رسائل حضرت سید کاظم رشتی اعلی الله المقامه چاپ سنگی

هجری است و در روز سه شنبه اول فروردین و روز «میرین» که هردو از روزهای متبرک شمرده میشد به خاک سپرده شده اند .

از قدیم مرسوم بود که روز رحلت را مبدأ تاریخ قرار دهند . این که روز رحلت را مقدس شمرده اند برای اینست که عقیده داشتند هر شخصیت روحانی هنگام رحلت به رشد معنوی رسیده و قابلیت وصول به عالم بالا را پیدا کرده است .

جلوس یزدگرد شهریار

جلوس یزدگرد شهریار در سال ۹۴۴ مهری اشکانی مطابق ۶۷۳ میلادی است و در سال ۶۷۶ میلادی کیسۀ هشتم از دورۀ دوم در زمان او اجرا شده است . در خطط مقریزی از علی بن یحیی منجم نقل شده که در زمان یزدگرد شهریار روز اول فروردین یزدگردی از پنجم حزیران به طرف پنجم ایار سیر میکرده است . اول فروردین یزدگردی در سال ۶۷۶ میلادی در پنجم حزیران بوده است و این سال چهارم جلوس یزدگرد شهریار میباشد .

طالع سال جلوس اردشیر

کتاب نجومی طالع سال جلوس اردشیر را از ۱۵ تا ۱۸ درجۀ جوزا داده اند و این طالع ها از مأخذ نیمروز یا قبة الارض حساب میشده است . طالع سال ۵۳۷ مهری اشکانی مطابق ۲۶۶ میلادی همان طور که داده اند در اواسط جوزا است . همچنین اختلافی نیست که میان جلوس اردشیر و یزدگرد شهریار ۴۰۷ سال است و از این قرار جلوس یزدگرد با این حساب نیز در سال ۹۴۴ مهری اشکانی مطابق ۶۷۳ میلادی است .

سال مرگ خسرو پرویز

راجع به سال جلوس و مرگ انوشیروان اختلافی نیست . او در سال ۵۷۹ میلادی مرده است . راجع به مدت پادشاهی هرمز و خسرو پرویز اختلاف است .

طبری مینویسد: « ذکر کرده اند که منجمین اجماع نمودند خسرو پرویز چهل و هشت سال پادشاهی میکند . » مدت پادشاهی هرمز را نیز تا بیست و سه سال داده اند . از این قرار مرگ خسرو پرویز در سال ۶۵۰ میلادی واقع میشود .

بادر نظر گرفتن کلیه روایات و همچنین مامشسمی و قمری و روز و ساعت مرگ خسرو پرویز که کتب تاریخ داده اند میتوان به نتیجه ذیل رسید :

خسرو پرویز روز آذر از ماه دی بهیز کی تقریباً سه ساعت گذشته از شب دوشنبه جمادی الاولی سال ۳۰ هجری مطابق سال ۶۵۰ میلادی مرده است . این شب ، شب گاهنبار « میدیاریمگاه » میباشد .

چون سی ام را « سیم » هم می نویسند با ششم اشتباه شده است و لهذا نوشته اند خسرو پرویز در ساعت هشتم از روز دوشنبه یازدهم جمادی الاولی مطابق روز آذر از ماه آذر در سال ششم هجری در گذشته است که با حساب درست نیست .

درباره مرگ خسرو پرویز در شاهنامه این بیت آمده است :

کجا ماه آذر بد و روز دی گه آتش و مرغ بریان و می

در نام روزهای ماه روزی به نام دی نیست . سه روز از ماه بنام دی باذر و دی بمهر و دی بدین میباشد .

چون این روز باید دوشنبه یازدهم جمادی الاولی و شب جشن و می و مرغ و هنگام آتش باشد بیت اصلی این طور بوده است :

کجا روز آذر بد و ماه دی گه آتش و مرغ بریان و می .

بخش سوم

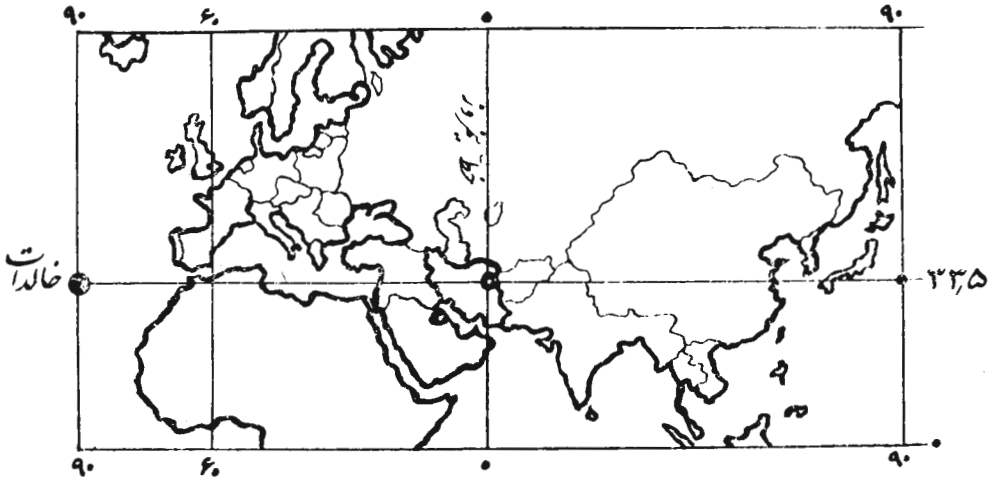
رصد خانه - طول سال - تاریخ رومی - دوره های کیسه

تذکر - اگر رصد خانه و مبدأ روز و دوره کیسه و نوبه کیسه و طول سال خورشیدی و موقع اجرای یکی از کیسه ها و . . . معلوم باشد میتوان شماره سالهای گذشته تاریخی را بدست آورد .

حال اگر غرض برهمزدن حساب های قدیمتر باشد تا این که موقع بشارت ها که مدار مذهب و سیاست بر آن بوده بهم بخورد و در زمان معینی صدق کند یا نکند باید در چنین معلومات اساسی تشویش و اختلاف ایجاد کرد .

اختلاف و تناقض روایات راجع به کیسه هشتم ۱۱۶ سالی در زمان یزدگرد بن شاپور و کیسه هشتم ۱۲۰ سالی بهیژ کی در زمان یزدگرد شهریار یکی از موارد بسیار این خرابکاری ها است که از آن جهات ضعف اخلاص کنندگان را میتوان فهمید .

در ذیل مختصری راجع به رصدخانه نیمروز و جزایر و همی خالدا و منجمین آن و قدمت و اشکال کیسه تاریخ رومی و طول سال و تاریخ رومی و دوره های کیسه و تاریخ ملکی و کیسه ۱۴۶۱ سالی داده میشود .



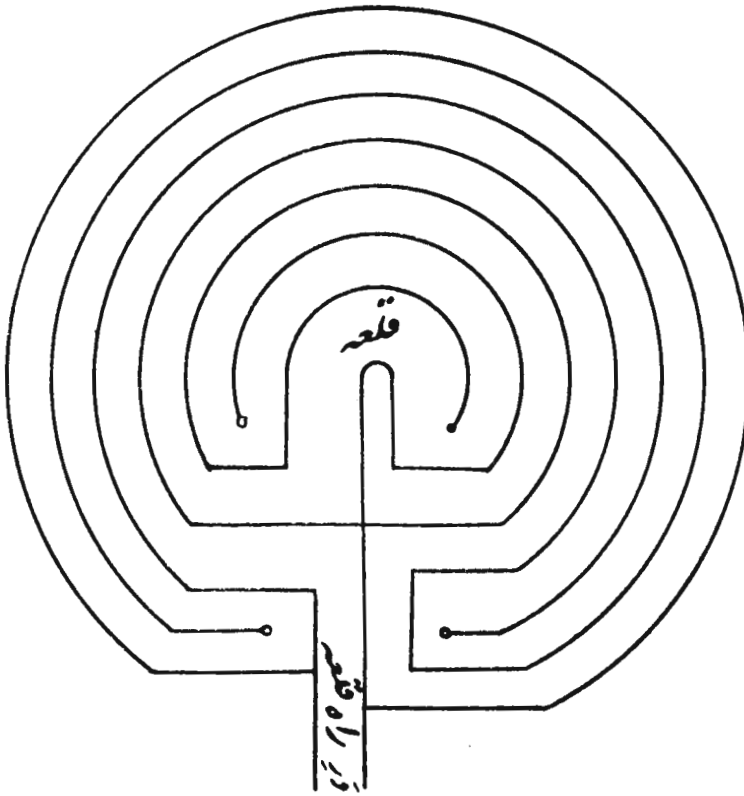
رصد خانه نیمروز

دایره نیمروز یا نصف النهار رصد های قدیم ایران از سیستان که آن را بهمین مناسبت نیمروز و زاول هم میگفتند میگذشته است . نام خود رصدخانه را «جاودان کث» یا بهشت کنگ یا کنگ دژ یا قبة الارض نوشته اند . زاول به معنی ظهر و مزوله که ساعت آفتابی باشد از کلمه زاول است . زاول و زابل یک کلمه است .

این رصدخانه در عرض ۳۳,۵ درجه در وسط دوساحل شرقی و غربی خشکی جهان واقع است . سبب انتخاب این نقطه برای رصدخانه اینست که هروقت در نیمروز ظهر است همه جای دنیای قدیم روز است یا پیش از ظهر یا بعد از ظهر .

این که عرض رصدخانه را ۳۳,۵ درجه گرفته بودند برای این بود که تا عرض ۶۷ درجه شمالی روی کره زمین قابل آبادانی است و برای این که رصدخانه درست در وسط آبادانی جهان قرار گیرد این عرض را برای رصدخانه در نظر گرفته بودند .

این بود خلاصه آنچه درزیچ ها و کتب تاریخ ولغت راجع به نیمروز و زاول یا زابل و کنگ دژ و بهشت کنگ و جاودان کث نوشته اند .



نقشه قلعه « جاودان کث » نقل از کتاب هند یرونی

رصدخانه جزائر خالدات یا سعادت

چنانکه نوشته‌اند خالدات یا سعادت شش یا هفت جزیره می‌باشند که در اقصای مغرب در دریای محیط واقع شده‌اند. فاصله این جزائر از ساحل اقیانوس دویست فرسنگ است. این جزایر را خالدات که ترجمه جاودان کث است نامیده‌اند برای این که دریشه‌ها و باغهای آن جزایر همه گونه میوه‌های لذیذ و شگفت آور یافت می‌شود بی‌آنکه کسی آنها را کاشته باشد. زمین این جزایر بجای علف محصول می‌آورد و بجای خار انواع گل‌های معطر رنگین. مسفهان ولغوش نام دوجزیره از این جزائر است. در آنجا عمارتی از سنگ تراشیده‌اند و روی ستونی بلند مجسمه‌ای از برنج نصب شده است.

در این جزائر مقام طایفه ای از حکما و خاندان منجمین است . مجوس های نصارا از این جزایر آمده اند .

این بود خلاصه آنچه راجع به این جزائر افسانه ای نوشته اند و متأخرین هم برای مزید گمراهی جزائر بی آب و علف کاناری را خالدات ترجمه کرده اند .

.....

چون ساختن یک رصدخانه و تجدید رصد در مدت کم امکان نداشت این جزائر و همی را در فاصله نود درجه در مغرب نیمروز با منجمین مخصوصی تخیل کرده و حسابهای قدیمتر را با اشتباهاتی که علامت شتاب زدگی است به رصدخانه آنجا نقل داده اند .

انتقال نصف النهار نیمروز به نود درجه در مغرب شش ساعت اختلاف حساب در ساعت مبدأ کلیه حسابها ایجاد میکند و برای تصحیح این شش ساعت روایت شده است که یوشع بن نون و حضرت امیر (ع) خورشید را برگرداندند . باروایت چنین معجزه هائی که خورشید شش ساعت عقب مانده باشد اختلاف حساب به آسانی مرتفع میگردد .

همچنین برای مغالطه خواسته اند « کنگ دژ » را دریکی از نقاط هند تصور کنند ولی خط نیمروز که از وسط آبادانی جهان میگذرد با این خصوصیت از هیچ نقطه ای از هند نخواهد گذشت و از نقطه ای در مشرق مسقط کنونی میگذرد .

این افسانه هائی که با آب و تاب فراوان در اروپا انتشار یافته بود بسیاری از دریانوردان را در راه کشف این جزایر بی نظیر تطمیع کرد و جان خود را از کف دادند .

قدمت و اشکال حساب کیسه تاریخ رومی

ده روز اختلاف

در آثار الباقیه راجع به قدمت و کیسه تاریخ رومی و طول سال هندی مبحثی دارد . برای اهمیت موضوع پس از توضیحات مقدماتی ترجمه آن داده میشود .

در صورتی که در سراسر آثار الباقیه هر جا ممکن بوده است نام « تاریخ اسکندری » کنجانیده شده ملاحظه میشود در این مبحث نه نامی از تاریخ اسکندری برده شده و نه حتی ارتباط آن را با تاریخ رومی تذکر داده است .

نام یولیوس دیکتاتور رومی که در این مبحث ذکر شده غیر از یولیوس قیصر مشهور است که بیرونی معنی آنرا هم شرح داده است . باوجودی که در این مبحث نام دیکتاتور رومی و نام ماههای رومی داده شده و اصلاً ربطی به « گرک » یا یونان ندارد در ترجمه آثار الباقیه به انگلیسی مترجم ، رومی را گرک ترجمه کرده است !

برای نشان دادن قدمت مبدأ تاریخ رومی بیرونی دو مرتبه کلمه دهر را به صیغه جمع و مفرد تکرار کرده است تا مدتی طولانی را پیش از عصر موسی و خضر و ذوالقرنین که در حدود ۱۵ قرن پیش از میلاد است تذکر بدهد . چنین تاریخی چنانکه تذکر داده خواهد شد تاریخ طوفان میباشد و مبدأ آن ۴۴۸۰ سال پیش از میلاد است .

رومیان دو قسم کیسه داشته اند یکی کیسه بزرگ و یکی کوچک . کیسه کوچک مدت ها پس از مرگ دیکتاتور معمول شده است .

اما کیسه بزرگ ، یا کیسه ۱۲۰ سال یک ماه است و یا کیسه ۱۴۶۱ سال یک سال .

جمله ای که در آن ذکر دوره کیسه ۱۴۶۱ سالی آمده در همه نسخه های خطی آثار الباقیه نیست .

در آخر فصل کیسه ها بیان کرده ایم که چنین کیسه طولانی غیر عملی است و وجود نداشته .

دراوائل قرن چهارم هجری (۹۱۳ میلادی) یعنی سال هائی که سال بشارت و ظهور تصور شده است شخصی کتابی بنام « مأخذ المواقیت » نوشته و در آن کتاب خواسته است اشکالاتی را که راجع به تاریخ رومی در نتیجه حساب سازیهای آن عصر پیش آمده بوده حل کند .

اشکال اول اینست که شماره سالهای تاریخ رومی نسبت به استحقاق کیسه آن کمتر از واقع است .

اشکال دوم اینست که در خود تاریخ رومی از نظر تاریخ گذاری یک روز یا دو روز اختلاف وجود دارد و آنهم باز مربوط بتاریخ طوفان میشود .

برای حل اشکال اولی مؤلف کتاب نامبرده مدعی شده است که در زمان سابق رومیان سالهای خود را کیسه کرده اند و اگر ما هم مانند ایشان کیسه کنیم اول سال اول نیشان و اول بهار میشود .

در این مورد بیرونی از مؤلف نامبرده میپرسد که در چه وقت رومیان این کار را کرده‌اند؟ و همچنین بیان میکند که چون سر سال رومی نزدیک به برج ثور است با تقریباً یازده روز کیسه که استحقاق ۱۲۲۵ سال به حساب هندی است سر سال به اول بهار بر نمیگردد، بلکه در روز دهم بهار میافتد.

سال ۱۲۲۵ رومی که مورد بحث است مطابق سال ۲۶۷۸ رصد است. در این سال سر سال بهیز کی ۲۱ روز از اول بهار دور میباشد یعنی نزدیک به اول برج ثور شده و اگر یازده روز کیسه کنیم سر سال در دهم حمل واقع می‌شود. در هر صورت چون صاحب کتاب مأخذالمواقیت نتوانسته حسابی را که پیشنهاد کرده است منظم کند بیرونی وی را جاهل خطاب میکند.

برای حل اشکال دوم که اختلاف یک روز یا دو روز باشد مؤلف مأخذالمواقیت رصد هندی را مأخذ حساب گرفته و همچنین اول سال رومی را اول حمل قرار داده است. میزان صحیح کیسه در هر ۱۲۸٫۲ سال یک روز است و اگر به حساب رصد غلط منسوب بهند طول مدت سال را کمتر از واقع بگیریم میزان کیسه در هر ۱۱۸٫۵ سال تقریباً یک روز میشود. با این حیل و همچنین قرار دادن مبدأ تاریخ رومی در روز اول حمل اختلاف یک روز و دو روز در ۲۶۷۸ سال از بین میرود.

بیرونی در این مبحث از مؤلف کتاب مأخذالمواقیت میپرسد که تاریخ مورد بحث او با کدام یک از دو نقطه اعتدال میزان است زیرا اگر روز و ساعت مبدأ حساب و نصف النهار رصد تاریخی معلوم نباشد رسیدگی به حساب کیسه آن تاریخ امکان ندارد و این موضوعی است که کتاب مأخذالمواقیت وارد بحث در آن نشده است.

خلاصه جدال بر سر اختلاف این ده روز مانند جدال راجع به نصف النهار جزائر خالدهات دامنه‌اش از کتب تاریخ و نجوم به کتب مذهبی کشیده شده است.

برای تصحیح اختلاف شش ساعت که در نتیجه نقل نصف النهار به خالدهات پیدا شده بود با دو معجزه خورشید باز گشت کرد. برای تصحیح این ده روز هم ملاحظه میشود که در کتاب اشعیا فصل سی و هشتم آفتاب ده درجه به عقب برگشته است. در صورتی که خورشید ده درجه بعقب برگشته باشد حساب این ده روز هم تصفیه است.

ترجمه از آثار الباقیه :

« شماره ماههای رومی همواره دوازده ماه است و نامهای آنها از این قرار است :

۳۱	فبرار یوس	۲۸	مرطیوس	۳۱	افلیریوس	۳۰
۳۱	یونیوس	۳۰	یولیوس	۳۱	اغسطس	۳۱
۳۰	سبتمبر یوس	۳۱	نوامبر یوس	۳۰	دیمیریوس	۳۱

شماره روزهای سال رومی ۳۶۵ روز و هر چهار سال یک روز به ماه فوریه می افزاید و این ماه ۲۹ روز می شود .

آنکه رومیان را بر این داشت که سالهای خود را کیسه کنند یولیوس مقلب به دیکتاتور بود . این پادشاه که در دهرهای گذشته پیش از ظهور موسی (ع) دهری طولانی بر ایشان سلطنت میکرد این ماه ها را با این تقسیمات مقرر داشت و بنامهایی که دارند نامید [و وادار کرد آنها را که در هر ۱۴۶۱ سال یک سال تمام کیسه ربعی کنند و این چنین حفظ کردند] *

این کیسه را کیسه بزرگ خواندند هنگامی که کیسه چهار سال یک روز را کیسه کوچک نامیدند . کیسه کوچک را مگر پس از گذشتن مدت هائی پس از وفات آن پادشاه بکار نبردند . مدار عمل ایشان چنانکه گفتیم بر هفته است .

صاحب کتاب مأخذ المواقیت گمان کرده آنهایی که کیسه چهار سال یک روز داشتند چه رومیان و چه دیگران اول تاریخ ایشان موقع تحویل آفتاب بحمل ، اول آوریل که نیشان سریانیان میباشد بود .

شاید در ذکر این حکایت راست و مصیب باشد زیرا ارساد نشان میدهد که کسر سال از ربع کمتر است و تحویل حمل مقدم بر اول نیشان . پس چنانکه ذکر کرده ممکن بلکه شبیه به واجب میباشد .

بعد از این از رومیان حکایت میکند که ایشان وقتی احساس کردند که سر سالشان از جای خود منحرف شده به سالهای هند التجا بردند و کیسه کردند در سالهای خود تفاوت میان دو سال را و لهذا تحویل به حمل ، به اول نیشان برگشت .

صاحب کتاب نامبرده گفته است اگر ما چنین کنیم نیشان به آنچه بوده بر میگردد و مثالی زده است که آنها تمام نکرده زیرا نتوانسته و دلالت بر جهالت او دارد . چنانکه از حکایتی که او از رومیان نقل کرده این طور فهمیده میشود که حمله اش بر رومیان است و تعصبش متوجه بطرف غیر از ایشان .

* قابل توجه است که این جمله در همه نسخه های خطی آثار الباقیه یافت نمیشود .
چنین دوره ای وجود نداشته است .

وی زیادتی میان سال رومی و سال شمسی را بروش هندیان تجنیس کرده و نتیجه ۷۲۹ ثانیه شده است و بعد روز را از جنس ثانیه نموده و بر عدد مذکور قسمت کرده است . خارج قسمت ۱۱۸ سال و ۶ ماه و ۶ روز و ثلث روز شده و این مقداریست که تاریخ یک روز تمام از جهت زیادتی استحقاق کیسه دارد .

پس از این گفته است که اگر ما کیسه کنیم آنچه را که از تاریخ روم گذشته و تا زمان او ۱۲۲۵ سال بوده تحویل حمل به اول نیشان بر میگردد . ولی مثال را ترك کرده و کیسه نموده و اگر کیسه میکرد نتیجه قضا یا تقیض گفتار و دعوی او میشد بعلت نزدیک بودن اول نیشان به اول برج ثور .

این برای اینست که تاریخی را که او خواسته مثل بزنده روز و ثلث روز استحقاق کیسه دارد بسبب این که سالهای رومی کمتر است اول نیشان مقدم میباشد بر تحویل حمل و حصه کیسه میچربد بر اول نیشان و منتهی میشود بروز دهم آن * .

کاش میدانستم که کدام یک از دو اعتدال را این مرد متعصب برای هندیان مقصود دارد . زیرا اعتدال بهاری بروش ایشان در آن زمان اتفاق میافتاد قبل از اول نیشان به شش روز یا هفت روز . بلکه کاش میدانستم که در چه وقتی رومیان آنچه را که از ایشان حکایت کرده انجام داده اند . آنها بعد از غور و مهارت در علوم هندسه و هیئت و تمسک به برهان دورند از این که به کسانی التجا ببرند که اصول خود را به وحی و الهام اسناد میدهند هنگامی که از ایشان برهان بخواهند و در حیل های خود درمانده بشوند .

چنانکه ملاحظه میشود برخی جمله های این مبحث در آثار الباقیه مشوش و دستخورده و مبهم است . در این مرحله از تحقیق چیزی از آن چه تذکر داده شد نمیشود گفت .

طول سال شمسی

سال شمسی سه گونه است و هر یک برای منظوری در حساب میآید و نمیشود یکی را بجای دیگری در حساب بکار برد .

در فصل گذشته ملاحظه شد که بموجب رصد منسوب به هند طول سال از میزان حقیقی خود کمتر گرفته شده تا اختلافات راجع به کیسه تاریخ رومی از بین برود .

* در این عبارات کلمات پس و پیش شده است . اول حمل مقدم بر اول نیشان است و با تقریباً یازده روز کیسه سر سال به دهم حمل بر میگردد . « آن » اشاره به حمل است .

در جای دیگر ملاحظه میشود که حساب سازان طول سال را از میزان حقیقی زیادتر گرفته‌اند تا این که حساب دیگری را که منظور بوده است درست در بیاورند .

با وجودی که در این مبحث در آثار الباقیه بیرونی طول سالی را که حمزه اصفهانی روایت کرده و از میزان حقیقی زیادتر است مورد اعتراض قرار داده ملاحظه میشود که در صفحه ۱۱۹ همان کتاب کسر سال را ۹۳,۲۵ جزء از روز گرفته که همان حساب حمزه است و بعد با این مأخذ که مورد اعتراض خود بیرونی است طالع سال جلوس اردشیر و یزدگرد بن شهریار را حساب کرده است. واضح است چنین تناقضی محال است از شخصی دقیق مثل بیرونی باشد .

دنباله این جدال که از قرن سوم هجری شروع شده تا قرن هفتم و هشتم کشیده میشود .

برای تکمیل این فصل نیز چند سطری از زیج علিশاه بخارائی نقل میکنیم .
اعتراض منجمین همعصر علিশاه بخارائی راجع به رصد مراغه و دفاع علিশاه قابل توجه است . زیرا که منجم مذکور در طرفداری خود از رصد مراغه فقط به تمجید از اسباب و آلات رصد کوشیده و این نکته را در نظر نگرفته که در مدت چند سال آنهم با نظریات غلط رصد دقیق محال است .

بهترین مثال در این مورد رصد دوسه ساله منسوب به الغ بیگ است که پس از گذشتن مدت کمی اختلاف فاحش در تقویم آفتاب و . . . پیدا شده است .

ترجمه از آثار الباقیه

« حمزه اصفهانی در رساله نوروژ به مانند این تعرض [و خود نمائی] کرده است هنگامی که وی در آن رساله برای فرس تعصب نشان میدهد راجع بعمل ایشان در سالهای شمسی بنا بر این که ۳۶۵ روز و شش ساعت و خمس ساعت و یک جزء از چهار صد جزء ساعت محسوب شود و این که رومیان آنچه را که در دنباله شش ساعت میآید در کیسه اهمال کرده‌اند و به این که محمد بن موسی بن شاکر منجم در کتاب خود راجع به سالهای شمسی این موضوع را شرحی کافی داده و حجت آورده و با برهان توضیح داده غلط برخی از پیشینیان را که غلط کرده‌اند .

ما در ارساد محمد بن موسی و برادرش احمد جستجو کردیم نمیگوید جز این که این کسور از شش ساعت کمتر است . اما کتابی را که او (حمزه) اشاره کرده منسوب به ثابت بن قره است که از پروردگان آنها بود و برای ایشان علوم را تہذیب میکرد .
مجمل آنچه را که در آن کتاب بود و اعتراض او این است که اختلاف سالهای (مختلف) شمسی و تفاوت آنها را بیان میکند در صورتی که اوج متحرک باشد و با این محتاج به ادوار متساویہ و حرکاتی با زمانهای متکافی گردید تا این که وسط مسیر آفتاب را استخراج کند و برای او ادواری مساوی نشد مگر در فلک خارج مرکز که از نقطہ مفروضہ گرفته شود بہمان نقطہ بعینہ و این دور مطلوب کسرش برشش ساعت اضافه است چنانکہ حمزه و غیر او حکایت کرده اند . ولی آن سال شمسی نامیدہ نمیشود . « آثارالباقیہ .

.....

« اصحاب ارساد بسیار بودند و بعد از ایشان دیگر بزرگان بر اصول رصد ایشان زیج‌ها ساخته‌اند چون نوبت بہ دولت خواجہ نصیرالدین طوسی رسید کل علوم کمال یافت خاصہ علم ریاضی .

چون بسالها تفاوت فاحش دیدہ بود در مواضع کواکب رصد فرمود کردن و اگرچہ آلت وعدہ بسیار کہ از اطراف ممالک جمع کردہ بودند چندین نوع دیگر بساخت و یقین است کہ آنچه خواجہ را میسر شدہ بود هیچ صاحب رصدی را نشدہ باشد اما روزگار وفا نکرد کہ بہ اتمام رسانیدی .

وقتی جماعتی کوتاہ نظران کہ تعصب کنند بہر وقت با بزرگان گفتند بندہ را کہ اعتقاد تو بر این رصد جدید چرا چنین محکم است کہ در تقویم آفتاب تفاوت فاحش است چنانکہ طالع تحویل سال عالم بہ نسبت با زیجہای قدیم تا بہ دہ برج میرسد و از این گونه تشنیع میکردند .

در جواب آن قوم گفتہ شد کہ این سخن کسی را باشد کہ او را برہانی بود در آنکہ این تفاوت خطاست . چرا خود اینہمہ تفاوت در زیجہا نیست وفایدہ رصد آنست کہ تا آنچه تفاوت افتادہ باشد معلوم گردد و راست شود . «

زیج علی شاہ بخارائی .

تاریخ رومی قدیم و جدید .

بزرگترین مناصب در روم قدیم منصب پنتیف بود کہ تقویم و مراقبت اوقات در زیر نظر آنها انجام میگرفت . این منصب بقدری اہمیت داشت کہ امپراتوران خود را

عده دار مقام آن میخواندند و تا کنون هم این منصب از مناصب بزرگ کلیسائی است. از این تذکر مختصر میتوان پی برد که تاجه اندازه رومیان قدیم به وقت شناسی که اساس معتقدات ایشان بود اهمیت میدادند. راجع به تاریخ رومی روایات مختلف ذکر شده است که خلاصه مضمون آنها در ذیل نقل میشود:

در سال ۴۵ پیش از میلاد یولیوس قیصر منجمی از اسکندریه دعوت کرد تا تقویم رومی را اصلاح کند زیرا پنتیف ها در حساب تاریخ و سال و ماه تقلب کرده بودند. این منجم بعلت بی اطلاعی یک روز و بیشتر در حساب اشتباه کرد و به جای این که اول سال را در ۲ مارس قرار دهد آن را در ۲۵ مارس قرار داد. بعد از منجم مصری پنتیف ها نفهمیدند که چگونه باید کیسه کنند و بجای کیسه چهار سالی چندین سال سه سال یک روز کیسه میکردند. این بود خلاصه آنچه نقل کرده اند و عجب اینست که منجمین عصر متوکل قرن ها بعد از منجم اسکندریه همین اشتباه یک روز را در حساب کرده اند و نمیدانستند یک روز از تاریخ یزد گردی باید کم کرد!

حقیقت اینست که مدارك راجع به تقویم رومی را زمامداران کلیسا از بین برده اند تا میانه عیسویت و عقاید قدیمتر رومی رشته ارتباط گسسته شود ولی سر سال تاریخ رومی که سیر منظم خود را در ماه مارس روز بروز میکرده قابل حک نبوده و همیشه باعث اشکال شده است.

کسانی که راجع به تقویم رومی چیزی نوشته اند هر وقت به اشکالی برخوردند پس از شرح رقت آوری از مغشوش بودن تاریخ رومی قدیم و بی اطلاعی منجمین و تقلب پنتیف ها اشکال را بجای خود گذاشته و گذشته اند.

چون تکرار حدسیاتی که در این باب نوشته شده بی فایده است نتیجه تحقیقات خود را تا اندازه ای که پیشرفت کرده در ذیل میدهیم. مدارك شرقی زمینه بهتری برای تحقیق است.

.....

از معانی اسامی ماه های رومی و همچنین اضافه شدن روز کیسه در نزدیکی اعتدال بهاری معلوم میشود این تاریخ با اول بهار میزان بوده است.

بیرونی مبدأ تاریخ رومی را مدت بسیار طولانی پیش از قرن ۱۰ پیش از میلاد گذاشته و برای نشان دادن این قدمت دو مرتبه کلمه دهر را بصورت جمع و مفرد در یک جمله بکار برده است. در قسمت تاریخ عالم در این جزوه نیز تذکری راجع بر این قدمت داده شده.

اختلاف یک روز در حساب‌ها نشانه دو قسم تاریخ از دومبداء مختلف است. مبداء یکی دوم زمستان و دیگری دوم بهار.

تاریخی که از روز دوم زمستان شروع میشود مبداء آن سال ۴۴۸۰ پیش از میلاد است و تاریخ طوفان میباشد. در تواریخ روم تاریخ قدیمتر بنام فلاوین * است و تا اندازه‌ای که تحقیق کرده ایم این تاریخ منسوب به شخصی نیست. در سانسکریت "Plana" و در لاتین "Flu-o" بارندگی و طوفان است. *

در تاریخ رومی اول کیسه ۱۲۰ سالی و بعد کیسه چهار سال یک روز معمول شده است و چنانکه در کتب نجومی تصریح شده در سال رصد همه تاریخهای قدیمتر کیسه و تصحیح شده و از این قرار تاریخ طوفان هم در آن سال ۲۱ روز استحقاق کیسه داشته و کیسه شده است و حسابها از سال رصد شروع میشود.

جنگ پیدنا • در سال ۱۶۸ پیش از میلاد است. این جنگ در حدود اوائل تابستان پس از شب ماه گیری و مطابق چهارم دسامبر تقویم قدیم رومی اتفاق افتاده است. روز مذکور در این سال ۷۵ روز نسبت به تاریخ ژولیانی تفاوت دارد و لهذا وضع تاریخ رومی قدیم را در آن سال نشان میدهد.

جنگ پیدنا در سال ۱۵۵۸ تاریخ رصد واقع شده است و حساب این ماه گیری این طور نشان میدهد که تا سال ۱۲۰۰ تاریخ رصد کیسه ۱۲۰ سالی مرتباً اجرا شده و بعد از این تاریخ ۳۵۸ سال یعنی در حدود سه نوبه کیسه را اهمال کرده اند و در نتیجه چهارم دسامبر در حدود اول تابستان واقع شده است. در این حساب اختلاف یک تا دو روز معمولی هم دیده نمیشود.

در سال ۱۴۵۴ تاریخ رصد یکشنبه شب ۲۵ دسامبر مهر متولد شده و به این مناسبت روز ۲۶ دسامبر اول ژانویه و مبداء تاریخ جدیدی گردیده است. در این سال نقطه اعتدال با حساب جدید در ۲۶ مارس است ولی این روز به حساب تاریخ طوفان ۲۵ مارس میشود. روز ۲۵ مارس تا دو قرن پیش در اروپا سر سال بود. این روز مربوط به میلاد مهر است نه اصلاح تاریخی که در زمان قیصر یولیوس شده است.

در سال ۴۶ پیش از میلاد که سال کیسه ۱۲۰ سالی تاریخ رصد است پس از کیسه در مدت ۳۶ سال ۱۲ روز کیسه کرده اند و سه روز اضافه در این ۳۶ سال برای این

• به سمت تاریخ طوفان رجوع شود. * Pydna. * Flavien

است که مبدأ تاریخ درست با میلاد مهر مطابق شود. در سال ۱۴۵۴ تاریخ رصد که سال تولد مهر است ۱۴ سال از کیبسه ۱۲۰ سالی گذشته بوده است و برای میزان کردن حساب با سال تولد سه روز کیبسه لازم داشته که آن سه روز را در مدت ۳۶ سال جبران کرده‌اند. تاریخی که مبدأ آن میلاد مهر باشد کیبسه آن در سال سوم اجرا میشود.

سالهای رومی جدید شمسی قمری است و لهذا در سال ۴۶ پیش از میلاد سالهای قمری هم کیبسه شده و آنها را با سالهای ربی ربط داده‌اند.

سال ۴۶ پیش از میلاد مطابق سال ۱۶۸۰ تاریخ رصد، سال هشتم دوره ۱۹ سالی قمری است و سه ماه کیبسه لازم دارد. بعلاوه سال قمری این سال سال بیست و یکم دوره سی سالی و سال کیبسه و سال ۳۵۵ روزی است و لهذا سال قمری ۴۶ پیش از میلاد سال ۴۵۰ روزی شده است و ۹۱ روز کیبسه دارد.

.....

اختلاف یک روز که در سراسر حسابها دیده میشود نتیجه اختلاف تاریخ طوفان و تاریخ بهیز کی است که مبدأ یکی دوم ژانویه و مبدأ دیگری نوروز است. برای تذکر مهمترین آنها را میدهم.

بیرونی می‌نویسد:

«میلاد مسیح پنجشنبه شب بوده است. بیشتر مردم بر این هستند که این پنجشنبه شب ۲۵ است و چنین نیست بلکه ۲۶ است. اگر کسی خواسته باشد آزمایش کند به روشی که سابق گفتیم عمل نماید. اول کانون اول یکشنبه بوده است.» *

روز سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الاول سال یازدهم هجری که مبدأ یزدگردی رحلت است به حساب بهیز کی ۱۱ حزیران و به حساب رومی مهری ۱۷ حزیران و به حساب میلادی ۱۶ حزیران میباشد. در زمان متوکل این روز را ۱۷ حزیران گرفته‌اند که روز «مهرین» باشد. تفاوت تاریخ میلادی با تاریخ رومی جدید یک روز و تفاوت تاریخ میلادی با تاریخ بهیز کی پنج روز است. اثر این تفاوت در تحویل تاریخ ارمنی به تاریخ میلادی که از قرن دهم میلادی معمول شده دیده میشود.

کیبسه‌ها

چنانکه تذکر دادیم پیشینیان به تقویم کواکب و پیش‌گوئی بموجب احکام نجومی اهمیت بسیار میدادند. برای تقویم صحیح کواکب بایستی واحد زمان و طول

* این روز به حساب تاریخ دقلیانوس است و مربوط به میلاد مهر که در بالا تذکر داده شده نیست.

مدت سال بادقت شایان تعیین شود و لهذا دوره های طولانی کیسه بهترین وسیله ای برای این مقصود بود .

اگر سال رصد و مبدأ روز دوره های کیسه بادقت تعیین شده باشد میتوان واحد زمان و طول سال را با تقریب نزدیک به واقع به دست آورد .
در کتب نجومی ایران و چند تقویم تورفانی که در دست است ذکر و آثار شش دوره کیسه شمسی و دو دوره کیسه قمری ملاحظه میشود .
در ذیل اطلاعاتی به اندازه گنجایش این جزوه راجع به دوره های کیسه داده میشود .

دوره کیسه ۱۴۰۴ سالی

آثار این دوره کیسه در تقویم های تورفانی دیده میشود و نوبه کیسه ۱۷ سال است . در هر ۳۵۱ سال بایک کیسه ۲۹ روزی و دو کیسه ۲۸ روزی این سال ها را میتوان در حدود بهار ثابت نگاهداشت .

میلاد مهر (چنانکه در کتب تاریخ تصریح شده) در سال ۵۱ دوره دوم این کیسه است که آن را کتب تاریخ « اشکانی و ملکی » نوشته اند .
مأخذ حساب تاریخ متوکی آخر نوبه هشتم از دوره دوم این کیسه است .
بطوری که از برخی نسخه های خطی کتب نجومی فهمیده میشود نام اصلی این دوره کیسه « ملکان شاهی » است .

آخرین سال دوره دوم این کیسه سال ۲۸۰۸ رصد مطابق ۴۷۶ هجری است .
در این سال در حدود ۲۸ روز سر سال از جای اصلی خود که روز نوروز است حرکت کرده است و هنوز روز ۲۸ تمام نشده و لهذا « ۲۷ » روز کیسه لازم دارد .

بموجب آنچه در زیج « المفرد » طبری راجع به رصد در این سال درآمل نوشته شده اعتدال پائیز در « اشتاد » روز مهر ماه بوده . این تصریح با در نظر گرفتن کیسه ۲۸ روز که بایستی در آخر این سال اجرا شود صحیح است .

نام تاریخ ملکی که پیش از اقدام سلطان جلال الدین سلجوق ذکر شده اسباب اشکال برای برخی در نسبت این تاریخ به جلال الدین سلجوقی فراهم کرده است .
مبدأ این کیسه در تقویم های تورفانی سال خوک ۲۸۰۴ پیش از ملکی است .

سال گاو ۹۵۰ تاریخ رصد که تقویم آن داده شد سال ۱۵ از نوبه نهم است که در خود تقویم داده است.

دوره کبیسه ۱۴۰۸ سالی

در این دوره یازده نوبه کبیسه ۱۲۸ سالی است و در هر نوبه با یک ماه کبیسه ۳۱ روزی این سال ها را در اول بهار میتوان ثابت نگاهداشت .
این دوره یکی از زمینه های حساب کبیسه خیامی است .

دوره کبیسه ۱۴۱۰ سالی

پس از ۱۴۱۰ سال خورشیدی از رصد فاصله ساعت تحویل نیمه شب واقع میشود و پس از دو دوره یعنی ۲۸۲۰ سال دوباره ساعت تحویل ظهر است . یعنی پس از گذشتن این مدت دوباره مبدأ حسابها به نیمروز برمیگردد .

میتوان این دوره را با شش نوبه کبیسه ۱۱۸ سال و ۲۹ روز و شش نوبه کبیسه ۱۱۷ سال و ۲۸ روز در حدود بهار ثابت نگاهداشت . طریقه اجرای کبیسه ها چنین است که در هر ۲۳۵ سال یک نوبه کبیسه ۲۸ روزی و یک نوبه کبیسه ۲۹ روزی اجرا نمایند . دوره ۲۸۲۰ سالی زمینه حساب کبیسه خیامی است . در برخی کتب نجومی خطی که همه از قرن هفتم هجری به بعد است این دوره را برای مغالطه ۲۲۰ سال داده اند .

دوره کبیسه ۱۴۲۸ سالی

آثار این کبیسه در کتب نجومی و تقویمهای تورفانی دیده میشود . نوبه این کبیسه ۱۱۹ سال است و در هر نوبه یک بار با یک ماه ۲۸ روزی و ۵ ماه ۲۹ روزی کبیسه میشده است . یعنی در هر دوره دو کبیسه ۲۸ روزی و ده کبیسه ۲۹ روزی بوده است . کبیسه ۲۸ روزی در اول هر نیم دوره است .

تاریخ مجوسی که ۲۵ سال با یزدگردی رحلت تفاوت دارد یعنی سال ۶۵۶ میلادی مبدأ آنست مأخذ حساب آن اول نوبه نهم از دوره دوم این کبیسه است . روز مبدأ این تاریخ مجوسی بر حسب تصریح بیرونی پنجشنبه است .
تاریخ معتضدی که مبدأ آن سال ۸۹۴ میلادی مطابق ۲۸۱ هجری است مأخذ آن نوبه یازدهم دوره دوم این کبیسه است .

انتهای دوره دوم این کیسه آخر سال ۲۸۵۵ رصد است. در کتاب «**متهی الادراک**» موقع اجرای (آخرین نوبه دوره دوم) این کیسه را روز شنبه ۱۲ ربیع الثانی سال ۶۲۵ هجری داده است.

از این حساب واضح است که مبدأ دوره این کیسه سال خوک ۲۸۰۴ پیش از ملکی است و مبدأ روز صبح.

دوره کیسه ۱۴۴۰ سالی

سالهای بهیز کی هر ۱۲۰ سال یک ماه کیسه میشده تا اوقات نماز در فصول سال ثابت بماند. پیشینیان غالباً نماز را بموجب هر دو قسم سال یزد گردی و بهیز کی میگزاردند. مبدأ بهیز کی چهارشنبه نوروز سال اول رصد بوده است.

از روی فاصله سر سال بهیز کی از نقطه اعتدال میتوان شماره نوبه کیسه و شماره دوره را پیدا کرد. نام سال اول بعد از هر کیسه ۱۲۰ سالی موش است. در ذیل کیسه هائی را که تاریخ اجرای آن در کتب نجومی ثبت است یاد آور میشویم:

۱ - کیسه هفتم از دوره دوم در سال ۲۲۸۰ بهیز کی در زمان پادشاهی انوشیروان اجرا شده. این سال سال ۵۰۶ میلادی است و سال بیست و پنجم پادشاهی انوشیروان میشود. در این سال سه دوره ۱۵۰۸ سالی بعلاوه ۱۰۵۸ سال از تاریخ یزد گردی باستانی گذشته است. در نسخه قانون مسعودی بجای دوره سوم هزاره سوم و عدد «۱۰۵۸» را نیز «۸۵۱» نوشته که مقلوب عدد اصلی است.

۲ - کیسه هشتم از دوره دوم در زمان یزد گرد شهریار اجرا شده است. این سال سال ۲۴۰۰ بهیز کی مطابق ۶۷۶ میلادی است. در این سال اول فروردین یزد گردی در پنجم حزیران میباشد چنانکه در «**خطط مقریزی**» از علی بن یحیی منجم نقل کرده است.

۳ - کیسه دهم از دوره دوم در سال ۲۶۴۰ موقع اجرائش میشود. در تاریخ «**هلال صابی**» اول محرم سال ۳۹۰ هجری مطابق ۲۷ آذر است. در این سال ۸۳ سال از کیسه دهم از دوره دوم گذشته است.

۴ - کیسه یازدهم از دوره دوم در سال ۲۷۶۰ بهیز کی مطابق سال ۱۰۳۶ میلادی است.

در موقع اجرای این کیسه فاصله میان سر سال یزد گردی باستانی و اول فروردین بهیز کی سی روز تمام است . یعنی اول اردیبهشت یزد گردی مطابق اول فروردین بهیز کی است .

سالهای پارسیان در هند که یک ماه با سالهای زردشتیان ایران اختلاف دارد یادگار این کیسه است . از اختلاف این یک ماه معلوم میشود که نمازهای زردشتیان ایران بموجب یزد گردی باستانی بوده و نمازهای زردشتیان هند بموجب سالهای بهیز کی که بعد از اجرای کیسه فوق دیگر کیسه نشده است .

در مبدأ تاریخ جلالی معمولی بموجب آنچه در شرح تذکره بیرجندی و خفری نوشته شده است سر سال بهیز کی دوازده روز با نقطه اعتدال فاصله داشته است . در سالی که نوروز نامه خیام نوشته میشده سر سال شانزده روز از جای خود حرکت کرده بوده است . از این قرار تألیف نوروزنامه در حدود سال ۴۹۵ هجری میشود . در نوروزنامه این کیسه را به زمان خلف بن احمد نسبت میدهد ولی در قانون مسعودی نوشته این کیسه در فارس صورت گرفته است . مدارك دیگر صورت گرفتن این کیسه را در فارس و نه در سیستان تأیید میکند .

کیسه ای که در زمان خلف بن احمد امیر سیستان اجرا شده آخرین کیسه ۱۱۶ سالی از دوره چهارم ۱۵۰۸ سالی در سال ۳۷۶ یزد گردی میباشد . شرح دوره این کیسه بعد داده خواهد شد .

۵ - کیسه چهارم از دوره دوم سال ۱۹۲۰ رصد موقع اجرائش میشود . روز بعثت مانی روز یکشنبه اول حمل و اول نisan بهیز کی سال ۲۰۰۴ رصد است و بواسطه تصادف روز اول نisan بهیز کی در سال ۸۴ نوبه کیسه بانوروز واضح است که نوبه چهارم کیسه ۱۲۰ سالی از دوره دوم در موقع خود اجرا شده . در این حساب شش روز کیسه سال میلاد مهر محسوب شده است .

دوره کیسه ۱۵۰۸ سالی

در مدت ۱۵۰۸ سال یزد گردی روز شمار اول فروردین دوباره به نقطه اعتدال بر میگردد . این سالها را با دو قسم کیسه میتوان در حدود بهار ثابت نگاهداشت .

۱ - دوازده کیسه ۳۰ روزی و یک کیسه ۵ روزی .

۲ - دوازده کیسه ۲۸ روزی و یک کیسه ۲۹ روزی .

درین صورت معلوم است که دوره مکبوس « ۱۵۰۸ » سال خورشیدی خواهد شد
نوبه دوره این کیسه ۱۱۶ سال است و در هر دوره ای سیزده بار کیسه میشود .
کیسه هشتم از دوره چهارم در سال ۴۲۸ میلادی در زمان یزدگرد بن شاپور
اجرا شده است . برخی این نوبه کیسه را با نوبه کیسه هشتم ۱۲۰ سالی که در سال ۶۷۶
میلادی در زمان یزدگرد بن شهریار اجرا شده اشتباه کرده اند . *

در سال بیست و پنجم پادشاهی انوشیروان ۱۰۵۸ سال از دوره چهارم کیسه
شده گذشته بوده است . در قانون مسعودی ارقام مقلوب شده و « ۸۵۱ » نوشته است .
آخر سال ۲۷۳۲ رصد مطابق ۳۷۶ یزدگردی آخرین سال دوره چهارم کیسه
شده میباشد . مبدأ کیسه سال موش است و سال آخری دوره خرگوش .
بیرجندی در شرح زیج الغ بیک و نیز سایر کتب نجومی سال ۳۷۵ را سال کیسه
داده اند که یک سال پیش از موعداست . اختلاف یک سال قابل ملاحظه است ولی تحقیق
در مرحله ای نیست که بیش ازین تذکر داده شود .

همچنین معلوم میشود که تا اواخر قرن چهارم هجری نوبه های ۱۱۶ سالی این
کیسه مرتباً اجرا میشده . این کیسه همان کیسه ای است که در زمان خلف بن احمد امیر
سیستان اجرا شده است .

دوره کیسه ۱۹ سالی قمری

اگر در مدت ۱۹ سال ۳۶۵٫۲۵ روزی هفت ماه قمری کیسه کنیم همیشه رمضان
در حدود بهار میماند .
در آخر سال ۲۳۴۶ رصد که سال پیش از هجرت است نوبه کیسه ۱۹ سالی
قمری به شعبان میافتد و بیرونی هم در آثار الباقیه نام ماه شعبان را برای کیسه در این
سال تصریح کرده است . در سال نهم هجرت موسم حج به ماه ذیقعد افتاد .
همچنین بیرونی ربیع را در فصل پائیز و جمادی را در فصل زمستان داده است .
مبدأ حساب این کیسه سال اول رصد است و آثار آن در تقویمهای تورفانی دیده میشود .
سالهای کیسه از قرار ذیل است :

۱۹ ۱۷ ۱۴ ۱۱ ۸ ۶ ۳

* جلوس اردشیر در سال ۲۶۶ میلادیت و بر سالهای پادشاهی شاپور ذوالاکتاف اقلاً
سی سال اضافه شده است .

دوره کبیسه ۳۰ سالی قمری

در هر ۳۰ سال قمری ۱۱ روز باید کبیسه کنیم . سالهای کبیسه از قرار ذیل است :

۲ ۵ ۸ ۱۱ ۱۳ ۱۶ ۱۹ ۲۱ ۲۴ ۲۷ ۳۰

ترتیب بالا ترتیب قدیمی است که در زیج حبش مروزی آمده است و با حساب مطابقت دارد و در تقویمهای تورفانی این ترتیب بکار رفته است .

ترتیب معمولی که در تقویم ها با آن حساب میشود از قرار ذیل است :

۲ ۵ ۷ ۱۰ ۱۳ ۱۶ ۱۸ ۲۱ ۲۴ ۲۶ ۲۹

این ترتیب درست نیست و علت پیدا شدن آن اینست که در آخر سال قبل از هجرت بجای سال نوزدهم دوره سال هیجدهم را کبیسه کرده اند و پنجشنبه را بجای چهارشنبه مبدأ حساب گرفته اند لهذا یک سال اختلاف در ترتیب پیدا شده که باعث اشکال شده است . سال اول هجرت نمی تواند مبدأ دوره سی سالی قمری منظم واقع شود .

روز اول تاریخ ملکی را زیج ها روز جمعه دهم رمضان داده اند چون این تصریح در کتب فنی است قابل توجه میباشد . روز جمعه دهم رمضان نمی تواند اول ملکی باشد مگر این که اول محرم هجرت تا قرن پنجم هجری به حساب کبیسه قدیم چهارشنبه محسوب شود .

دوره دوازده سالی شمسی

پس از شرح دوره های کبیسه شمسی و قمری مناسب است تذکری راجع به دوره دوازده سالی شمسی که از نظر محدود کردن سال های تاریخ اهمیت دارد بدهیم .

سال اول این دوره موش است و سال آخر آن خوک و بوسیله این نامها حدود اول و آخر سال شمسی و خصوصاً سالهای مالیاتی معلوم میگردد .

سال اول هزاره اول و سال اول یزدگردی باستانی و سال اول رصد هر سه موش است .

از حساب هزاره ها که اساس روز شمار همه حسابهای دیگر است معلوم میشود که مبدأ دوره دوازده سالی در حدود هفتاد روز پیش از نوروز میباشد .

بطوری که نوشته اند و از تواریخ چین معلوم میشود این دوره دوازده سالی چند قرن پیش از میلاد از ایران به چین رفته است .

در سال موش رصد اول فروردین یزدگردی باستانی ۶۹ روز پیش از تحویل بوده و لهذا مبدأ این دوره ۶۹ روز پیش از روز تحویل است. چنانکه در زیجها آمده در اواسط قرن پانزدهم میلادی مبدأ دوره در حدود اواسط دلو قرار داشته است. با در نظر گرفتن سالهای ربعی و منحرف شدن سر سال از نقطه اصلی، مبدأ دوره در قرن پانزدهم اواسط دلو میشود.

دوره کیسه ۱۴۶۱ سالی

پس از شرح دوره های کیسه و فوائد آنها در تعیین طول سال و ثابت نگاهداشتن اوقات عبادت و زراعت در فصول میگوئیم که تا کنون برای ما روشن نیست که از کیسه ۱۴۶۱ سالی چه استفاده ای میتوان کرد. با این کیسه نه اوقات عبادت و نه موسم زراعت و نه موقع پرداخت مالیات معین و منظم میشود.

همچنین نمیدانیم اگر مردی ۱۴۶۱ سال صبر کنند تا سر سال در فصول چهار گانه سیر کند و بعد هم به نقطه اصلی مبدأ برگردد و بعد از این مدت طولانی ۱۴۶۱ سال یک سال از حساب بیاندازند و بجای ۱۴۶۱ بنویسند ۱۴۶۰ چه استفاده نجومی یا غیر آن از چنین کاری خواهند برد.

تا آنجائی که تحقیق کرده ایم این کیسه طولانی غیر عملی برای مغالطه و تشویش حساب ها و دوره های کیسه و طول سال در کتب نجوم و تاریخ ظاهراً در حوالی قرن دهم میلادی گنجانیده شده است.

تاریخ ملکی یا ملکان شاهی

انتهای دوره دوم همه کیسه های خورشیدی در عصر خیام یا کمی قبل و بعد از عصر اوست و لهذا لازم است که شرح مختصری که نتیجه تحقیقات شخصی و متکی بر روایاتی است که در دست میباشد بدهیم.

از روایات مختلف و متناقضی که راجع به وضع تاریخ ملکی و طول سال شمسی و ترتیب دسته های کیسه در کتب نجومی نوشته شده میتوان زمینه کافی برای تحقیق و رسیدگی و نظم و ترتیب کیسه هائی که در نتیجه رصد غلط مراغه و الغ بیک بهم خورده به دست آورد.

فایده تاریخ ملکی این بوده که با یک حساب ساده و منظم چنانکه شرح داده خواهد شد روز تحویل و نوروز را پیدا کنند ولی وقتی که طول سال غلط باشد این تاریخ بی معنی خواهد بود و باید تحویل و نوروز را باز با حساب مفصل و یا رصد به دست آورد .

قبل از هر چیز باید در نظر گرفته شود که تا سلطان جلال الدین امری برای رصد جدید صادر کرد حساب کیسه ها و ترتیب اجرای آنها در جیب منجمین حاضر نبوده که فوراً آن را بیرون بیاورند و از همان سال شروع کنند و مبدأ قرار دهند .

مبدأ تاریخی که باید مأخذ حساب روش تازه ای برای کیسه باشد باید روز مناسب دقیق صد کرده و حساب شده باشد .

رصد و تعیین مدت دقیق طول سال شمسی و تنظیم سالهای کیسه و انتخاب روز و سال مناسب برای مبدأ چندین سال آزمایش رصد های قدیمتر را لازم دارد و به آن آسانی که تصور شده است امکان پذیر نیست . اگر طول سال اندکی کم و زیاد گرفته شود حساب و ترتیب کیسه ها را بهم میزنند چنانکه بهم زده است .

در نوروز نامه منسوب به خیام این طور نوشته شده است :

« بفرمود . . . حکمای عصر از خراسان بیاورند و هر آلتی که رصد را بکا رآید بساختند از دیوار و ذات الحلق و مانند این و نوروز را به فروردین بردند ولیکن پادشاه را زمانه زمان نداد و کیسه تمام ناکرده بماند . »

قبلاً اعتراض منجمین را راجع به رصد مراغه تذکر داده ایم و نیز در زیج علی شاه بخارائی شرح تغییراتی را که در سال مبدأ تاریخ ملکی از راه حسد داده اند و او از نظر خود بیان نموده است قابل توجه میباشد .

منجم نامبرده راجع به دست بردن در تاریخ سلطانی این طور نوشته است :

« در زیج عبدالرحمن رحمة اله علیه که اوساط او بر تاریخ عرب نهاده است یکی زیج معتبر سنجرى و دوم وجیز معتبر بدین معنی ناطق اند .

اما کسانی که با او تعصب کردند و حسد بردند تغییر زیج او نتوانستند کرد تغییر تاریخ کردند بخود اضافت کردند و به نقصان دو سال در زیج خود بنهادند چون در آن روزگار معروف نشده بود بعضی کسان چنان قبول کردند . »

نقل از زیج علی شاه بخارائی

خلاصه ' ازمقایسه و بررسی روایات مختلفی که در دست است چنین نتیجه میشود:
در سال ۴۷۰ هجری یعنی یک سال پیش از این که سلطان جلال الدین امری
بدهد ملاحظه میشود که منجمین راجع به تاریخی بنام ملکی حساب و رصد میکنند .

در اول سال ۲۸۰۴ رصد مطابق ۴۷۱ هجری به کوشش خواجه نظام الملک
امرسلطان برای رصد صادر میشود و از آن سال به بعد مبلغ گزافی صرف بنای رصدخانه میگردد .

در سال ۲۸۰۸ رصد مطابق ۴۷۶ هجری آخرین کبیسه دوره دوم ۱۴۰۴ سالی
برای آزمایش طول سال اجرا شده است و اعتدال خریفی به حساب ملکی قدیمی که چند
ماه به کبیسه ۲۸ روزی مانده بود در اشتاد روز مهرماه واقع میشده است .

سال ۲۸۱۶ رصد که انتهای دوره دوم ۱۴۰۸ سالی است مجدداً طول سال
آزمایش شده . این سال مطابق ۴۸۵ هجری است .

برخی گمان کرده اند این سال مبدأ ملکی است و یا این که سال ۴۸۵ هجری
که در نسخه های خطی وجود دارد غلط کاتب است .

در این سال تحویل با اختلاف غیر محسوسی یکشنبه ۲۲ فروردین یزدگردی
است . پیدا شدن روز یکشنبه و همچنین روز ۲۲ فروردین برای مبدأ این تاریخ که در برخی
نسخه های خطی مشاهده میشود نتیجه همین کبیسه آزمایشی است .

همچنین سال بعد از این کبیسه سال ۴۷۱ هجری خورشیدی است و از اینجاست
که ملاحظه میشود سال ۴۷۱ هجری قمری را به جای خورشیدی مبدأ قلمداد کرده اند .

در سال خوک ۲۸۲۰ رصد که انتهای دوره دوم ۱۴۱۰ سالی است تحویل سال
به افق نیمروز ظهر جمعه بیست و سوم فروردین یزدگردی است . این جمعه جمعه ای
میباشد که با جمعه اول بهار ۴۷۱ هجری اشتباه شده است .

همچنین قابل ملاحظه است که در کتب نجومی به جای دوره ۲۸۲۰ سالی که
اساس حساب تاریخ ملکی میباشد دوره ۲۲۰ سالی نوشته شده .

.....

یک دوره ۲۸۲۰ سالی از بیست و یک نوبه ۱۲۸ سالی و یک نوبه ۱۳۲ سالی
ساخته شده است .

هر نوبه ۱۲۸ سالی یک دسته ۲۹ سالی و سه دسته ۳۳ سالی دارد و کبیسه
پنج سالی در اول سالهای هر دسته میباشد .

نوبه ۱۳۲ سالی که نوبه آخری دوره ۲۸۲۰ سالی میباشد یک دسته ۲۹ سالی و دو دسته ۳۳ سالی و یک دسته ۳۷ سالی دارد. از این قرار دسته ۳۷ سالی که ذکرش در کتب نجومی آمده فقط در آخر هر دوره ۲۸۲۰ سالی میآید .

نوبه ۱۲۸ سالی از سالهای کیسه ملکی که در زیجها داده شده معلوم است . ولی بواسطه تناقض روایات و این که بجای ۲۸۲۰ در کتب نجومی ۲۲۰ نوشته شده بود جای دسته ۳۷ سالی در دوره معلوم نبود .

اسم حقیقی این تاریخ چنانکه در برخی نسخه های خطی دیده میشود « **ملکان شاهی** » است . ظاهراً نام قدیمی این تاریخ باعث این شده که بعدها سلطان جلال الدین را به نام ملک شاه بخوانند و نمیتوان این تشابه را کاملاً تصادف خواند .

ترکیب نامی مثل « **ملك شاه** » از دو کلمه ملك و شاه که هر دو به یک معنی است مطابق سلیقه زبان فارسی نیست و سابقه ای برای این نام تاکنون بنظر ما نرسیده است

.....

برای پیدا کردن روز نوروز در ایام هفته و همچنین سال کیسه و نام سال در دوره دوازده سالی باید حساب از تاریخ رصد نیمروز شروع شود .

تاریخ رصد نیمروز :

۲۸۰۳ سال پیش از تاریخ ملکی معمولی

و ۲۳۴۶ سال پیش از تاریخ هجری خورشیدی

و ۱۷۲۵ سال پیش از تاریخ میلادی

و ۱۴۱۴ سال پیش از تاریخ رومی معمولی .

در صورتی که یکی از تاریخهای مذکور را بدانیم با اضافه کردن سالهای میان دو تاریخ بر آن ، سال رصد را پیدا میکنیم .

مثلاً : امسال که سال ۱۳۳۱ هجری خورشیدی و ۱۹۵۲ میلادی است سال

۳۶۷۷ رصد است .

دستور پیدا کردن نام سال در دوره دوازده سالی .

سالهای تاریخ رصد را که شامل خود سال مطلوب باشد بر ۱۲ تقسیم میکنیم .

اگر باقیمانده یک باشد سال موش و اگر صفر باشد سال دوازدهم دوره دوازده سالی و سال خوك است .

موش ۳۰ پلنگ خرگوش نهنگ مار اسب گوسفند بوزینه مرغ سگ خوک
۱ ۲ ۴ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ صفر

مثلاً: امسال سال ۳۶۷۷ رصد است. اگر این سالها را بر ۱۲ تقسیم کنیم ۵
باقی میماند و پنج علامت سال نهنگ است.

دستور پیدا کردن سال کیسه

سالهای تاریخ رصد را که شامل خود سال مطلوب باشد اول بر ۲۸۲۰ تقسیم
میکنیم و بعد باقی مانده این تقسیم را بر ۱۲۸ تقسیم مینمائیم. اگر باقی مانده دوم عددی
باشد که در جدول خیامی ذیل نوشته شده آن سال سال کیسه یعنی ۳۶۶ روزی است.
و اگر عدد باقی مانده در جدول نباشد سال ۳۶۵ روزی معمولی است.

مثلاً: امسال سال ۳۶۷۷ رصد است. اگر این سالها را بر ۲۸۲۰ تقسیم کنیم
و باقی مانده را بر ۱۲۸ قسمت نمائیم ۸۹ باقی میماند. چون ۸۹ در جدول خیامی نیست
سال ۳۶۵ روزی است.

جدول خیامی

چهار سالگی								پنج سالی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷		
۵	۹	۱۳	۱۷	۲۱	۲۵	۲۹		
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	
۳۴	۳۸	۴۲	۴۶	۵۰	۵۴	۵۸	۶۲	
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	
۶۷	۷۱	۷۵	۷۹	۸۳	۸۷	۹۱	۹۵	
۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	صفر	
۱۰۰	۱۰۴	۱۰۸	۱۱۲	۱۱۶	۱۲۰	۱۲۴		

ملاحظه - در جدول فوق شماره سالهای کیسه با عدد ریزتر در زاویه بالای هر خانه داده شده است
مثلاً اگر باقی دوم ۷۵ باشد شماره کیسه ها تا قبل از این سال ۱۷ میباشد.

دستور پیدا کردن روز اول سال در هفته

۱- خارج قسمت تقسیم بر ۲۸۲۰ بعلاوه يك ضرب در ۴.

۲- خارج قسمت تقسیم بر ۱۲۸ ضرب در ۵.

۳- باقیمانده تقسیم بر ۱۲۸.

۴- شماره کیسه ها تا قبل از عدد باقی مانده بر ۱۲۸.

چهار قلم فوق را جمع میکنیم و حاصل جمع را بر ۷ که شماره روزهای هفته است تقسیم مینمائیم.

اگر باقی مانده يك باشد نوروز یکشنبه و و اگر شش باشد نوروز جمعه و اگر صفر باشد نوروز شنبه است.

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	صفر

مثلاً: در سال ۳۶۷۷ رصد حاصل جمع چهار قلم ۱۴۶ میشود و پس از تقسیم این عدد بر هفت، شش باقی میماند که علامت جمعه است.

از این قرار در سال ۳۶۷۷ رصد مطابق ۱۳۳۱ هجری خورشیدی و ۱۹۵۲ میلادی، نوروز و اول سال روز جمعه و سال ۳۶۵ روزی و سال نهنگ است.

دستور فوق از سال موش رصد تا هفتصد و پنج هزار سال بعد از رصد درست و دقیق است و این در صورتیست که اوضاع نجومی جهان تغییری نکند. مطالب مهم دیگری راجع به کیسه ملکان شاهی جمع آوری شده که باید بعدها مرتب و چاپ شود.

برای آزمایش تقویم ملکی سالهای ۶۸۱ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۱۰۱۰ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶ را با دستور فوق استخراج و با تقویمهای تورفانی مقایسه نمائید. روز نوروز در تقویم های تورفانی داده شده است.

بخش چهارم

تذکرانی راجع به وضع چند تاریخ جدید

در کتابهایی که راجع به تقویم و تاریخ گذاری نوشته شده برای این که توجه را از حساب و دقت منصرف سازند همیشه شکایت بسیار از مغشوش بودن تاریخ های قدیمتر و بی اطلاعی منجمین و محو آثار شده است .

حال باید به بینیم کسانی که این همه از گذشته شکایت دارند خودشان در وضع تاریخها و رصد چه پیشرفت هایی کرده اند .

از قرن سوم هجری به بعد می بینیم که فلسفه و نجوم و تاریخ و روایات بانظریات جدیدی تدوین میشود و جدالهایی درهر رشته برپا است که دامنۀ آن به قرن های بعد کشیده شده .

رساله سوالات بیرونی از ابن سینا و نکاتی که مورد اعتراض امام فخر رازی است و همچنین اعتراض منجمین قرن هفتم و هشتم راجع به طول سال یادگاری از این جدال علمی و فلسفی میباشد .

خلاصه این جدالها تا آنجائی که مربوط به بحث ما است این است که با « فرض افلاك » که نظریۀ تازه ای بوده نمیشود رصد کرد .

شانزده اشکال در کتب نجومی به فرض افلاك وارد کرده اند و حقیقت این است که در آن قرون رصد دقیقی انجام نگرفته و به همین علت همیشه عذر آورده اند و افسوس خورده اند که چون فلان خلیفه یا پادشاه مرد رصد به انجام نرسید .

در باب رصد بطلمیوس و نسبت کتاب مجسطی به او و سال رصد او اختلاف بسیار است . این اختلاف در حدود سه قرن میشود .

ابوعبیده میگوید : « در سفری که با ابن سینا به همدان میرفتیم صحبت از نقص تقویم ها و اختلاف ارساد پیش آمد . ابن سینا تعهد کرد کواکب را رصد کند و تهیه مقدمات این کار را بمن واگذار کرد و خود به قسمت های نظری پرداخت و برای رصد آلاتی اختراع کرد و رساله مخصوصی نوشت ولی بواسطه کثرت موانع و سفرهای پی در پی این کار انجام نیافت .

در بیان معدل المسیر و عرض التوا از ابن سینا پرسیدم گفت بعد از تعب بسیاری

این را یافته‌ام و کسی را تعلیم نمیدهم ؟! . تو خود سعی کن شاید ظاهر شود و وی اثبات صدویست کره (فلک) نمود ولی بعد از تأمل در وجوه او عدم تناهی ظاهر شود .
از این بیان معلوم میشود که ابو عبیده هم با آن همه نزدیکی به ابن سینا بعد از تأمل در فرض افلاک دریافته است که انتهای برای شماره آنها نیست یعنی رصد محال است .
در باره زیج مأمونی و حساب کیسه در زمان متوکل و و حتی رصد دوسه ساله الغ بک همین عذرهای مردن و برهم خوردن دستگاه رصد دیده میشود .
رصد دقیق رصدخانه ثابت و مناسب و سالهای بسیاری لازم دارد و آنها در صورتی است که نظریات اساسی درست باشد .

در ذیل اطلاعاتی راجع به مهمترین تاریخ هائی که از قرن نهم میلادی به بالا وضع شده و هم چنین تاریخ مصری و تاریخ بنای شهر روم و تاریخ ابراهیمی و تاریخ عالم میدهم .

تاریخ متوکل و معتضدی

نقل از آثار الباقیه :

« متوکل در شکارگاه به کشتزاری رسید که هنگام درو آن نشده بود . گفت از من اجازه گرفته اند که خراج را جمع آوری کنند و من اکنون کشتزار را سبزی بینم .
به او گفتند این کار به مردم زیان رسانیده و از وطن خود کوچ مینمایند .
متوکل مؤبد را خواست و مؤبد چگونگی سال و کیسه و تأخیر نوروز را بیان نمود . متوکل صولی را امر داد تا با مؤبد در این کار همراهی کند و این طور قرار شد که نوروز در هفدهم حزیران باشد و این نتیجه را در محرم ۲۴۳ هجری به همه جا نوشتند .
متوکل کشته شد و کاری که او در نظر گرفته بود بپایان نرسید . [مدتی بعد از متوکل و کشته شدن چند خلیفه] معتضد خلیفه شد و کار کیسه و انجام آن در نظر او از همه چیز مهمتر بود ولی راه دیگر پیش گرفت و آن اینست که متوکل سالهای میان زمان خود و جلوس یزدگرد را پایه حساب قرار داد ولی معتضد سالهای میان زمان خود و مرگ یزدگرد را .

یا خود معتضد و یا کسانی که در این کار دست داشتند گمان کرده اند که کیسه از آن وقت اهمال شده و مدتش ۲۴۳ سال است و ۶۰ روز و کسری کیسه میخواهد .
پس روز چهارشنبه یازدهم حزیران اول خرداد ، اولین روز تاریخ معتضدی شد .
اگرچه در این کار دقت شد ولی نوروز به آنجائی که در هنگام دولت فارسیان بود

برنگشت زیرا فارسیان کیسه را تقریباً ۷۰ سال پیش از مرگ یزدگرد اہمال کرده بودند زیرا در زمان یزدگرد بن شاپور دوماہ کیسہ کردہ اند. یک ماہ برای آنچه لازم بود و پنجرہ را در آخر آبان گذاشتند و یک ماہ ہم پیشکی تا این کہ مدتی آسودہ باشند.

اگر از مدت میان یزدگرد بن شاپور و یزدگرد شہریار ۱۲۰ سال کم کنیم تقریباً نہ تحقیقاً ہفتاد سال باقی است زیرا تواریخ فارسیان بسیار مغشوش است.

میزان کیسہ این ہفتاد سال ہفدہ روز است و بایستی از روی تحلیل و قیاس ۷۷ روز نہ ۶۰ روز تأخیر کند تا این کہ نوروز در ۲۸ حزیران واقع شود.

ولی کسی کہ این کار بہ دست او بود گمان کرد فارسیان مثل رومیان کیسہ میکنند و روزہا را از زوال پادشاہی فارسیان گرفت و امر برخلاف این است.

ماہہای معتضدی همان ماہہای فارسی با نامہا و ترتیب آنها است ولی روزہای فارسیان در آن بکار نمی رود و برای آن کہ در ہر چہار سال یک روز برخمسہ اضافہ میشود بہ عللی کہ در ماہہای مصری گفتیم کہ نامہای ایام ترک شد و سال کیسہ در آن مطابق سال رومی است.

در تاریخ معتضد مانند تاریخ اسکندر عمل میکنیم. از فروردین ماہ آغاز مینمائیم تا بہ آذر ماہ برسیم اگر سال کیسہ نباشد پنج روز اضافہ میکنیم. در این تاریخ نوروز با یازدہم حزیران موافق است.

در جائی دیگر در آثار الباقیہ آمدہ است :

«طریقہ شناسائی کیسہ در سالہای معتضدی بدین طریق است کہ سالہا را چہار چہار طرح کنیم اگر چیزی باقی نہاند کیسہ است و اگر باقی ماند کیسہ نیست».

.....

«علی بن یحیی منجم گوید در زمان ایرانیان نوروز بیش از یک ماہ عقب نمی ماند و ہمیشہ از پنجم حزیران تا پنجم ایار عقب میرفت لہذا خلیفہ امر داد افتتاح خراج را در پنجم حزیران قرار دہند.» مقریزی.

در کتب نجومی دیگر راجع بہ سال مبدأ تاریخ معتضدی و روز مبدأ و ماہ قمری مبدأ اختلاف بسیار است.

این بود خلاصہ آنچه در کتب تاریخ و نجوم راجع بہ وضع این دو تاریخ نوشتہ اند.

.....

جای حیرت است کہ با آن ہمہ علوم یونان و عرب در بغداد پس از تقریباً نیم قرن

کوشش دوتاریخ با نامهای ماههای فارسی وضع کنند و این قدر اختلاف و اشتباه اساسی در آنها روایت شود و بعد هم بکلی متروک گردد .

زندیقان یعنی مانویان متظاهر به اسلام در دستگاه عباسیان نفوذ بسیار داشتند . مجسمه سواره نیزه به دست مهر تا قرن چهارم هجری از مسافت زیادی بالای قصر خلفا دیده میشد . در تاریخ بغداد کراماتی هم برای آن بت ذکر شده .

منصور خلیفه دوم عباسی نام کودکیش **قلاص** بود . قلاص پیشوای یکی از فرق مانویه بوده ومعنی آن منصور میباشد که بعد ها اسم همین خلیفه شده یعنی نام کودک خود را به عربی ترجمه کرده و خود را منصور خوانده است . این که نوشته اند بعد از فتحی این نام را به او داده اند برای پوشیدن این سراسن .

وفات مهر دوشنبه شب ، چهارم شهریورماه مطابق شانزدهم حزیران مهری است . روز سه شنبه ۱۷ حزیران روز اول تاریخ « نیبران » است که وفات مانی هم با این تاریخ داده شده . این حساب با حساب میلادی دو روز تفاوت دارد .

این روز روز متبرکی است و آن را روز « میرین » نامیده اند که روز کمال و پری مهر باشد .

روایتی که از علی بن یحیی منجم نقل شده افتادگی دارد و باید بعلاوه این که روز اول فروردین را در پنجم حزیران ذکر کرده شرحی هم راجع به روز ۱۷ حزیران داده باشد .

مبدأ تاریخ متوکللی روز یکشنبه هفدهم حزیران و اول ذی حجه ۲۳۵ قمری ۹۱ روز بعد از بهار است ولی این هفدهم به حساب میلاد مهر است .

این سال مطابق سال ۲۵۷۵ رص و ۸۵۰ میلادی میباشد .

این سال سال بعد از کیسه دهم دوره دوم ۱۴۰۴ سالی و سال نهم دوره ۱۹ سالی قمری و سال بعد از کیسه ۱۳ سالی دوره ۳۰ سالی قمری است . کیسه های لازمه در سال پیش از مبدأ اجرا شده و لهذا این تاریخ به صورتی که ذکر شد از هر حیث تاریخی دقیق و منظم است و درست ۱۰۵۷ سال ربعی بعد از روز دوشنبه چهارم شهریور میباشد که شب هنگام مهر وفات کرده است و لهذا روز سه شنبه مبدأ تاریخ وفات مهر و نوروز تابستانی و اول سال نیبران شده است .

در این که تاریخ معتضدی هم مثل تاریخ متوکللی تاریخ وفات یزدگرد است شک نیست ولی تاریخ وفات مهر یزدگرد است نه یزدگر بن شهریار ساسانی . این که

نوشته اند مجوس با سال وفات یزدگرد تاریخ میگذاشتند مقصود مهر یزدگرد است و مجوس هم زردشتیان نیستند بلکه فرق مهری و نقلاصی و . . . مانویان میباشند .
 مبدأ تاریخ معتضدی سال ۲۸۱ هجری مطابق ۸۹۴ میلادی است و مأخذ آن سال اول نوبه کیسه یازدهم ۱۱۹ سالی از دوره دوم ۱۴۲۸ سالی رصد و درست ۱۱۰۱ بعداز « نیبران » یا وفات مهر است .

در سال ۱۵۱۸ ماررصد که مبدأ تاریخ وفات مهر یزدگرد است یک دوره ۱۴۴۰ سالی تمام شده واز نوبه اول کیسه ۱۲۰ سالی به حساب بهیز کی فارسیان ۷۷ سال گذشته که سال ها کیسه نشده است ، لهذا دوشنبه شب ، چهارم شهریور که وفات مهر یزدگرد میباشد مطابق ۲۸ حزیران است . بیرونی ۲۸ حزیران را مخصوصاً تصریح کرده است و قابل توجه میباشد .

اختلافی که در مبدأ تاریخ معتضدی است از روی موقع سال کیسه ربعی و همچنین سالهای خراجی که عین همین تاریخ معتضدی است تصحیح میشود .
 اختلاف در ماه ربیع الاول و ربیع الاخر و شماره روزها که تا روز ۹۰ بهار کمبود دارد از اینجا پیدا شده که بعدها میخواستند این تاریخ را با یازدهم حزیران که آنهم به حساب قدیم روز وفات مهر یزدگرد است میزان کنند . از همه اختلافات عجیب تر اختلاف در سال کیسه است که به حساب میلادی سال دوم میشود .

چون تاریخ معتضدی و همچنین تاریخ متو کلی هر دو بعد از سال کیسه شروع میشود ترتیب کیسه اش مستقل است . اگر چیزی باقی نماند سال کیسه ربعی است . این اختلافات و تغییراتی که در این دو تاریخ داده اند و همچنین رنگ مانوی آن دو باعث متروک شدن هر دو گردیده است . این نوروز تابستانی نوروز فرق مانوی بوده و از حدود بغداد که مرکز دینی مانویان محسوب میشده تجاوز نکرده است .

نیز قابل ملاحظه است که در نوروز نامه منسوب به خیام ذکر تاریخ متو کلی و کیسه خلف بن احمد امیر سیستان آمده است ولی در آنجا نامی از تاریخ معتضدی نیست .

تاریخ هجری و عمر

مردم شبه جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام تاریخ شمسی و قمری نظیر آنچه در نزد مجوس معمول بوده داشته اند . متصدی و گاهبد تقویم و حساب وقت را « قلمس » یا « ملمس » مینامیدند .

بیرونی در تفهیم « قلمس » را « دریامغ » معنی کرده است .
با در نظر گرفتن « قلزم » و « زمزم » و « مل » دلالت دو لفظ نامبرده بر معنی
و منصب گاهبدی قابل دقت است .

در آخر سال ۲۳۴۶ رصد که سال پیش از هجرت است نوبه کبیسه ۱۹ سالی
قمری شعبان است . بیرونی نام این ماه را تصریح کرده و لهذا رمضان در سال اول هجرت
در موضع فصلی خود واقع است .

ماه اول تاریخ قمری رمضان است و روایات بسیاری این را تأیید میکند .
در سال نهم هجرت حج در ماه ذی قعدة بوده . همچنین بیرونی ربیع را فصل پائیز و جمادی را
در فصل زمستان داده است .

این روایات و روایات دیگر چگونگی و نظم تقویمی را که در شبه جزیره عربستان
معمول بوده روشن میکند و لهذا نمیتوان مردم آن سرزمین را تا این اندازه که مورخین
باطنی مغرض دوره عباسی نوشته اند جاهل در تاریخ و تاریخگذاری و وقت شناسی دانست .
خلاصه ، با کبیسه ۱۹ سال هفت ماه همیشه رمضان در حدود اوائل بهار و ربیع
در حدود اوائل پائیز و جمادی در حدود اوائل زمستان می افتاده .

راجع به وضع تاریخ هجری اختلاف است . به روایتی وضع تاریخ هجری به امر
و در زمان حضرت رسول (ص) شده است و به روایتی ضعیف تر تاریخ هجری را عمر
وضع کرده است .

در این روایات آمده است که اول میخواستند از بعثت یا از وفات تاریخ بگذارند
و ماه رمضان را اول سال قرار دهند ولی بعد هجرت را مبدأ تاریخ قرار دادند و محرم را
اول سال .

در حدیث آمده است : « زمان بهمان هیئت که در روز آفرینش بود برگشته است .
سال دوازده ماه است و چهار ماه از آنها با حرمت ذیقعدة - ذیحجه - محرم - و رجب
که میان جمادی و شعبان است » .

این حدیث برای منجمین و مورخین دوره تاریخ سازی اسباب اشکال فراهم
کرده است زیرا اگر اول سال محرم بود بایستی محرم و رجب در اول ذکر شود .

خلاصه ، بموجب حدیث مذکور و روایات دیگر ماه اول سال رمضان است .
دیگر این که سال یازدهم هجری سال اول دوره ۱۹ سالی و گردش زمان به حساب اول
بر میگردد . واضح است که این حدیث با اطلاع از ترتیب کبیسه ۱۹ سالی قمری روایت شده .

در این که هجرت در چه سالی بوده است اختلاف می‌باشد و کمترین اختلاف یک سال و یک ماه است و نیز در سال بعثت ظاهری و بعثت در حدود هفت سال اختلاف وجود دارد .

در روز دوشنبه رحلت و سال رحلت اختلافی نیست فقط در نام ماه و روز ماه اختلافی است که تحقیق و تصحیح آن آسانست .

در هر صورت ، سال رحلت که در آن اختلافی نیست و همچنین ماه رمضان که از زمان بسیار قدیم مبدأ سالهای قمری بوده برای تاریخ از هر حیث مناسب تر از محرم و هجرت است و اول هم ذکر آن دو در میان بوده است .

روایت نسبت وضع تاریخ به عمر با تفصیلی که نوشته‌اند ضعیف و افسانه وار است و مدتی بعد ساخته شده . توجه به اوقات سال زمینه عقاید مذهبی مردم شبه جزیره عربستان بوده و از تاریخ و تاریخگذاری بی اطلاع نبوده‌اند .

ابوالعوجاء مانوی پیش از کشته شدن اقرار کرد که ترتیب ماهها را بهم زده است . تاریخ هجری به صورت کنونی از عهد عباسیان است و مربوط به عمر نیست .

روز اول هجرت به حساب متوسط چهارشنبه و به حساب بعد پنجشنبه است . .

چون سال هجدهم دوره سی سالی قمری را بجای نوزده کیسه گرفته‌اند ترتیب صحیح قدیم بهم خورده و همیشه یک سال جلوتر از سالی که باید کیسه اجرا کنند کیسه میشود . در زیجها مبدأ تاریخ ملکی را دهم رمضان ثبت کرده‌اند و قابل توجه میباشد زیرا که معلوم میشود تا اواخر قرن پنجم هجری روز اول هجرت به حساب قدیم چهارشنبه محسوب میشده است .

روز عاشوری را در جلد دهم بحار صفحه ۱۹۲ و سایر کتب به روایت اصح جمعه داده‌اند .

در سال ۶۱ هجری به حساب معمولی روز عاشوری چهارشنبه است که هیچ مدرکی برای آن نیست .

روز عاشوری در سال ۶۱ هجری خورشیدی ربعی که از اول محرم حساب شود جمعه و مطابق ۲۰ تیر است .

از این قرار معلوم میشود تا سال ۶۱ هجری خورشیدی هنوز طریقه قدیمی معمول بوده است .

این سال سال ۶۸۳ میلادی و ماه محرم مکیوس مطابق ذیقعدہ غیر مکیوس میباشد .

تاریخ دیوکلسمین و دقلیانوس و اردشیر بابکان

امپراطور دیوکلسمین - چنانکه نوشته اند - از ۲۸۴ تا ۳۰۵ میلادی فرمانروائی کرده است . این امپراطور پس از بیست و یک سال به میل خود از کار کناره گرفت و مشغول باغبانی و گل کاری شد . سه امپراطور دیگر با این امپراطور همعصر و همکار بوده اند . در سال ۲۸۹ میلادی جشن هزارساله بنای روم را در زمان این امپراطور گرفته اند . وفات دیوکلسمین هشت سال پس از کناره گیری از مقام امپراطوری است . تاریخ عصر این امپراطور و تاریخگذاری حوادث در این مدت طوری غیر مرتب است که زبردست ترین مورخین نتوانسته اند آن را به صورت منظمی دریاورند .

معنی اسم این امپراطور « کلمة الله » و معنی لقب او « خداوند گار » است و هردو از القاب عیسای مصلوب (ع) میباشند .

.....

در مصر و حبشه تاریخی بنام دیوکلسمین دارند که آن را تاریخ شهدا هم مینامند و از سال ۲۸۴ میلادی شروع میشود ولی در زمان دیوکلسمین بهروایتی هفت سال و بهروایتی ده سال از تاریخ حذف شده است . بادر نظر گرفتن هفت سالی که از تاریخ حذف شده سال ۲۸۴ سال ۲۹۱ میشود و قابل ملاحظه است .

.....

در پایان کتاب **التنبیه والاشراف** نوشته است :

« فراغت یافت علی بن الحسین بن علی المسعودی از تألیف این کتاب در فسطاط مصر سال ۳۴۵ هجری در خلافت المطیع و فرمانروائی قسطنطین ابن لاون بن بسیل ملک روم و ۱۷۰۲ بختنصری و ۱۲۶۸ الاسکندر بن فلیب الرومی و سال ۶۷۳ اردشیر بن بابک و سال ۳۲۴ یزدگرد بن شهریار بن کسری اپرویز آخر پادشاهان فارس . »

از مطابقه تاریخهای فوق واضح است که تاریخ اردشیر همان تاریخ دیوکلسمین و تاریخ شهدا میباشد . عجب این است با این که مسعودی این کتاب را در مصر نوشته و تمام کرده نامی از تاریخ شهدا و یا دیوکلسمین نبرده و همان تاریخ را بنام اردشیر بابکان خوانده است .

در مدارك غربی نیز ذکر تاریخی در همین حدود بنام اردشیر بابکان دیده میشود . در کتب تاریخ شرق نیز روایاتی آمده که مسیح در زمان اردشیر بابکان مبعوث شده است .

این که نوشته اند تاریخ دیوکلسین به یادگار شهدا است درست نمی باشد زیرا فرمانی که راجع به کشتار صادر شده از سال ۳۰۳ میلادی است و در ۲۸۴ میلادی شهدائی نبوده که تاریخ بنام آنها وضع کنند . در هر صورت نسبت این تاریخ به شهدا واردشیر و امپراطور دیوکلسین اشکال دارد . ظاهراً این فرمان راجع به مانویان است .

.....

در آثار الباقیه تاریخی بنام دقلیانوس دیده میشود که از چهارشنبه اول ژانویه ۲۹۰ میلادی شروع میشود و کیسه آن در سال دوم تاریخ اجرا میشده است .

تاریخ دقلیانوس که روز اول آن پنجشنبه اول ژانویه سال ۲۹۱ میلادی باشد سال دوم آن کیسه است . در صورت اخیر تاریخ مذکور یک تاریخ شمسی قمری با کیسه درست خواهد بود و فورمول عدد طلائی هم در آن صدق میکند . نیز قابل توجه است که این سال یعنی سال ۲۹۱ میلادی مطابق سال ۲۰۱۵ رصد میباشد .

در کلیسا تاریخی بنام تاریخ ابراهیمی بکار میرفته است . تاریخ میلاد عیسای مصلوب (ع) ۲۰۱۵ سال و سه ماه بعد از این تاریخ میباشد .

در قسمت راجع به تاریخ ابراهیمی مختصری راجع به این تاریخ نوشته شده است . سال ۲۹۱ سال ۲۰۱۶ این تاریخ میباشد که قابل ملاحظه است .

خلاصه ، سال ۲۹۱ میلادی که سال دوازدهم شاپور ساسانی و سال دوم از هزاره دوم بنای شهر روم است * بایستی سال میلاد واقعی باشد که در قرن دهم آن را تصحیح کرده و ۲۹۰ سال به عقب برده اند .

اگر میلاد عیسای مصلوب (ع) در این عصر نباشد باید برای شاگردان و همعصران آن حضرت طول عمری در حدود چهار قرن تصور کرد .

هم چنین نوشته اند مبدأ این تاریخ روز جمعه اول ماه توت مصری مطابق ۲۹ اوت ۲۸۴ میلادی است . این مطابقه درست نمی باشد .

ماه های ایرانی و مصری اولش با هم یکی است . تاریخ بختنصری به همین صورت که در زیج های ایران است در مصر هم بکار میرفته . اول ماه توت مصری و فروردین در سال ۳۳۴ میلادی جمعه و مطابق ۲۹ اوت بوده است . این جمعه به حساب میلادی کنونی ۳۰ اوت میشود ولی تاریخگذاری های دیگری هست که مطابق با این حساب است . در قرن پانزدهم میلادی چند سال روز های ماه های رومی را با ماه های ایرانی

* به حساب جشنی که در زمان امپراطور دیوکلسین گرفته اند .

معادل کرده اند که با حساب بالا مطابق است و با حساب میلادی معمولی مطابق نیاید و اختلاف یک روز در همه آنها دیده میشود .

بموجب آنچه گذشت سال ۳۳۴ میلادی بایستی سال شهادت عیسای مصلوب (ع) باشد ولی نه تاریخ شهدا چنانکه میگویند .

پیدا شدن صلیب هم در همین اوان است و این علامت چنانکه نوشته اند قبل از این تاریخ دیده نشده است .

تاریخ میلادی

راجع به عصری که حضرت عیسای مصلوب ظهور کرده و همچنین سال و روز مبدأ و کیسه تاریخ میلادی و چنانکه تذکر داده ایم اختلاف است . در کتب نجوم قرن پنجم و ششم هجری ذکر از تاریخ میلادی مشهور که امسال سال ۱۹۵۲ آنست نیست . تاریخ میلادی از قرن دهم میلادی به بعد معمول گردیده است و برای اهمیت موضوع باید تحقیق شود که چه حادثه ای روی داده که پس از گذشتن چنین مدت طولانی کلیسا بفکر وضع یا استعمال تاریخ میلادی افتاده است .

اوضاع امپراطوری ییزانس در قرن دهم و تسلط خارجیانی در آن جا بنام مقدونی و جنبش های ادبی و حماسی نظیر بغداد بکمک و تشویق زمامداران خارجی در هر دو کشور و مناسبات امپراطوران ییزانس با خلفا و نفوذ فرق مانوی در بالکان و ممالک اسلامی و مناسبات دوستانه خلیفه چهارم اسماعیلی در مصر با عیسویان همه باید در این بحث در نظر گرفته شود .

انقلابات و تحولات فرهنگی و ظهورهای صاحبان دعوت در قرن چهارم و پنجم هجری همه زمینه اش دلالت اوضاع نجومی و خواص اعداد و حروف و اسماء بر ظهور جدید بوده است و چنانکه نوشته اند و تذکر خواهیم داد همه رنگ مجوسی و مانوی داشته * . تا آنجائی که تحقیق کرده ایم ترکیبات ارقام ۱ و ۳ و ۹ و همچنین عدد ۱۲۴۲ که دو برابر ۶۲۱ میباشد در وضع تاریخ میلادی مؤثر بوده است . در این قرن برای ظهور هزاره ای لازم بوده که ایجاد شده است . محرم سال ۳۹۱ هجری هزاره میلادی است . در قرن شانزدهم میلادی پاپ گریگوری به گمان این که در سال ۳۲۵ میلادی

* مقصود از مجوس زردشتیان نیستند بلکه برخی از فرق مانوی و غیر زردشتی است .

روز اول بهار دربیست و یکم مارس بوده تاریخ میلادی را به کمک منجمین آن عصر با اضافه کردن ده روز اصلاح کرد .

ولی با وجود این اصلاح تاریخ میلادی دقیق و درست نیست زیرا که طول سال خورشیدی را نمیدانستند . باین روش غلط غالباً سالی که کیسه نیست کیسه میکنند و سالی که کیسه است کیسه نمیکند .

روز مبدأ تاریخ میلادی به حساب قدیم شنبه

و به حساب مطابقه یزدگردی باستانی باماههای مصری یکشنبه

و به حساب گریگوری دوشنبه

و به حساب زیچ هندی محمد شاهی سه شنبه است .

از این قرار در مبدأ حساب چهار روز اختلاف است و هر روزی میتواند نماینده ۱۲۸,۲ سال اختلاف باشد .

چند سطری که در زیچ هندی راجع به تاریخ میلادی نوشته شده قابل توجه است . این حساب مربوط به زمان اکبر شاه است و آن رصد قبل از سال ۱۵۵۸ میلادی و اصلاح گریگوری است که از سال ۱۵۸۲ میلادی به بعد معمول شده است .

روز ۲۵ دسامبر که عید میلاد مهر است تا کنون بنام حضرت عیسای مصلوب (ع) عید گرفته میشود . اول سال در اروپا تا دو قرن پیش روز ۲۵ مارس بود نه اول ژانویه . این روز هم باز مربوط بموضع سر سال در ماه مارس در سال میلاد مهر است .

راجع به عصر عیسای مصلوب (ع) در قسمت « تاریخ دقلیانوس » تذکر داده ایم و در بحث راجع به مهر نیز مطالب مهمی تذکر داده خواهد شد .

تا آنجائی که تحقیق کرده ایم در ابتدا تاریخ میلاد عیسای مصلوب (ع) را طوری قرار داده بودند که به حساب جشن زمان دیو کلسین در سال دوم از هزاره دوم از بنای شهر روم باشد ولی هفت قرن بعد احتیاجات سیاسی طوری بوده که تاریخ این میلاد را سه قرن عقب تر ببرند تا هزاره دیگری درست شود .

در قسمت راجع به تاریخ بنای شهر روم نیز تذکری راجع به این موضوع داده خواهد شد .

تاریخ اسکندری

تاریخ اسکندری یا اسکندریه در قرن چهارم هجری با اضافه کردن ۶۰۰ سال ربیعی و ۹۲ روز بر دقلیانوس ساخته شده و این از شماره روزهای اضافی واضح است. مقصود از این اضافه این بوده که سال ۳۱۹ هجری که دارای ارقام مخصوص است مطابق ۱۲۴۲ اسکندری باشد و ارقام فرد و زوج دلالت بر ظهور داشته باشند. با وجودی که مبدأ این تاریخ بیشتر از سه قرن جلوتر از تاریخ میلادی است روز های ماه آن با تاریخ میلادی یکی است.

این تاریخی که به این صورت ساخته شده و نام آنرا تاریخ اسکندری گذاشته اند نه مربوط به ولادت و نه جلوس و نه مرگ اسکندر است و نه ارتباطی با روم یا ییزانس دارد. در بحث تاریخ رومی در آثار الباقیه ابدأ نامی از تاریخ اسکندری نیست و ارتباط آن را با تاریخ رومی تذکر نداده است.

یعقوبی که از قدیمترین مورخین بشمار میآید تاریخ عجمی نوشته و اسمی از اسکندری نبرده است.

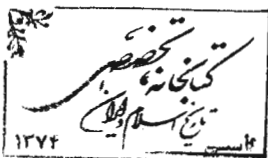
در کتب یهود تاریخی بنام کتورات یعنی پیمان ذکر شده. واضح است که این تاریخ مهر است که او را ایزد پیمان و کتورات میدانند. در کتاب های مکابی یهود نیز تاریخی بنام ملکی میباشد که آنهم همان تاریخ ملکان شاهی شهر یاری اشکانی است. در هر صورت در این کتب نامی از تاریخ اسکندری دیده نمیشود.

در تاریخ اسکندری سال مبدأ و روز مبدأ و محل آن روز نسبت به چهار نقطه اعتدال و انقلاب مشخص نیست و نمیدانیم که رصد آن روی کدام نصف النهار و در چه وقت و بتوسط کدام یک از منجمین انجام گرفته و دنباله چه رصدی است.

در چگونگی ماههائی که در تاریخ اسکندری بکار میرود و سال کیسه اختلاف است و اخیراً هر جا تاریخی در حدود سالهای این تاریخ پیدا شده آنرا اسکندری تصور کرده اند و حساب درست در نیامده است.

در برخی کتب نجومی سال کیسه این تاریخ را در سال سوم داده اند و این کیسه تاریخ مهر است نه اسکندری.

باری، این تاریخ موم آسا با این همه اسم و لقب و اختلاف در سال کیسه طوری



است که هر جا احتیاجی باشد میتوان مبدأ آن را در بهار یا پائیز و یا هر روزی که خواسته باشند بگذارند. زیرا مشخصاتی را که یک تاریخی برای محدود کردن حساب باید داشته باشد این تاریخ ندارد.

مأخذ اصلی تاریخ اسکندری آثار الباقیه دست خورده است و عجب اینست که در نوشته های بیرونی از همه بیشتر تناقض راجع به تاریخ اسکندری دیده میشود. در میان نامه های رساله های بیرونی رساله ای بنام معذرت از تاریخ اسکندر دیده میشود ولی چنین رساله ای تا کنون بنظر کسی نرسیده است.

اگر بیرونی در آن رساله از ذکر این تاریخ در نوشته های خود معذرت خواسته باشد اشکالی نیست ولی اگر معذرت خواسته باشد که چون اطلاع درستی از تاریخ اسکندری نداشتیم اشتباهاتی کرده ام واضح است که تا قرن پنجم هجری چنین تاریخی نبوده تا این که منجمی مانند بیرونی از آن اطلاع پیدا کند.

خلاصه ' این تاریخی که در تقویم های فارسی بنام رومی است مبدأ آن سال گاو ۲۷۱ پیش از میلاد است و تاریخ میلاد مهر میباشد و سال سوم سال کیسه است و ۴۰ سالی که بر سالهای این تاریخ اضافه شده برای تهیه ارقام مخصوصی است که دلالت بر ظهور داشته باشد*.

سال بعثت مانی بموجب شاپورگان ۵۳۹ است و بموجب مسعودی این بعثت در زمان امپراطوری کلودیوس دوم سال ۲۶۸ میلادی میباشد. از تفریق این دو عدد ۲۷۱ باقی میماند که سال میلاد مهر میباشد.

در قرن هفتم هجری که دوره نفوذ زندیقان در دستگاه مغولان بوده دیده میشود که برای مرتبه اول گفته اند بهتر این است این تاریخ را سلوکی بنامیم. تا کنون مدرک قدیمی که از چگونگی تاریخ سلوکی بحث کرده باشد به دست ما نرسیده است. آنچه در کتب تاریخ و نجوم تصریح شده این است که این تاریخ اصلاً روی فرض هزاره موسی (ع) وضع شده است و ارتباطی با سلوکی و اسکندر و رومی ندارد.

تاریخ مصری

مصریان واحد زمان طولانی تر از سال بکار نبرده و از این رو تاریخی پیوسته نداشته اند. در نوشته های قدیمی مصر نام دوازده ماه و ترتیب روزهای هفته دیده نشده *

* در قسمت راجع به زردشت دلالت ارقام بر ظهور اشخاص و مدعیان تذکر داده خواهد شد.

است . در چند قرن پیش از میلاد که دوره ارتباط ایران و مصر است نام ماه دیده میشود . در زمانهای گذشته چند مرتبه میخواستند تقویم مصری را بهم بزنند و مردم مقاومت کرده اند ولی عاقبت تقویم قدیم بهم خورده است . علت چنین اقدامی و مقاومت مردم قابل بحث و دقت است .

تاریخ قبطی که نسبت آنرا به سال جلوس دیو کلسین داده اند چنانکه پیش گفتیم مورد اشکال است .

اول فروردین یزدگردی و اول ماه توت مصری در سال ۳۳۴ میلادی مطابق ۲۹ ماه اوت میشود .

چون تاریخ بختنصری همان طوری که در زیجها است در مصرهم متداول بوده لهذا ماههای مصری و فارسی کاملاً معادل هستند . ماه توت معادل فروردین و ماه مسری که ماه دوازدهم است معادل اسفند یزدگردی میباشد و در قسمت مربوط به مانی نیز ملاحظه خواهد شد .

عبارت ذیل از کتاب مشهور « تاریخ قدیم شرق نزدیک » تألیف « ه . ر . هال * » نقل میشود :

« مصر و بابل هیچ یک در هیچ زمانی روش تاریخگذاری پیوسته بر اساس زمان ثابتی نداشته اند . دوره ۱۴۶۱ سالی هر چند برای مرتب کردن تقویم بکار میرفت ولی هیچ وقت به منزله یک تاریخ از طرف مصریان بکار نرفته است . »
نقل از کتاب تاریخ « هال »

تاریخ بنای شهر روم

در تاریخ بنای شهر روم اختلاف بسیار است . میان مورخین مختلف رومی و حتی در نوشته های یک مورخ در تاریخگذاری اختلافاتی دیده میشود . بموجب قدیمترین روایات تاریخ بنای شهر روم در سال ۷۴۷ پیش از میلاد بوده است . این سال بیست و دوم هزاره یازدهم است و همان تاریخی است که در کتب نجومی و زیجها بنام بختنصری یا بخت نرسی ذکر شده است . ولادت مانی چنانکه شرح داده خواهد شد مربوط باین هزاره است که مبدأ آن در سال بیست و دوم هزاره یازدهم واقع میشود .

پیش از ایجاد تاریخ میلادی معمولی برای این که ولادت حضرت عیسی مصلوب (ع) را در سال دوم هزاره ای قرار دهند ، نیز روایت شده است که جشن هزار ساله روم را در زمان امپراطور دیوکلسین در سال ۲۸۹ میلادی گرفته اند که پذیرفته نیست . بموجب حساب اخیر در مبدأ هزاره ها ۵۸ سال اختلاف ایجاد میشود و این اختلاف در حسابهای بعد قابل ملاحظه است .

تاریخ ابراهیمی

در صفحه ۳۵ آثار الباقیه تاریخ آبادانی خوارزم را ۹۸۰ سال پیش از اسکندری داده است . چگونگی تاریخ اسکندری را شرح داده ایم . اگر ۹۸۰ سال یزدگردی را بر سال های بختنصری چنانکه در جدول آثار الباقیه داده شده اضافه کنیم تاریخ دیگری به دست میآید که مبدأ آن روز مهرگان است که روز ۲۱ مهرماه خورشیدی باشد و در بخش اول شرح داده شد . در این سال که یک سال و ۱۵۸ روز پیش از سال رصد است ساعت تحویل صبح است . تا آنجائی که تحقیق کرده ایم نوروز این سال مبدأ دوره های مکبوس است . تاریخ میلاد عیسی مصلوب که تاریخ دیوکلسین یعنی « کلمة الله » میباشد در سال ۲۰۱۶ این تاریخ است .

تاریخ عالم

در کلیسا تاریخی بنام تاریخ عالم معمول بوده است . یک صد و هشت نفر از اهل فن راجع به آن تاریخ تحقیقاتی کرده اند و در نتیجه یک صد و هشت تاریخ مختلف برای عالم پیدا شده است که اختلاف تاریخ اولی با تاریخ اخیر بالغ بر ۳۳۶۸ سال میشود . در جلد اول کتاب « لار دوریفیه لدات* » شرح این اختلافات فاحش آمده است . مطلب مهمی که از این حسابها و اختلافات دستگیر میشود این است که در غرب یک تاریخ قدیمی مستعمل بوده که در آن ایجاد اختلاف کرده اند . آن تاریخ قدیمی تاریخ طوفان است که در سال رصد تصحیح شده است .

بخش پنجم

هزاره - دوره - تاریخ طوفان

تذکر - برای نظم و ضبط دقیق حسابهای نجومی که مدار مذهب و سیاست بر آن بوده منجمین از زمان بسیار قدیم دوازده هزاره هزار سالی و شش دوره ۱۵۰۸ سالی که ۹۰۴۸ سال میشود داشته اند . شماره دوره ها نصف شماره هزاره ها است .
در ذیل اطلاعاتی که تا کنون راجع به هزاره ها و دوره ها جمع آوری شده تذکر داده میشود .

هزاره ها

هزاره های دوازده گانه از هزاره اول تا دوازدهم نام بروج دوازده گانه را دارند . نام هزاره اول حمل است و نام هزاره دوازدهم حوت .
این هزاره ها از هزاره پنجم که هزاره اسد است نیز لقب های ذیل را دارند :

کیومرث - هوشنگ - جم - ضحاک - فریدون - زردشت
سوشیانس اخشیتاره - سوشیانس اخشیتاره ماه

معنی سوشیانس به فارسی میانه « بختان » است که نجات دهنده باشد . این نجات دهنده که هزاره یازدهم بنام اوست و از آمدنش بشارت داده شده القایی مانند نرسی و فیروزگار و بهرام دارد .

از این قرار هزاره یازدهم به فارسی میانه هزاره « بختان نرسه » یا « بخت نرسی » یعنی هزاره کلیم نجات دهنده یا مرد گویای نجات دهنده میشود .

بختان نرسی به مناسبت لقب فیروزگار بختان ناصر و بخت نصر گردیده و عاقبت بسوی نام خیالی « یوخذ نصار » کشانیده شده است .

در آثارالباقیه در مبحث راجع به تاریخ بختنصری این طور نوشته است :

« پس از تاریخ طوفان تاریخ بختنصر اول است و او بفارسی بخت نرسی میباشد و در تفسیر آن گفته شده است که او کثیر البکاء و این بود و به عبرانی « یوخذ نصار » میباشد . و گفته شده که تفسیر آن « عطار دو هوینطق » است از این که دوستی حکمت داشت و علماء را نزدیک میخواند و اگر معرب و مخفف بشود گفته میشود بختنصر .

و او آن کسی که بیت المقدس را ویران کرد نیست . میان آن دو کس در حدود ۱۴۳ سال فاصله است .

از این دو معنی که برای « بخت نرسی » داده شده است معلوم میشود که هم کلمه « نیروسنه » اوستائی و هم صورت جدیدتر آن « نرسی » در نسخه اصلی وجود داشته و همچنین معنی کلمه « سنه » اوستائی که سخن و نطق میباشد در آن ذکر شده بوده است . اشتباهی که مترجم کرده این است که « نیروسنه » را خوانده است « تیر + و + سنه » . چون عطار د بفرسی « تیر » است لهذا « تیر + و » را « عطار دو هو » ترجمه کرده است و بعد سه جزء منفصل کلمه « نیروسنه » رویهم رفته شده است « عطار دو هوینطق » . همچنین معلوم میشود که در اصل نسخه فارسی « نرسی » را « نر گویان » معنی کرده بودند که آن هم معنی صحیحی برای نرسی است .

مترجم « نر » را خوانده است « پر » و همچنین « گویان » را خوانده است « گریان » و هر دو را با هم « کثیر البگاه » درآورده است . همچنین قابل ملاحظه است که مترجم تصریح کرده که علت داشتن نام « عطار د و هوینطق » این است که دانش دوست بوده .

با این عبارت مترجم خواسته معنی عطار د را روی پایه محکمی بگذارد . با آشنائی به سبک بیرونی و اطلاعات او از زبان سانسکریت واضح است که چنین بیانی از او نیست . از این جمله و جمله های دیگر میتوان پی برد که کتاب آثار الباقیه را مترجمین بی اطلاعی در زمان اسماعیلیه از فارسی به عربی ترجمه نموده و در آن حک و تحریفاتی کرده اند .

کسانی که اخیراً در خارج ایران راجع به تاریخ نجوم تحقیقاتی کرده اند چون توجه نداشتند به این که « بختنصر » نام هزاره و تاریخ است تعجب نموده اند که چرا بطليموس حساب خود را از زمان کسی گرفته است که شخصیت تاریخی او مسلم نیست زیرا این بختنصر ، بختنصر مشهور نمیشد . همچنین ندیده ایم متذکر ارتباط این تاریخ با تاریخ بنای روم شوند .

در آثار الباقیه آمده است :

« در زمان یزدگرد بن شاپور دو کیسه اجرا کرده اند و یکی از آنها پیشکی بود

نامردم آسوده باشند. سرپرستی این کار به عهده شخصی به نام « یزدگرد هزاری » بود.
« هزار » دهکده ایست در استخر فارس .

اجرای کیسه پیشکی برای آسایش مردم قابل توجه است . از این قصه شیرین
میتوان دریافت که تاریخ سازان تا چه اندازه در ربط حساب نوبه های کیسه با عصر زردشت
و هزاره ها احتیاج به جعل روایات داشته اند .

تاریخی را که زیجها تاریخ بختنصری نوشته اند در همه روایات قدیم
« یزدگردی » است .

برای این که تاریخ یزدگردی رحلت بجای « هزاره یزدگردی » پایه تاریخهای
قدیم تر قرار گیرد این قصه کود کانه ساخته شده است .

نام این پادشاه و وزیر اتفاقاً هر دو یزدگرد بوده و « هزار » دهکده ای در استخر فارس .

.....

در باره هزاره یازدهم و دوازدهم که به اعتقاد مهریه و مانویه هزاره بشارت
و ظهور بوده ادبیات مذهبی زردشتی خاموش است زیرا که روحانیون زردشتی به این بشارتها
به صورتی که نقل شده اعتقاد نداشتند .

روز اول تاریخ بختنصری از نقطه های حساب شده ای میباشد که همه زیجهای
قدیم بدون استثناء به موجب آن مرتب شده است و شماره روزها را تا مبدأ هر تاریخی
بعد از آن میدانیم .

در جدول منسوب به ابومعشر بلخی که در آثار الباقیه گذاشته اند مبدأ تاریخ
بختنصری ۲۱ سال پائین تر از اول هزاره است .

علت این تصرف و تغییر این است که ولادت مانی در سال سوم از هزاره سوم
ظهور واقع شود و اعداد سه و سه هزار با هم وفق پیدا کنند و دلیل برحقانیت ظهور
مانی باشند .

موضوع ارتباط تاریخ بختنصری با تاریخ بنای شهر روم قابل ملاحظه است .
چنانکه مانویان در این تاریخ احتیاج به ایجاد یک هزاره داشته اند عیسویان نیز در ۲۹۱
میلادی احتیاج به هزاره پیدا کرده و لهذا روایت شده سال ۲۸۹ میلادی هزاره بنای روم
است و ازین قرار میلاد عیسای مصلوب (ع) در سال دوم از هزاره دوم واقع میشود .
سالها و روزهایی که با قید عبارت « قبل از یزدگردی » در کتب نجوم و تاریخ
ضبط شده همه درست است ولی مقصود از « یزدگردی » تاریخی است که زیجهای متأخر

آن را « بختنصری » ضبط کرده اند و تاریخ « یزدگردی رحلت » نیست. در سابق مفصلاً شرح دادیم که یزدگرد شهریار در سال یازدهم هجری جلوس نکرده و تاریخ یزدگردی منسوب باو نیست و لهذا این سالهائی را که در این روایات قدیمی است نمیشود قبل از آن گذاشت .

موضع نجومی روز سه شنبه اول فروردین تاریخ بختنصری نسبت به تاریخهای دیگر و تا امروز دقیقاً معلوم است و اگر سالها و روزهای که در روایات قدیم با قید « یزدگردی » آمده است بر سالهای بختنصری اضافه کنیم مبدأ هزاره ها و دوره های شش گانه و تاریخ طوفان و همچنین سال ولادت زردشت و سال رصد و سال ولادت ذوالقرنین اکبر و مبدأ حساب تقویمهای باستانی که در چین پیدا شده معلوم میشود . *

در صورتی که تاریخ رحلت بجای بختنصری گذاشته شود به نتیجه ای نخواهیم رسید و حتی حساب یک نوبه کیسه هم معلوم نخواهد شد . فقط نتیجه ای که از گذاشتن تاریخ رحلت به جای بختنصری حاصل میشود این است که تاریخ ظهور قرامطه و . . . با سالهای بشارت که به زردشت و جاماسب نسبت داده شده موافق میآید و این موضوع را در بخش زردشت شرح خواهیم داد .

.....

هرچند از مطالبی که در بخش اول و دوم این جزوه شرح داده شده مبدأ هزاره ها و دوره ها به آسانی معلوم است و لازم بشرح تازه ای نیست ولی بهتر این است که ابتدا و انتهای هزاره های دوازده گانه را مستقلاً پیدا کنیم .

.....

اولاً حدود و بعداً سال و ماه و روز ابتدا و انتهای هزاره ها را از روی معلوماتی که در کتب نجوم و تاریخ و نوشته های قدیمی است و در ذیل تذکر داده میشود میتوان تعیین کرد :

۱ - ظهور اردشیر و مانی در اوائل هزاره است و در یک نوشته چینی هزاره حوت بمناسبت میلاد مانی ذکر شده است .

۲ - ولادت مانی بموجب شاپورگان سال ۵۲۷ است . این تاریخ به هر حسابی باشد در حدود اواسط قرن سوم میلادی واقع میشود .

* برخی از دوره های کیسه سالهای یزدگردی میباشند و روز یزدگردی از اول صبح است لهذا مبدأ این دوره ها یک سال جلوتر از سال رصد است .

به موجب این دو روایت انتهای هزاره حوت که هزاره دوازدهم است در اواسط قرن سیزدهم میلادی و ابتدای هزاره جدی که هزاره دهم است در اوایل قرن هجدهم پیش از میلاد واقع میشود .

۳ - شهرستانی در « ملل و النحل » نوشته است :

« ابوسعید از رؤسای مانویان در سال ۲۷۱ هجری * گفته است امسال سال ۱۱۷۰۰ از دوران عالم است و ۳۰۰ سال دیگر دوره زندگانی آخر میشود . »
اگر این روایت به همین صورت که هست گرفته شود مبدأ هزاره دهم نیز در اوایل قرن هجدهم پیش از میلاد و انتهای هزاره دوازدهم در حدود قرن سیزدهم میلادی واقع میشود .

.....

بنا بر آنچه گذشت انتهای هزاره های دوازده گانه در قرن سیزدهم میلادی است و حال باید که سال و ماه و روز مبدأ و انتهای آنها از روی روایات دیگری معلوم شود و چنانکه تذکر داده ایم هر جا در روایات قدیمی یزدگردی نوشته شده مقصود تاریخ بختنصری است که از روز سه شنبه اول فروردین شروع میشود .

۴ - در روایات پهلوی ولادت زردشت روز دوشنبه ششم فروردین اول سال هزاره دهم میباشد . از این قرار روز چهارشنبه اول هزاره دهم است و این هزاره در قرن هجدهم پیش از میلاد شروع میشود .

۵ - میرجندی از بهمنیار نقل کرده که از روز دوشنبه ولادت زردشت تا اول یزدگردی ۳۷۲۶۶۰ روز میباشد و لهذا از روز اول فروردین سال اول هزاره دهم تا اول تاریخ بختنصری ۳۷۲۶۶۵ روز است .

۶ - از اول فروردین تاریخ بختنصری تا روز سه شنبه اول سال رحلت به موجب زیجها ۵۰۳۳۳۵ روز است .

* ۲۷۱ سال سالهای هجری نیست بلکه سال مجوسی ۲۷۵ است که ۲۵ سال با یزدگردی تفاوت دارد . مبدأ این تاریخ سال ۳۶ هجری میباشد . سال ۱۱۷۰۰ عالم مطابق ۳۱۹ هجری و ۹۳۱ میلادیست و سال ظهور است .

در نسخه ملل و نحل چاپ سنگی تهران مجموع ارقام را - ۶۰۱ - داده که درست است . سال ۶۰۰ یزدگردی آخرین سال هزاره ها میباشد . در بخش زردشت شرح بیشتری داده خواهد شد .

از جمع شماره روزها و تحویل آنها بسالهای ۳۶۵ روزی نتیجه میشود :

از روز چهارشنبه اول فروردین سال اول هزاره دهم تا روز سه شنبه اول سال رحلت مشهور به یزدگری ۲۴۰۰ سال است و روز شنبه ۳۰ اسفند ماه سال ۶۰۰ رحلت مشهور به یزدگردی هزاره دوازدهم که هزاره حوت است به پایان میرسد . در این صورت مبدأ هزاره دهم در قرن هجدهم پیش از میلاد و انتهای هزاره دوازدهم در قرن سیزدهم میلادی واقع میشود .

در ذیل روایات دیگری هم که میتوان بوسیله آنها ابتدا و انتهای هزاره ها را پیدا کرد تذکر داده میشود :

۷ - در کتب نجوم آمده است که طوفان ۳۷۳۵ سال و ۱۰ ماه و ۲۲ روز پیش از یزدگردی است که رویهم رفته ۳۷۳۶ سال میشود .

۸ - علمای زردشتی ایران در دو قرن پیش مکتوبی به هند فرستاده اند و در آن نوشته شده که ولادت زردشت ۲۷۱۵ سال و ۶ روز بعد از طوفان است و اولین روز تاریخ طوفان جمعه میباشد .

از تفریق شماره سالهای این دو روایت از هم ۱۰۲۱ سال حاصل میشود یعنی ولادت زردشت ۱۰۲۱ سال پیش از یزدگری است که در زیجها آنرا تاریخ بختنصری نوشته اند . اختلاف ۲۱ سال همان است که سابقاً تذکر داده شده و روایت دیگری طوفان را ۳۷۱۴ سال پیش از عهد خسرو پرویز گذاشته . واضح است این روایت صحیح تر میباشد . ولی دو کلمه « عهد خسرو پرویز » برای مغالطه به روایت الحاق شده .

بنا بر آنچه تا اینجا شرح داده ایم اولین روز هزاره اول روز آدینه اول فروردین سال موش ۹۰۳۶ سال خورشیدی و ۷۰ روز پیش از رصد است . در این سال فاصله اول فروردین از اول بهار ۷۰ روز است و مبدأ دوره ۱۲ سالی در این فاصله از بهار میباشد . در سال رصد این فاصله با روز تحویل ۶۹ روز بوده است و نسبت به تاریخ بهیز کی ۷۰ روز . در قرن پانزدهم میلادی به موجب آنچه در زیجها آمده مبدأ در حدود اواسط دلو قرار داشته که فاصله اش از بهار در حدود ۴۵ روز میشود . موضع این نقطه چنانکه در قرن پانزدهم زیجها داده اند با حساب سالهای بهیز کی مطابق است .

.....

شماره هزاره	نام هزاره	لقب هزاره	روز اول هزاره
۱	حمل		آدینه
۲	ثور		پنجشنبه
۳	جوزا		چهارشنبه
۴	سرطان		سه شنبه
۵	اسد	کیومرث	دوشنبه
۶	سنبله	هوشنگ	یکشنبه
۷	میزان	جم	شنبه
۸	عقرب	ضحاک	آدینه
۹	قوس	فریدون	پنجشنبه
۱۰	جدی	زردشت	چهارشنبه
۱۱	دلو	اخشیتاره	سه شنبه
۱۲	حوت	اخشیتاره ماه	دوشنبه

آخرین روز هزاره دوازدهم شنبه ۳۰ اسفند سال ۶۰۰ یزدگردی رحلت است .

دوره ها

دوره های شش گانه ۱۵۰۸ سالی از سال ۷۲۵ هزاره سوم یا هزاره جوزا شروع میشود یعنی پس از گذشتن ۲۷۲۴ سال بعد از اولین روز مبدأ هزاره اول .

مبدأ دوره های شش گانه شنبه اول حمل ۲۷۶ سال پیش از هزاره سرطان میباشد . عدد ۲۷۶ قابل توجه است زیرا که در کتب نجوم نوشته اند اول ادوار ۲۷۶ سال پیش از اول هزاره میباشد .

تاریخی که از مبدأ دوره های شش گانه داده میشود تاریخ ادوار آفرینش میباشد . از اول تاریخ ادوار تا ولادت زردشت که آغاز هزاره دهم است ۶۲۷۶ سال میشود تاریخ یزدگردی باستانی از دوره سوم این ادوار و در هزاره ششم شروع میشود . دوره سوم مکیوس یزدگردی باستانی در سال ۲۶۶ هزاره یازدهم تمام میشود . در کتب نجومی سال ۲۶۶ یزدگردی تصریح شده است .

سه دوره مکیوس ۱۵۰۸ سالی میشود ۴۵۲۴ سال مکیوس . ولادت زردشت در آغاز هزاره دهم و ۳۲۵۸ سال خورشیدی بعد از دوره یزدگردی باستانی و ۱۰۰۰ سال پیش از هزاره یازدهم میباشد .

$$۴۵۲۴ - (۳۲۵۸ + ۱۰۰۰) = ۲۶۶$$

از این قرار آخر دوره سوم مکبوس یزدگردی باستانی در سال ۲۶۶ هزاره یازدهم است که آنرا در کتب نجوم یزدگردی نوشته اند .

در سال ۲۵ پادشاهی انوشیروان ۱۰۵۸ سال از دوره چهارم گذشته بوده است . در قانون مسعودی ارقام را مقلوب کرده و ۸۵۱ نوشته اند .

آخرین سال دوره چهارم مکبوس آخر سال ۳۷۶ یزدگردی رحلت است و در سال ۳۷۵ یزدگردی کیسه اجرا شده که سال قبل از انتهای دوره است . چنانکه در زیجها نوشته اند در این سال اول فروردین و اول حمل مصادف بوده است .

انتهای دوره چهارم یزدگردی غیر مکبوس یا خورشیدی آخر سال ۳۷۲ یزدگردی رحلت است و لهذا دوره پنجم یزدگردی در سال نهنگ شروع میشود . سال یزدگردی رحلت هم برای مغالطه سال نهنگ است و این نکته قابل توجه میباشد .

تاریخ طوفان که بعد از این شرح داده خواهد شد پس از گذشتن ۳۵۶۱ سال از تاریخ ادوار آفرینش شروع میشود .

به موجب روایتی که در صفحه ۲۱ آثارالباقیه از نسخه ای از توراۃ نقل شده از هبوط آدم تا طوفان ۱۶۵۶ سال است .

ارقامی که در این نسخه از توراۃ داده شده مقلوب ارقام ۳۵۶۱ است که فاصله مبدأ ادوار آفرینش و طوفان باشد فقط دو عدد شش و سه برای پی گم کردن اختلاف دارد .

ادوار آفرینش از صبح اول فروردین و اعتدال بهاری شروع میشود . روزهای این سالها از صبح تا صبح دیگر است .

شماره دوره	سال اول دوره	روز اول دوره
اول	سگ	شنبه
دوم	مار	سه شنبه
.....		
سوم	موش	آدینه
چهارم	گوسفند	دوشنبه
پنجم	پلنگ	پنجشنبه
ششم	مرغ	یکشنبه
هفتم	نهنگ	چهارشنبه

روز سه شنبه ۳۰ اسفند سال ۳۷۲ یزدگردی رحلت آخر دوره ششم است .

ادوار مکبوس از دوره سوم شروع میشود و آخر آنها سال ۳۷۶ یزدگردی

رحلت است .

تاریخ طوفان

ذوالقرنین اکبر ، دوسر ، اس کنتار ، اسکندر ، الکساندر .

معلومات ذیل راجع به تاریخ طوفان از کتب تاریخ و نجوم جمع آوری شده است:

۱ - ا شهر حوادث و اقدم آن طوفان است که در زمان جم واقع شده .

« کتاب ربیع المنجمین نقل از کتاب جامع شاهی تألیف احمد بن عبدالجلیل سجزی . »

۲ - روز اول طوفان گوش روز آدینه ۱۴ اردیبهشت یزدگردی است .

۳ - تاریخ طوفان پیش از بختنصری است .

۴ - جلوس یزدگرد شهریار در سال ۱۱ هجری نبوده است .

۵ - هزاره جم هزاره میزان است . اردشیرومانی در هزاره حوت بوده اند .

تاریخ طوفان برفی که در زمان جمشید در هزاره هفتم آمده یکی از تاریخهای

قدیمی است که در ایران با آن تاریخگذاری میکرده اند . *

روز جمعه چهاردهم اردیبهشت یزدگردی باستانی مطابق روز دوم زمستان

۳۷۳۵ سال و ۱۰ ماه و ۲۲ روز پیش از سه شنبه اول فروردین تاریخ بختنصری در ایران

برف بسیار آمده است و تلفات بی اندازه از هر حیث وارد شده . چون این طوفان در زمان

جمشید بوده آنرا طوفان جم گفته اند . تاریخ طوفان هم با سالهای یزدگردی و هم با سالهای

مکبوس داده شده .

مبدأ تاریخ طوفان ۵۴۵ سال و ۴۳ روز بعد از تاریخ یزدگردی باستانی و ۲۸۵

سال بعد از هزاره جم است که هزاره هفتم باشد .

هزاره چهارم طوفان (مکبوس) چنانکه در کتب نجوم نوشته اند در سال ۲۶۶

یزدگردی یعنی بختنصری معمولی تمام میشود .

تا آنجائی که حساب کرده ایم این تاریخ شمسی قمری است و فرمول عدد طلائی

مشهور در آن صدق میکند و تاریخ رومی قدیم هم که بیرونی تذکر داده است همین تاریخ

است . تاریخ ولادت زردشت و ذوالقرنین اکبر را با این تاریخ ثبت کرده اند .

.....

ذوالقرنین که در قرآن ذکرش آمده معاصر خضر و موسی (ع) و در حدود

پانزده قرن پیش از میلاد است . کتب تفسیر و تاریخ این حکایت را نوشته اند و نیز تصریح

شده است که ذوالقرنین اکبر ذوالقرنین دیگری که پادشاه یمن بوده نیست .

ذوالقرنین ترجمه کلمه فارسی «دوسر» به ضم سین است. یکی از اجداد ساسانیان هم نامش «دوسر» بوده و تا اوائل اسلام در فارسی بنام دوسر و در عربی بنام مثنی اسم گذاری میکردند.

«دوسر» در خط پهلوی تن سرهم خوانده میشود و مورخین نوشته اند که نامه تن سر نامه دوسر است.

سر - سرو - سرون همه به ضم سین در فارسی بمعنی شاخ آمده است و کنایه از هلال ماه میباشد. اگر هلال ماه در جلو یا بالای تاج قرار داده شود به شکل دوشاخ به نظر میآید. ابوالفدا از وهب بن منبه روایت کرده که ذوالقرنین دوشاخ از مس داشت.

.....

از قرن سوم و چهارم هجری الکساندر مقدونی را با ذوالقرنین اکبر مخلوط کرده اند. کشانیدن نام الکساندر با الف و لامی که در اول آن است بسوی اسکندر که نامی دیگر است خالی از اشکال و تکلف در اعلام نیست.

نام اولین شخص از خاندان اشکانی که از اولاد دارا بوده اس کنتار یا اس جنتار است که بعدها آن را جبار خوانده اند. در این مورد اختلاف رسم الخط نسخه های خطی آثار الباقیه که در نسخه چاپی عربی داده شده قابل توجه است.

کنتار یا جنتار در فارسی کنونی جانتار و جاندار و کند آور شده و شعرا آنرا در شعر بکار برده اند. معنی این کلمه دلیر و جنگجو است. تواریخ ارمنی نام سرسلسله اشکانیان را ارشاک دلیر نوشته اند.

چون اس کنتار از فرزندان دارا بوده و این شهرت را ممکن نبوده است از صفحات تاریخ محو کنند بعد از کشانیدن نام الکساندر بسوی اس کنتار قصه شرم آور هم خوابگی مادر اسکندر با دارا و پس فرستادنش به روم ساخته شده است تا این که الکساندر همان اس کنتار فرزند دارا بشود. بدون چنین قصه ای الکساندر از هر جهت اس کنتار نمیشده است که تاریخ اسکندری پیدا شود و جای تاریخ اشکانی را بگیرد.

این قصه را با الفاظ غیر ادیبانه ای از قول فردوسی در شاهنامه گنجائیده اند ولی هر کس به سبک و ادب فردوسی دریان مطالب آشنا باشد میداند که این ابیات مانند هزارها بیت دیگر الحاقی است.

الکساندر مقدونی در قرن چهارم پیش از میلاد میزیسته ولی ذوالقرنین اکبر که معاصر خضر بوده در سال ۲۹۷۳ از تاریخ طوفان و در قرن شانزدهم پیش از میلاد زندگی میکرده است و هیچ یک از این دو شخص رومی نبودند .
مسعودی در التنبیه میگوید :

« میان فارسیان و امم دیگر در تاریخ الاسکندر تفاوت عظیم است . »
آن تفاوت عظیمی که مسعودی تذکر داده است همین دوازده قرنی است که فاصله میان ذوالقرنین و الکساندر مقدونی میباشد .

ابوالفدا آورده که ذوالقرنین دوم **الاسکندر بن فیلبس** است که رومیان بروزگار او تاریخ میگذارند و وی از ذوالقرنین اول **دهری طولانی** متأخر است .
ولادت زردشت ۲۷۱۵ سال و شش روز بعد از تاریخ طوفان است . چون در اکثر روایات فاصله میان ذوالقرنین و زردشت را ۲۵۸۱ سال داده اند ظهور ذوالقرنین اکبر در سال ۲۹۷۳ از تاریخ طوفان میشود .

همچنین از اول هزاره **کیومرث** تا اول طوفان ۲۲۸۵ سال میشود و لهذا از اول هزاره کیومرث تا ذوالقرنین اکبر ۵۲۵۸ سال است .

در کتاب روضة النجوم نسخه خطی کتابخانه ملی ملک نوشته است :
« از تاریخ اسکندر تا روزگار آدم ۵۲۰۰ سال است . »
علت اختلاف این پنجاه و هشت سال را در قسمت تاریخ بنای شهر روم شرح داده ایم .
این اختلاف در چندین جا بهمین صورت دیده میشود .
در آثار الباقیه آمده است :

« به گمان فرس و مجوس عمر عالم دوازده هزار سال است بر شماره بروج و ماهها و زردشت صاحب شریعت ایشان گمان کرده که آنچه تا وقت ظهور او از آن گذشته سه هزار سال ربعی است زیرا او عهده دار حساب چهاریکها گردید تا کیسه شد و درست آمد .
میان ظهور او و اول تاریخ الاسکندر ۲۵۸ سال میباشد . پس آنچه گذشته است از اول عالم تا الاسکندر ۳۲۵۸ سال است .

ولی اگر حساب شود از اول **کیومرث** و او نزد ایشان انسان اول است و جمع کنیم مدت هر پادشاهی را بعد از او با این که پادشاهی در ایشان بود و منقطع نگشت مجموع به ۳۳۵۴ سال میرسد و ریز با مجموع موافقت ندارد

وطایفه ای از فرس گمان کرده اند که سه هزار سال مذکور از زمان کیومرث است و پیش از او شش هزار سال گذشته بود که فلک ایستاده بود . « آثارالباقیه .

در این روایت چون هزاره کیومرث را هزاره هفتم قلمداد کرده دو هزاره از هزاره ها افتاده است . بادر نظر گرفتن هزاره کیومرث که هزاره پنجم است نه هفتم فاصله میان ذوالقرنین و اول هزاره کیومرث ۵۲۰۸ سال میشود که در فوق تذکر داده شد .

۳۳۰۴ سال چنانکه در روایت تصریح شده از مجموع سالهای جدول اول آثارالباقیه پیدا شده است و چون میان سه جدولی که داده شده در فاصله میان کیومرث و جم از ۸۹ سال تا ۱۷۳ سال اختلاف دیده میشود این اختلاف نتیجه همان اختلافات است .

باوجود تذکری که در فوق داده شد از عدد ۳۳۰۴ بدون تذکر دیگری نمیشود گذشت .

رحلت زردشت در ۷۷ سالگی بوده و لهذا سال رحلت او اول سال ۶۳۰۴ از تاریخ ادوار آفرینش میشود . دور نیست که در نسخه اصلی آثارالباقیه این عدد بهمین صورت بوده است و برای مغالطه سه هزاره از سالهای این تاریخ را حذف کرده اند . خلاصه قسمت اخیر روایت فوق که بموجب آن میلاد زردشت در اول هزاره دهم واقع میشود حسابها را بطور کلی تصحیح میکند .

در یکی از روایات آثارالباقیه در مبحث طوفان فاصله میان اسکندر و طوفان را ۱۷۹۲ سال داده . این عدد مقلوب عدد ۲۹۷۱ میباشد و شماره سالهای خورشیدی میان ذوالقرنین اکبر و طوفان است .

در کتاب روضة النجوم فاصله طوفان و اسکندر را ۲۷۹۲ سال و ۱۹۰ روز داده است که رویهم رفته ۲۷۹۳ سال میشود . ارقام این سالها یا در نقل و یا در استساخ و یا عمداً پس و پیش شده و باید ۲۹۷۳ باشد .

صمدی فاصله طوفان و ذوالقرنین را ۲۹۳۴ سال داده است که چهل سال با ۲۹۷۳ سال اختلاف دارد . اختلاف چهل یا چهل و یک سال در این تاریخها معمولی است زیرا که هر جا نام ذوالقرنین یا اسکندری بیاید این اختلاف دیده میشود . تاریخ مهری اشکانی چهل سال با اسکندری اختلاف دارد و تاریخ ولادت مانی به حساب اسکندری چهل سال عقب تر میرود .

در قانون مسعودی فاصله میان طوفان واسکندر ۲۹۳۸ سال داده شده که نزدیک به روایت صفدی است ولی همین فاصله در آثار الباقیه ۲۷۳۸ سال نوشته شده است .

در جدول آثار الباقیه مبدأ تاریخ طوفان منسوب به ابومعشر ۲۳۵۷ سال یزدگردی پیش از بختنصری است . لهذا ۱۳۷۹ سال از تاریخ طوفان کم شده است تا اینکه تاریخ یزدگردی رحلت در سالهای اعداد فرد واقع شود .

آثار الباقیه از ابن باز یار و او از اثنیوس نقل کرده که از شب جمعه اول طوفان تا آدم ۲۲۲۶ سال و ۲۳ روز و چهار ساعت میباشد که ۲۲۲۷ سال میشود .

در این روایت هم مثل روایت روضة المنجمین که قبلاً نقل شد ۵۸ سال نسبت به عدد اصلی که ۲۲۸۵ میباشد کم بود دارد و در قسمت بنای شهر روم تذکر داده شده است .

در روایت دیگر از طوفان تا هبوط آدم ۲۲۴۲ سال است .

در روایت دیگری از آدم تا اسکندر ۵۱۸۵ سال داده شده . ارقام این روایت تقریباً ارقام ۵۲۵۸ است که پس و پیش شده و دورا هم یک کرده اند .

.....

چنانکه ملاحظه شد ذوالقرنین اکبر در سال ۲۹۷۳ طوفان زائیده شده و اگر در سن سی و سه سالگی چنانکه مشهور است مرده باشد سال ۳۰۰۵ طوفان سال وفات او میشود . برای این که بتوان تاریخی بنام او وضع نمود که بر اساس قدیمتر باشد دوازده سال صبر کرد تا سال ۳۰۱۶ طوفان تمام شود و مبدأ تاریخ پس از دو دوره ۱۵۰۸ سالی یزدگردی به نقطه اصلی خود که روز دوم زمستان است برگردد .

روایاتی که راجع به تاریخ «الاسکندری» نوشته شده تقلیدی از ذوالقرنین میباشد با این فرق که دوازده سال بعد از سال مرگ غیر معلوم «الاسکندر» مبدأ تاریخ که روز دوشنبه است در هیچ نقطه مشخص حساب شده قرار نمیگیرد .

.....

در خاتمه شرح هزاره ها و تاریخ ادوار و طوفان توجه خوانندگان را در آثار الباقیه به « فصل چگونگی تواریخ و اختلاف امم در آن » جلب میکنیم .

اولین مطلبی را که نویسنده در این مبحث از زبان بیرونی با اصرار و تکرار تلقین میکند اینست که نباید امیدوار بود که روزی چگونگی تاریخ آدم و طوفان معلوم شود زیرا که اطلاعات در این باب آلوده به تزویر و اساطیر است و جز خداوند کسی از آنها آگاه نیست .

در ضمن تکرار این تلقینات برای متحیر کردن خواننده چندین بار نویسنده از موضوع خارج میشود و مطالبی را که مربوط به این مبحث نیست با بیاناتی شرح میدهد که در آنها آثار نگرانی وی از کشف حقیقت هویدا است .

در هنگام ذکر روایات متناقض و ارقام صحیح و مقلوب و کم و زیاد نویسنده سعی کرده که از حدود روایات متداول و ارقامی که در کتب تاریخ و نجوم بوده دور نشود تا این که بتواند با صورت حق بجانبی غرض خود را انجام دهد .

از نکات قابل ملاحظه در این مبحث این است که بروش زناده مطالب طوری مرتب شده که در میان کلیه ملل شک و تردید و اختلاف و عداوت ایجاد کند .

بخش ششم مهر مسیحا و مانی و صوت تذکر

در عهد اشکانی و ساسانی دو مذهب جدید در ایران پیدا شد که بحث در آنها از نظر تاریخ دین و فرهنگ اهمیت دارد. ظهور مسیحا یا مهر در اوائل اشکانیان بود و دعوت مانی در اوائل ساسانیان و پیش از دعوت عیسای مصلوب (ع). کتب تاریخ و تفسیر قرآن راجع به ظهور یک مسیحی تقریباً شش قرن پیش از زمان واقعی میلاد عیسای مصلوب (ع) مطالبی نوشته اند. نمیدانم چه پیش آمده که تا کنون این روایات صریح مورد توجه جویندگان واقع نگردیده است. مذهب مسیحائی شاخه‌ای از زردشتی است که نزدیک به بودائی شده باشد. نام مسیحا و مذهب مهر یا عشق زینت ادبیات عرفانی فارسی است. از مانی و عقاید او مدارك بیشتری در دست است. مانی تقریباً شش قرن بعد از مسیحا ظهور کرده و دلیل حقانیت او بشارتهای مسیحا میباشد. مذهب مانی طریقه مخصوصی از بودائی است که عقاید زردشتی را با تعبیر و تفسیر بطرف مسلک خود میکشد. در ادبیات فارسی زهد خشک و ظاهر پرستی مانویان باطنی را نکوهش کرده اند. در ذیل نکاتی که مربوط به تاریخگذاری عهد این دو ظهور است تا حدود گنجایش این جزوه تذکر داده میشود.

مهر یا مسیحا

آثار بسیاری در کشورهای مختلف مغرب از معابد پیروان مذهب مهر باقی است ولی اطلاعات نوشته راجع به این آئین را زمامداران کلیسا از بین برده اند. در کتب تاریخ و تفسیر شرق کلیات مهمی راجع به ظهور و عصر مهر دیده میشود ولی آنها هم بواسطه حک و تعریفات که در تاریخگذاری حوادث و اسامی اعلام و جغرافیائی کرده اند قبل از کشفیات اخیر ممکن نبود زمینه صریحی برای بحث قرار گیرد. دو نکته مهم در اولین نظر بر روایات شرقی و غربی توجه را جلب میکند:

- ۱ - رسوم دین مسیح قدیمتر از عصر یست که برای میلاد مسیح مشهور شده است .
 - ۲ - دومسیح دردو عصر مختلف ظهور کردند و یکی از آن دومصلوب نشده است .
در رساله دوم پولس به قرننثیان فصل یازدهم آمده است :
- « زیرا اگر کسی آید و سخن گوید از عیسای دیگری جز آنکه از وی سخن گفتیم و یا اگر شمارا روانی دیگر رسد که نرسیده است و یا انجیلی جز آنچه پذیرفته اید بایستی بردباری شایان کنید . »
- روی یکی از سکه های اشکانی که از یک قرن پیش از میلاد است بعد از نام پادشاه اشکانی نام « کریستو » نوشته شده است که باعث تعجب شده . *
- کلمه « کای » که در این سکه پیش از نام « کریستو » آمده تا آنجائی که تحقیق کرده ایم به معنی دوستدار است .
- در تاریخ سیستان نام یکی از پادشاهان که از ظهورش بشارت داده اند و در سال ۴۴۴ تاریخ ظهوری خواهد آمد « کرایست شان » میباشد .

.....

کتاب تاریخ و تفسیر ظهور دو پیغمبر را یکی بنام مسیح و دیگری بنام عیسی و یا هر دورا بنام مسیح و یا هر دورا بنام عیسی روایت کرده اند . مسعودی در مروج الذهب پیغمبر اولی را « السید المسيح علیه السلام » و دومی را غالباً « ایشوع ناصری » خوانده و ولادت او را در ایلیا گذاشته است . این نام برای آن منطقه از قرن دوم میلادی است . بموجب روایاتی که در کتب تاریخ و تفسیر آمده عصر مسیح مصلوب نشده و یحیی مقارن زمان سومین پادشاه سلوکی بعد از اسکندر و اوائل اشکانی قبل از ویرانی دوم بیت المقدس بوده است .

در روایات دیگری عصر مسیح را در اوائل ساسانیان و در حدود بنای شهر قسطنطنیه گذاشته اند و سابقاً راجع به آن تذکر داده شد .

این روایات مشوش باعث حیرت کسانی شده که اخیراً میخواستند کتاب تاریخ برای مدارس تألیف و ترجمه کنند زیرا که اگر میلاد عیسی (ع) در حدود زمان بنای قسطنطنیه و در ایلیا باشد و یا این که بنای قسطنطنیه در عهد اشکانیان ارتباط روایات تاریخی متداول که نویسندگان باطنی بغداد و یزانس با موافقت هم در قرن دهم میلادی تهیه کرده اند و امروز در جهان بنام تاریخ شهرت دارد بهم میخورد .

* L'ere des Arsacides. A. Terrien de Lacouperie. 1891.

در جلد سوم تاریخ ایران باستان مؤلف پس از این که روایات راجع به ظهور مسیح و قتل یحیی و ویرانی دوم بیت المقدس را از طبری و مسعودی و ثعالبی و حمزه و مقدسی و ابن مسکویه و ابن اثیر نقل نموده عقیده خود را نسبت به آنها این طور خلاصه میکند :

« چنین است اطلاعات مورخین و نویسندگان قرون اولیه اسلامی بر تاریخ دولت اشکانی . این نویسندگان بالنسبه به نویسندگان قرون دیگر اسلامی بزمان اشکانیان نزدیک تر بوده اند با وجود این می بینیم که اطلاعاتشان راجع به تاریخ واقعی اشکانیان تقریباً هیچ است ، نه اسامی شاهان اشکانی را درست میدانند و نه ترتیب تقدم و تأخر آنها را ، نه مدت سلطنتشان برای آنها معلوم است و نه بالاخره مدت دوام دولت اشکانی . وقایع کمی هم که اکثر نویسندگان مذکور به زمان یکی از شاهان اشکانی نسبت داده اند در واقع امر این چهار واقعه است :

۱ - ظهور مسیح (ع) که هر یک از نویسندگان مزبور به زمان یکی از شاهان اشکانی نسبت داده .

۲ - خراب شدن بیت المقدس به دست رومیها در زمان تیتوس قیصر روم .

۳ - کشته شدن یحیی زکریا (ع) و قضایائی که بعد روی داد .

۴ - بنای قسطنطنیه در زمان قسطنطین قیصر روم .

هیچ کدام از این وقایع به تاریخ اشکانیان مربوط نیست ، حتی بنای شهر قسطنطنیه ربطی به دوره اشکانی ندارد ، چه خیلی بعد تر از انقراض این سلسله وقوع یافت و اگر مقصود نویسندگان وقایع عالم بوده باز این واقعه در سلطنت شاهی که به زمان او نسبت داده اند روی نداده . چون مدارك نویسندگان مزبور گفته های ایرانی ها و یا به قول ابن اثیر نصارا و یهود و مجوس بوده باید از اینجا استنباط کرد که این ها هم تاریخ واقعی اشکانیان را نمی دانسته اند و انعکاس ضعیفی به طور روایت در کتب یا در افواه بوده و این انعکاسات را به طور مشوش و درهم و برهم به یکی از شاهان اشکانی یا به یکی از امپراطوران روم مربوط داشته اند .

.....

روایاتی که مؤلف تاریخ ایران باستان قبل از این اظهار نظر از مورخین نقل کرده گاهی او را طوری آشفته و حیرت زده کرده که پیش از این که عبارتی را که نقل میکند تمام کند اعتراض یا رد خود را بر آن عبارت ناتمام در میان جمله های اصلی گنجانده است .

همچنین ملاحظه میشود که از یک طرف (به اصطلاح خودش) به نویسندگان ملی نسبت بی اطلاعی داده و از طرف دیگر در سندیت روایات غیر ملی غلو بی اندازه نموده است . از اسامی جغرافیائی و مضامین روایات کلاسیک که به نظر مؤلف تاریخ ایران باستان تاریخ واقعی میباشد معلوم میشود که همه آنها قرن‌ها بعد از عصر مانویت نوشته شده و در آنها نظرهایی به غیر از ذکر روایات تاریخی وجود دارد .

نویسندگان کلاسیک که از اصول تاریخ و تاریخگذاری کشور های خود بی اطلاع میباشند چگونه گفته آنها در باره کشور دیگر میتواند مورد اعتماد باشد مخصوصاً این که میدانیم از لحاظ عیسویت نسبت به تاریخ مهر و اشکانیان و روم قدیم غرض و نظر دارند . علت این که آن نویسندگان از آئین مهر که آنهمه آثار از معابد پیروان او کشف شده بی اطلاع هستند چیست ؟

چه علتی دارد که روز میلاد مهر را تا کنون بنام عیسی (ع) عید میگیرند و از خود آئین مهر اطلاعی ندارند ؟

چه باعث شده که هزار سال بعد از میلاد تاریخ میلادی رواج گرفته است ؟ چه علتی داشته که مذهب مانی به این سرعت در اروپا انتشار پیدا کرده است ؟ ما تا کنون کتابی ندیده‌ایم که در آن دعوی شده باشد که برای اشکانیان تاریخ واقعی در خارج ایران وجود دارد .

گذشته از همه این ها ملاحظه میشود که کلیه روایات تاریخی کلاسیک مربوط به جنگ و جدال است و متضمن اطلاعاتی در تحولات دینی و فرهنگی نمی باشد و همیشه در آنها نویسنده سعی کرده است که توجه را از معنویات به سوی اخبار پهلوانی بکشد . این کتب رویهم رفته شبیه است به کتب فتوح و اقدی و بلاذری .

در ذیل فقط موضوعهائی را که مورد ایراد مؤلف تاریخ ایران باستان بوده و مربوط به تاریخگذاری است تذکر میدهم .

راجع به ایراد اول مؤلف تاریخ ایران باستان

ظهور مسیح (ع)

در طبری و مسعودی و ثعالبی و حمزه و مقدسی و ابن مسکویه و ابن اثیر که مؤلف روایات آنها را نقل کرده همه ظهور عیسی یا مسیح را در زمان شاپور اشکانی نوشته اند

و هیچ یک از مورخین چنانکه مؤلف تاریخ ایران باستان می نویسد این ظهور را به زمان پادشاه دیگری غیر از شاپور اشکانی نسبت نداده است .

جمله اول مؤلف تاریخ ایران باستان کاملاً برخلاف واقع است .
روایتی را که تاریخ ایران باستان از حمزه ترجمه کرده همان طوری که چاپ شده است در ذیل نقل میکنیم :

« سابور بن اسک ارزان بن اشغان . این همان کسی است که در زمان اومسیح (ع) ظهور کرد . او (یعنی سابور) با روم زمانی که سلطان آن آنطیخس بود جنگ کرد . او (یعنی آنطیخس) پس از فوت اسکندر سوم پادشاه و بانی انطاکیه بود . »
تاریخ ایران باستان .

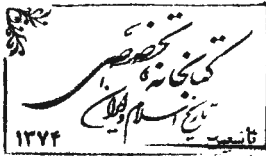
این ظهور که در این عبارت صریح ذکر شده و زمانش سه قرن پیش از میلاد است مربوط به عیسائی که مقصود مؤلف تاریخ ایران باستان است نیست .
همچنین یقین داریم که اگر قدری بیشتر دقت میشد در طبری به این مطلب بر میخوردند که نام شاپور « اشه پور » هم نوشته شده است .
این دو نام یعنی شاپور و اشه پور که یکی نام ساسانی و دیگر نام اشکانی است بعدها عمداً یا سهواً یک صورت بخود گرفته است * .

این ایراد مؤلف بیشتر متوجه مفسرین قرآن میشود زیرا که در تفسیر سوره « یس » فرستادگان عیسای مصلوب نشده را در عهد ابطخس صلاحص^ه که سه قرن پیش از میلاد است گذاشته اند .

در اینجا مناسب است که روایت جامع التواریخ را که در آن ولادت مسیح (ع) با تاریخ بنای روم داده شده نقل کنیم . تاریخ بنای شهر روم را از ۷۱۱ تا ۷۰۳ پیش از میلاد داده اند که چهل و دو سال اختلاف دارد .

در جامع التواریخ آمده است :
« اول کسی که پادشاه رومیه کبری شد روملس بود . باروی آن بساخت و نام خود بر شهر نهاد و از زمان روملس تا ولادت مسیح علیه السلام ۴۶۴ سال بود . »

* اشه صورت دیگری از اس و اش و اشک و اردک و ارش و ارچه و ارد و آرهاک میباشد که در کتب تاریخ ذکر شده است .
ه این نام همان طوری که در تفاسیر آمده است نقل شد . صحیحتر انطخس صلاحص است .



راجع به ایراد دوم مؤلف تاریخ ایران باستان ویرانی قدس

در روایات راجع به ویرانی مرتبه دوم بیت المقدس تنها ذکر نام تیتوس چنانکه مؤلف نوشته است نیست بلکه نام گودرز اشکانی ملقب به بخت نرسی و بهرام و همچنین خردوس و فیروز و انطیکوس اپیفانوس که مورخین شرق اورا اسفیانوس نوشته اند هم آمده است .

روایت نسبت خرابی دوم بیت المقدس به طیطوس چنانکه از عبارت ابن اثیر هم واضح است روایتی ضعیف میباشد . خرابی سوم بیت المقدس در سال ۷۰ میلادی به دست طیطوس و سپاسین بوده . نام طیطوس بجای انطیکوس در خرابی دوم غلط کتابتی است . ویرانی دوم بیت المقدس در سال ۱۶۸ پیش از میلاد است . در تاریخ این ویرانی اختلافی نمی باشد و فقط اختلاف در نام فاتح آنجا است که از نظر بحث ما اهمیت ندارد . موضوع مهمی که با تاریخ این ویرانی مربوط میشود سال وفات مهر میباشد که چهل سال پیش از این ویرانی است . این سال سال ۲۰۸ مار پیش از میلاد است که مبدأ تاریخ «نیران» باشد .

برای این که خوانندگان به بینند که تاجه اندازه این روایات در قرون مختلف دست خورده است روایت تاریخ حبیب السیر را راجع به گودرز اشکانی که از حمزه اصفهانی نقل کرده در ذیل نقل میکنیم :

« بهرام بن شاپور ملقب به گودرز بود و به روایتی شهر انبار را او عمارت نمود و در تاریخ حمزه بن حسن اصفهانی مسطور است که بهرام بعد از قتل یحیی بن زکریا علیهم السلام لشکر به بیت المقدس کشید . این قضیه بعد از رفع مسیح علیه السلام به چهل سال واقع شد . »

این روایت باروایت مشوشی که در نسخه چاپی حمزه دیده میشود اختلاف دارد و از اینجا میتوان فهمید که در مدت چهار قرن گذشته باز هم چه تغییراتی در این قبیل روایات داده اند .

راجع به ایراد سوم مؤلف تاریخ ایران باستان

شهادت یحیی (ع)

در باب شهادت و عصر یحیی (ع) که در حدود سه قرن پیش از میلاد است روایات بسیاری در کتب تاریخ و تفسیر وجود دارد و ما به ذکر یک روایت از طبری در مورد این ایراد اکتفا میکنیم :

«گودرز بن اشکان (دومین پادشاه اشکانی) اول کسی است که به جنگ بنی اسرائیل رفت در مرتبه دوم . و سبب مسلط کردن خداوند او را برایشان - چنانکه اهل علم ذکر کرده اند - کشتن یحیی بن زکریا بود .»

ترجمه از طبری .

راجع به ایراد چهارم مؤلف تاریخ ایران باستان

بنای شهر قسطنطنیه

همه مورخین شرق بنای قسطنطنیه را به قسطنطین نسبت نداده اند . مثلاً در روایت حمزه اصفهانی که در تاریخ ایران باستان چاپ شده نسبت بنای شهر به قسطنطین پسر نرون داده شده است که در حدود سه قرن اختلاف دارد .

نام بیت المقدس هم از اوایل قرن دوم میلادی به این طرف ایلیا بوده و عیسای مصلوب (ع) در هنگامی که آنجا را ایلیا مینامیده اند متولد شده است .

اختلافاتی که در این روایت وجود دارد مهم است و علتش اختلافی است که در تاریخ عیسای مصلوب (ع) بعدها پیدا شده .

بموجب روایات شرقی و غربی در قرن چهارم میلادی چند نفر از همعصران عیسی (ع) در شهر قسطنطنیه و در نقاط دیگر جهان بوده اند . اگر میلاد این پیغمبر در عصر ساسانیان و بنای شهر قسطنطنیه و زمانی که بیت المقدس ایلیا نامیده میشده نباشد باید برای همعصران آن حضرت سنی در حدود چهار قرن تصور کرد .

تاریخ نویسان شرق از قرن سوم هجری به این اشکال برخورده اند و لهذا روایت شده است که شهر قسطنطنیه را قسطنطین پسر نرون ساخته است نه قسطنطین قیصر مشهور و اولین پادشاه عیسوی که در اوایل قرن چهارم میلادی بوده است .

مورخین کلیسا این اشکال و نظائر آنرا این طور حل کرده اند که رفتن همعصران عیسی (ع) به شهر قسطنطنیه روایتی است که برای این ساخته شده که آن شهر را یکی از حواریون به قدم خود تبرک کرده باشد و آن شهر شهر مقدس شود .

آثار این تشویش درجداول و روایاتی که در آثار الباقیه گذاشته اند نیز هویدا است .

فاصله میان ظهور مهر و ظهور عیسی (ع) ۵۴۱ سال میباشد و لهذا جلوس اردشیر را در حدود سه قرن بالاتر برده و همچنین ۲۴۶ سال از مدت پادشاهان اشکانی کاسته اند تا حساب این پنج قرن ونیم اختلاف تصفیه گردد و دو ظهور یکی شود یعنی ظهور عیسی مصلوب و عیسی مصلوب نشده هر دو در یک عصر واقع شود .

.....

از آنچه تا اینجا تذکر داده شده میتوان دریافت که در عصر اشکانیان حوادثی رخ داده که اهمیتش بیشتر از جنگ وجدال و اسامی پادشاهان میباشد و مربوط به تاریخ دین و فرهنگ جهان است .

.....

از موضوعهای مهمی که مربوط به آئین مهر یا مسیحا است بشارت بنام احمد و محمد میباشد . در چندین نوشته تورفانی نام « من احمد بزرگ » و نام « محمد بزرگ » در ضمن بشارتها خوانده میشود .

این نوشته های قدیمی بسیاری از روایات را که گمان میرفت اصلی ندارند روشن میکند و ما برای نمونه به ذکر یکی از آنها اکتفا میکنیم .

در صفحات اول تاریخ سیستان چاپ تهران پس از این که چند سطر را حک کرده اند این طور نوشته شده است :

« . . . سیستان بنا کردند تا پیغامبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بیرون آمد به فرمان ایزد تعالی ، و شریعت اسلام آورد ، چهار هزار سال بود شمس ، و بیشترین فضلی که شهر سیستان را این است که اول نام و خبر او صلی الله علیه به زبان مردمان خاص و عام آنجا رفته شد . . . »

پس حکم کردند که تا چهار هزار سال شمس این شهر بماند . و چون مصطفی علیه السلام برون آید و دین اسلام آشکار گردد و مردم عجم را به دین حق خواند اول کسانی که او را اجابت کنند مردم سیستان باشند و او را اجابت کنند .

نقل از تاریخ سیستان .

این عبارت شاعرانه و خیالی نیست بلکه بسیاری از روایات تاریخی دیگر و همچنین نوشته‌هایی که تذکر داده شد این روایت را تأیید میکند . *

اوراق تورفانی همه با گشته دیره است و شیوه این خط طوری است که نام کسی که به‌ظهور او بشارت داده شده هم احمد بزرگ و هم محمد بزرگ خوانده میشود . شرح این موضوع مهم که مربوط به رسم الخط گشته دیره و چگونگی خواندن آن است جزوه جداگانه میخواهد و اکنون از موضوع بحث ما خارج است .

در قرآن و روایات بسیاری تصریح شده که نام احمد در انجیل مسیح مصلوب نشده مذکور است . انجیل‌های چهارگانه همه از حواریون است و در آنها نام احمد یا محمد دیده نمیشود . ابیات ذیل در مثنوی مانند روایت تاریخ سیستان قابل توجه است :

بود در انجیل نام مصطفی	آن سر پیغمبران بحر صفا
بود ذکر حلیها و شکل او	بود ذکر غزو و صوم و اکل او
طائفه نصرانیان بهر ثواب	چون رسیدندی بدان نام و خطاب
بوسه دادندی بدان نام شریف	رو نهادندی بدان وصف لطیف
اندرین فتنه که گفتم آن گروه	ایمن از فتنه بدند و از شکوه
ایمن از شر امیران و وزیر	در پناه نام احمد مستجیر
نسل ایشان نیز هم بسیار شد	نور احمد ناصر آمد یار شد
و آن گروه دیگر از نصرانیان	نام احمد داشتندی مستهان
مستهان و خوار گشتند از فتن	از وزیر شوم رأی شوم فن
مستهان و خوار گشتند آن فریق	گشته محروم از خود و شرط طریق
هم مخبط دینشان و حکمشان	از پی طومار های کج بیان
نام احمد چون چنین یاری کند	تا که نورش چون مدد کاری کند .

« مثنوی »

.....

هنگام بحث در تاریخ عصر مهر و اشکانی باید معانی نامها در نظر گرفته شود . کتب تاریخ و تفسیر ولغت و . . . راجع به این که اسامی معنی دارد یا ندارد مباحثی دارند .

* در کتاب ملل و نحل نظیر این بشارت را به مانی نسبت میدهد که درست نیست . مانی خودش را مظهر این بشارت میدانسته و بهمین علت خود را رسول آخر الزمان میخوانده است .

برخی عقیده دارند که اسم معنی ندارد و از آسمان آمده و برخی برخلاف دسته اول برای اسامی پیغمبران اشتقاق و معنی ذکر کرده اند. اگر معانی و اشتقاق نامهای پیغمبران و معاصرین آنها مسلم شود بسیاری از مشکلات تاریخی حل خواهد شد. کتب مذهبی عیسویان و همچنین کتب لغت برای نام «عیسی» نتوانسته اند معنی پیدا کنند. در لغت یونانی انجیل را به معنی خبر خوش و کلمه ایرانی داده اند. مهر و میر و میترا و میثرا و میشیا و میشی و موسی* و مسیحا و مسک صورتهای یک کلمه در زبانها و لهجه های مختلف میباشد.

تاریخهایی که در زمان اشکانیان بکار میرفته

برای زمینه حساب تاریخهایی که در زمان اشکانیان بکار میرفته فقط به ذکر یک روایت ذیل که ابن خلدون از طبری نقل کرده است اکتفا میکنیم:

«طبری میگوید در ایام ملوک الطوائف ولادت عیسی صلوات اله علیه بود. این ولادت در سال ۶۵ از غلبه الاسکندر بر سرزمین بابل در سال ۵۱ اشکانی بود. نصاری گمان میکنند آن ولادت پس از گذشتن ۳۶۳ * سال از غلبه الاسکندر بر سرزمین بابل بود.»

تاریخ غلبه یا ملک اسکندر ۶-۳۳۵ پیش از میلاد است و از این قرار تاریخ اشکانی که چهارده سال کمتر است از سال ۳۲۲ پیش از میلاد شروع میشود. این سال سال نوبه آخری دوره کبیسه ۱۴۰۴ سالی است. مبدأ این دوره سال ۲۸۰۴ خوک پیش از ملکی میباشد که مطابق سال ۱۷۲۶ پیش از میلاد است.

مبدأ تاریخ اسکندری و اشکانی سه ماه با هم اختلاف دارد.

روایت فوق که از ابن خلدون و طبری نقل شد فقط برای به دست دادن زمینه حساب میباشد ولی از دقت در کتب تاریخ و آثار کشف شده زمان اشکانیان معلوم میشود که در آن عصر تاریخهای ذیل بکار میرفته است:

- ۱- تاریخ اشکانی. مبدأ این تاریخ ۱۳۹۰ مرغ رصد است.
- ۲- تاریخ بن زایش یا میلاد مهر. مبدأ این تاریخ روز دوشنبه ۲۶ دسامبر * در تاریخ سیستان «میشی» را که یکی از اجداد ضحاک است «موسی» داده است. ۵ واضح است که سال ۳۶۳ دورقمش مقلوب است و باید ۳۳۶ باشد.

سال ۱۴۵۴ گاورصد است. در این سال روز دوشنبه ۲۶ دسامبر به حساب قدیم اول ژانویه و اول سال و مهرگان مجوس شده. این سال ۲۷۱ سال پیش از میلاد است و دو روز با تاریخ میلادی معمولی اختلاف دارد.

۳ - تاریخ نیبران. مبدأ این تاریخ روز سه شنبه پنجم شهریور مطابق ۱۷ حزیران سال ۱۵۱۸ مار رصد است. این سال ۲۰۸ سال پیش از میلاد میباشد. این سه تاریخ هریک ۶۴ سال با دیگری فاصله دارد. روی آثار دوره اشکانی تاریخهایی با ۶۴ سال تفاوت نقش است.

۴ - تاریخ کیسه اشکانی. مبدأ این تاریخ سال ۱۴۰۴ خوک رصد میباشد و مبدأ کیسه ملکان شاهی است. *

۵ - تاریخ تجلی یا روشن شدن. مبدأ این تاریخ سال ۱۴۶۸ خرگوش رصد است. عدد ۱۴۶۸ قابل توجه است.

از این دو تاریخ اخیر آثاری در دست است ولی در مرحله ای نمیشد که بتوان بیشتر از آنچه تذکر داده شد بنویسیم.

میلاد و بعثت و رحلت مهر یا مسیحا

در سال ۱۴۵۴ رصد ۶۵ سال بعد از ملک اسکندر و در سال ۵۱ اشکانی روز جمعه پنجم بهار مادر مهر بشارت مییابد. «توقیعات تقویمها».

پس از این که ۲۷۵ روز از بشارت گذشت ۵ یکشنبه شب ۲۵۰ دسامبر مهرزائیده میشود و به این مناسبت روز دوشنبه ۲۶ دسامبر همین سال اول ژانویه و اول تاریخ جدیدی میگردد که شش روز با تاریخ تقویمهای تورفانی اختلاف دارد.

نام ماهی که ماه اول تاریخ میلاد مهر است در فارسی دی ماه و در ماههای سیستانی گریشت است و قابل ملاحظه میباشد.

روز اول این تاریخ که در اوائل زمستان است روز مهرگان و اول سال مجوس

* در تقویمهای تورفانی مبدأ سال خوک ۲۸۰۴ پیش از ملکی است ولی بحساب زیج المفرد که در صفحه ۳۵ این جزوه تذکر دادیم معلوم میشود همین دوره از سال موش ۲۸۰۳ پیش از ملکی هم حساب شده.

۵ مدت حمل را بیرونی در آثار الباقیه بطور کلی تذکر داده است.

مهری و مانوی میباشد. این روز به حساب یزدگردی اورمزد روز ازماه اسفنداست.*
 مهر درسن بیست و پنج سالگی مبعوث میگردد و دعوت میکند و چهل سال میان
 مردم به دعوت می‌پردازد و انجیل یا بشارتهای خود را در نامه اورتنگ مینویسد. روایاتی
 در کتب اسلامی مسطور است که مسیح (ع) چهل سال در میان مردم دعوت کرد. سالی
 که مسیحا مبعوث شده ۲۴۷ پیش از میلاد است که قابل ملاحظه میباشد زیرا این عدد
 در روایات مربوط به اشکانی دیده میشود.

وفات یا نیران مهر دوشنبه چهارم شهریور ماه در روز عید شهر یورگان سال
 ۱۵۱۸ مار رصد در یازدهمین ساعت روز که نزدیک نیمه شب میباشد اتفاق افتاده است.
 لهذا روز سه‌شنبه ۱۷ حزیران مطابق ۱۴ ذیحجه به حساب قمری کبیسه شده از روز های
 متبرک و ایام تشریق و ایام یض میباشد.

روز ۱۷ حزیران که روز متبر کی بوده آنرا روز «میرین» مینامیدند که روز پری
 و کمال مهر باشد^۵. روز میرین نزد مجوس مهریه و مانویه اول سال و نوروز بود. روز
 ۱۶ و ۱۷ حزیران از روزهای عبادت و جشن و متبرک هستند. این روز وفات به حساب
 تقویمهای تورفانی روز یازدهم حزیران است.

سال ۱۵۱۸ مار رصد مطابق سال ۲۰۸ پیش از میلاد است که چهل سال پیش از
 خرابی دوم بیت المقدس میباشد. ویرانی دوم بیت المقدس در سال ۱۶۸ پیش از میلاد است.
 مانی در سال ۵۲۲ نیران آخر روز یکشنبه چهارم ماه مهر چهارده روز به اول
 بهار مانده در ابتدای سال خوک در زندان مرده است.
 تاریخ میلاد و وفات مانی را با تاریخ میلاد و وفات مهر داده اند.

* نوشته اند ماههای مصری یک ماه از جای اصلی خود تغییر کرده است. اگر ماه اسفند را
 به مناسبت میلاد مهر در قدیم فروردین نامیده باشند مسائل تازه ای پیش خواهد آمد. تقویم
 زردشتیان هند میتواند نتیجه این تغییر باشد ولی چون مدارك کافی در دست نیست مطلب همان است
 که در صفحه ۵۶ شرح داده ایم.
 این روز نیز مطابق ۱۸ محرم است. دور نیست بهمین مناسبت محرم ماه اول سال
 شده است.
 ۵ آثار الباقیه.

ترجمه نوشته تورفانی. TIID 79.

(وفات مهر دوشنبه چهارم شهریور ساعت یازده)

..... چون شهر یاری که زین و تن پوش نهد و رخت دیگر پوشد . بدین
 سان پیمبر روشن فرا نهاد تن بار باره رزمگاه و در ناو روشن درآمد و رخت بغانی
 گرفت با دیهیم تابان و بساک هژیر هنگامی که بغان روشن از راست و چپ میشدند
 با سنج و سرود مانند برق تیز و نیازك تند بسوی بامستان صبح روشن و ماه گردون
 همراه بغان به ورج بغانی پرید و نزد پدر اهورمزدا بماند .

بی کس و سوگوار کرد سراسر رم راستان را چه کدخدای در گذشت
 در هنگام و در شهر یاری اختر پد در شهریور ماه شهریور
 روز دوشنبه جام یازده بسوی پدر روشن بکردگاری سوی میهن روشن

مانی مصوت*

در کتب تاریخ قرن اخیر سال جلوس اردشیر و یزدگرد شهریار و همچنین تاریخ مراحل زندگانی مانی و تاریخ عصر اشکانی و پیش از آن عصر و حساب و کیسه ها و . . . همه مأخذش دو کلمه « یعنی الاسکندر » شده است .

اگر این دو کلمه که در نسخه های آثار الباقیه آمده از خود بیرونی بود بایستی همه مدارك تاریخدار که در چین و افریقا به دست آمده و همچنین روایاتی که در کتب تاریخ به تواتر رسیده با تاریخ الاسکندری درست درآید در صورتی که چنین نیست . پیش از آنکه تذکراتی راجع به این دو کلمه داده شود ترجمه چند سطر را که در آن « یعنی الاسکندر » و مطالب مربوط به آن آمده می دهیم .

ترجمه از آثار الباقیه :

« همه این گفته ها را راجع به تاریخ اشکانی کنار می گذاریم و در تصحیح آنها کتاب مانی را که به « شاپور گمان » معروف است می گیریم زیرا این کتاب از کتب فرس پس از خروج اردشیر قابل اعتماد است .

مانی از کسانی است که دین او حرام کردن دروغ است و او را نیازی به تاریخ سازی نیست . پس می گوئیم که مانی در کتاب « شاپور گمان » در باب آمدن رسول گفته است که او در بابل زائیده شد در سال ۵۲۷ از تاریخ منجمین بابل یعنی « تاریخ الاسکندر » و چهار سال از ملک آذربان ملک گذشته گمان می کنم اردوان اخیر باشد .

مانی در این باب گمان کرده و حی به او آمد در سیزده سالگی و این در سال ۵۳۹ منجمین بابل بود و دو سال از سال های شاه اردشیر گذشته .

پس مانی با این تصریح کرده بر این که مدت میان اردشیر و اسکندر ۵۳۷ سال است و این که مدت مابین اردشیر و یزدگرد ۴۰۶ سال است و این صحیح و مأخذ است به گواهی کتاب مخلص که به آن ایمان دارند .

« برای این که حکایات با تطابق درست درآمده که آخرین کیسه در روزگار

* مصوت و فارقلیط ترجمه کلمه « برخوان » میباشد که در بشارتهای قدیم آمده است .

بواسطه شباهت « ر » در رسم الخط و تند نویسی با « ت » مانی را عمداً یا سهواً مانی

مصوت نوشته اند .

یزدگرد بن شاپور شده و خمره را گذاشته‌اند در آخر ماهی که نوبت کیسه بدان رسیده بود و آن ماه هشتم است .

اگر ما عمل کنیم بر این که میان الاسکندر و اردشیر ۵۳۷ سال می‌باشد و میان زردشت و یزدگرد بن شاپور ۹۷۰ سال تقریباً هشت کیسه لازم است چنانکه عمل کرده‌اند برای هر ۱۲۰ سال یک ماه .

و اگر عمل کردیم بر این که مدت ۲۶۰ سال واندی و بیشتر یا ۳۰۰ سال باشد چنانکه بسیاری از ایشان ذکر کرده‌اند مبلغ سالها ۶۰۰ میشود و پنج ماه کیسه مخصوص آنست .

و ما وضع کردیم از گفته ایشان که هشت ماه است و این خلاف است .
« در کتب منجمین تدوین شده که طالع سالی که اردشیر برخاست تقریباً نیمه جوزا بود و طالع سالی که یزدگرد برخاست ششمین درجه عقرب بود .
اگر ۲۵، ۹۳ جزء روز را که کسر سال خورشیدی است در نزد فرس در ۴۰۷ سال ضرب کنیم حاصل ۱۵۲، ۷۵ جزء روز میشود .

اگر این را از مطالع درجه طالع یزدگرد کم کنیم و باقی را تبدیل به قوس نمائیم در مطالع اقلیم عراق که پایتخت ساسانیان بود طالع نیمه جوزا نزدیک به آنست که گفته اند .

اگر سالها زیاد و کم بشود طالع موافقت ندارد .

آثار الباقیه .

ملاحظات

ملاحظه ۱ - نویسنده این چند سطر که خود را در لباس بیرونی جلوه میدهد کتاب مفقود الاثر شاپورگان مانی را « کتاب مغلد » و تنها کتاب معتبر ایرانی بعد از خروج اردشیر شمرده است و میگوید در دین مانی دروغ حرام است و مانی احتیاجی به تاریخ سازی ندارد در صورتیکه اصلاً سخنی از دروغ پروری و تاریخ سازی مانی و مانویان در میان نبوده است .

ظاهراً در هنگام دست بردن در این جمله‌ها ضمیر نویسنده راز او را بی اراده به قلمش آورده است .

همچنین کلمه خروج که بجای ظهور در این جمله ها بکار رفته نشانه ای از احساسات کینه توزی مانویان نسبت به ساسانیان است .

مذهبی که مرگ را کمال زندگی توهم کند و آسایش را در برانداختن نسل ، هر ناروائی خواه و ناخواه در آن روا میشود . دروغ و تاریخ سازی در مقابل دفن دختران نوزاد و قربانی کودک هیچ شمرده میشود .

ملاحظه ۲ - در سال ۲۶۶ میلادی که سال جلوس اردشیر است طالع سال مطابق حساب در اواسط جوزا است .

در سال ۶۳۲ که بموجب روایاتی جلوس یزد گرد فرض شده و مقصود این نویسنده مجهول است طالع سنبله است و با هیچ حسابی جز با حساب این شخص که به تاریخ سازی احتیاجی ندارد به عقرب نخواهد رسید .

چگونه میشود تصور کرد که بیرونی با آنکه قبلاً راجع به طول مدت سال به حمزه اصفهانی اعتراض کرده خودش همان میزان را بصورت ارقامی دیگر در یک همچو حساب مهمی بکار برد آن هم با این روش .

ملاحظه ۳ - راجع به نوبه کیسه هشتمی که در زمان یزد گرد بن شاپور اجرا شده در فصل کیسه ها شرح داده ایم .

این کیسه هشتم ۱۱۶ سالی است و مربوط به کیسه هشتم ۱۲۰ سالی زمان یزد گرد شهریار نمی باشد (ص ۵۵ و ۵۸) .

چنانکه ملاحظه میشود حساب ساز از عهده حساب بیرون نیامده و دچار اشکال شده است .

ملاحظه ۴ - ابن ندیم ولادت مانی را در سال دوم امپراطور گالوس داده است و مقصود او حساب ولادت مانی است نه تعیین سالهای پادشاهی امپراطور گالوس .

صورت نام امپراطوران رومی و سالهای ملک ایشان در آثار الباقیه با تاریخ اغسطس داده شده است . تاریخ اغسطس که در جدول طیلسان آثار الباقیه است مبداءش ۲۵ سال پیش از میلاد است .

به موجب صورت نام امپراطوران سال دوم امپراطور گالوس سال ۲۸۱ تاریخ اغسطس است که مطابق ۲۵۶ میلادی میشود . بعد از نام امپراطور گالوس آثار تشویش در جدول دیده میشود که تصحیح آن اشکالی ندارد .

درمدارک غربی آخر سال دوم امپراطور گالوس را ۲۰۳ داده اند . این تاریخها بعد از قرن دهم میلادی حساب شده و این اختلاف سه سال چنانکه در خود تاریخ میلادی وجود دارد از آنجا پیدا شده است .

بنابر آنچه گذشت سال ۵۲۷ نمیتواند تاریخ اسکندری باشد . صحت روایت ابن ندیم را مدارک دیگری تأیید میکند .

ملاحظه ۵ - اگر سالهای ۵۲۷ و ۵۳۹ که در شاهپورگان آمده سالهای تاریخ «الاسکندر» بود در روایات ذیل صدق میکرد .

۱ - مانی در سال دوم امپراطور گالوس و تقریباً یک قرن بعد از عصر پیوس انطونیانوس [۱۳۸ تا ۱۶۱ میلادی] تولد یافته . عامه مانویان روز یکشنبه را بزرگ میدارند . (ابن ندیم)

ظهور مانی ۱۲ حمادی الاولی می باشد . (توقیعات تقویمها)
۲ - نزول قرین یاقران برمانی در سیزده سالگی سال اول امپراطور کلودیوس دوم [۲۶۸ میلادی] بوده . (ابن ندیم و مسعودی) .

۳ - مانی یکشنبه اول نisan و اول حمل در بیست و پنج سالگی دعوت کرده . (ابن ندیم) .

۴ - دستگیر شدن مانی روز چهارشنبه هشتم شهریور و مرگش آخر روز یکشنبه چهارم مهر ۲۶ روز بعد از دستگیری در سال ۵۲۲ خوک نیران و چهارده روز پیش از اول بهار در سن شصت سالگی است . (کشفیات جدید)
با تاریخ «الاسکندر» چنین حسابهایی تاکنون درست در نیامده است . اگر تاریخ «الاسکندری» زمینه حساب باشد در سال ۵۲۲ خوک نیران مانی صد سال خواهد داشت .

تاریخی که سال ۵۳۹ آن سیزدهمین سال مانی و سال اول امپراطور کلودیوس دوم باشد مبدأ آن ژانویه ۲۷۱ پیش از میلاد و ۶۵ سال بعد از ملک اسکندر است . بعلاوه سال جلوس اردشیر از روی طالع آن سال ۲۶۶ میلادی است و سال ۵۳۹ اواخر سال دوم این جلوس یا اوائل سال سوم آن واقع میشود .

ملاحظه ۶ - برای ربط حوادث دوره زندگانی مانی و رفع اشکالی که در نتیجه کتاب کفالا یا پیدا شده لازم است توضیحی راجع بکلمه « هند » بدهیم .

نام هند برای کشوری که این روزها آنرا هندوستان میگویند تازه است . تا حدود

قرن چهارم هجری مغرب خلیج فارس را هند می‌گفتند . * نام هند در کفالایا مقصود هند امروزی نیست بلکه مغرب خلیج فارس و خوزستان است .

نام مصر هم برای کشوری که این روزها آنرا مصر می‌خوانند تازه است .

از روی استعمال نام مصر و هند و همچنین فارس برای ایران و . . . در کتب تاریخ میتوان پی برد که تألیف روایات در چه عصری صورت گرفته است .

ملاحظه ۷ - مانی خود را به مناسبت بشارتهای قدیم « برخوان » مینامیده . معنی این کلمه به عربی « مصوت » و به یونانی « فارقلیط » است . مانی مصور چنانکه گمان شده درست نیست .

میلاد و تجلی و بعثت و وفات مانی مصوت .

مانی در سال خوك ۱۹۸۰ رصداً مطابق ۲۷ مهری و ۲۵۶ میلادی و ۲۰۴۱ قمری یکشنبه ۹ شهریور ماه یزد گردی ۲۸ شباط بهیز کی ۲۶ فوریه مهری و ۱۲ جمادی الاولی ۲۵ روز به نوروز مانده زائیده شده است .

این سال بموجب روایت ابن ندیم و صورت نامهای امپراطوران در آثار الباقیه سال دوم فرمانروائی امپراطور گالوس میباشد و تقریباً یک قرن پیش از این تاریخ عهد امپراطور پیوس * انطونیا نوس است .

.....

مانی در سال خوك ۱۹۹۲ رصداً مطابق ۳۹ مهری اشکانی و ۲۶۸ میلادی در سن سیزده سالگی تجلی یافته .

این سال دوم پادشاهی اردشیر بابکان و سال اول امپراطور کلودیوس دوم میباشد .

.....

مانی اول سال ۲۰۰۵ خورشیدی رصداً و اوائل سال خوك مطابق سال ۵۵۱ مهری و ۲۸۰ میلادی و ۲۰۶۶ قمری روز یکشنبه ۱۱ مهرماه یزد گردی و اول حمل و اول نisan خورشیدی و اول نisan بهیز کی مهری و ۲۳ مارس مهری و سوم ربیع الاولی آشکارا دعوت کرده است .

* در استانی که آنرا خوزستان نامیده اند در اول نام چند شهر « هند » و « اند » میباشد مثل : هنديجان ، اندوه و الهمك . * در اصل نسخه ططوس میباشد که غلط است .

این روز به روایت ابن ندیم از قول مانویان روز تاجگذاری شاپور بن اردشیر
 واول حمل واول نisan است . سالها بهیز کی باکیسه ۱۲۰ سالی است و شش روز کیسه
 میلاد مهر در حساب منظور است . این شش روز به حساب بهیز کی پنج روز میشود .
 مانی در حدود سال ۲۰۱۳ ر صد ۳۵ سال پیش از امپراطور شدن قسطنطین بانی
 شهر قسطنطنیه و در حدود ۲۸۹ میلادی در چین بوده است . (مجمل)
 در این اوان مانی تقریباً سی و پنج سال داشته .

.....

مانی روز چهارشنبه هشتم شهریور ماه یزدگردی و هشتم ماه امشیر گرفتار شده
 و او را به زندان برده اند . در این هنگام مانی در اواخر سن پنجاه و نه سالگی بوده .

.....

مانی در سال خوك ۲۰۳۹ خورشیدی و ۲۰۴۱ یزدگردی ر صد مطابق سال ۵۸۶
 مهری و ۳۱۵ میلادی و ۲۱۰۲ قمری و ۵۲۲ نیران آخر روز یکشنبه ۴ مهر ماه یزدگردی
 و ۴ ماه برمها و ۶ مارس رومی و ۸ مارس مهری و ۲۵ ماه آذر بهیز کی و ۱۴ ربیع الاول
 ۱۴ روز به اول حمل مانده هنگام غروب ماه و طلوع آفتاب در سن شصت سالگی بعد از ۲۶
 روز گرفتاری در زندان مرده است و پس از مرگ او را دار بست کرده اند .

.....

بموجب آنچه گذشت مانی روز یکشنبه ۹ شهریور یزدگردی به بند زندگی
 گرفتار شده و در روز چهارشنبه هشتم شهریور ماه یزدگردی به بند زندان افتاده .
 روز یکشنبه ششم مهر ماه یزدگردی و سوم ربیع الاولی دعوت کرده و روز یکشنبه
 چهارم مهر ماه یزدگردی و ۱۴ ربیع الاولی مرده است .
 ولادت او در سال ۲۰۴۱ قمری ر صد و مرگش در سال ۲۰۴۱ یزدگردی ر صد
 بوده است . ۲۵ روز پیش از نوروز زائیده شده و ۱۴ روز به نوروز مانده مرده است .
 بادر نظر گرفتن اعتقادات پیشینیان به اوضاع نجومی و ارقام و اعداد ، این تصادفات
 در پیشرفت شکفت آور دین مانی در شرق و غرب تأثیر بسزا داشته است .

در صورتی که توهم شود علم احکام نجوم و اعداد و حروف صحیح است این
 تصادفات دلیل بر ظهور مخرب و دجالی است . ظاهراً پیروان عیسای مصلوب (ع) از این

تصادفات برای تبلیغ عقاید خود استفاده کرده و مانی را دجالی شمرده که چند سال پیش از عیسی مصلوب (ع) دعوی کرده است .

.....

جمله‌ای که در نوشته تورفانی به علامت M. 104 مربوط به روز وفات مانی است ترجمه آن در ذیل داده میشود .

دار بستن

« هوشیاران ، برادران ، و جیدگان بدین روز گیانین بو
پدمهر ماه ؛ چهارده پ یشوا بغیور . »

چنانکه ملاحظه میشود تاریخها پاک شده گی و محو شده گی دارد ولی « پ ... »
بعد از چهارده از عبارت « پیش از بهار » باقی است که در حساب به دست میآید .

مانی در منطقه بغداد (ظاهراً در همان جایی که قبة الخضرى را بنا کرده اند)
زائیده شده است . این شهر در نزد مانویان شهر مقدس بود و از واجبات مذهب آنها این
بود که مرکز دینی آنها همیشه در آنجا باشد .

کشتار مسلمانان بغداد به دست هلاکو و ملاحده در سال دوم از هزاره دوم میلاد
مانی بوده این سال سال ۶۵۶ هجری مطابق ۱۲۵۸ میلادی میباشد . صلواة مغولان تا کنون
این است :

هم مانی پد مه هون

تا آنجائی که تحقیق کرده ایم مدفن مانی در همین موضعی است که بنام قبر دانیال
شهرت دارد و در چند سال اخیر گمان کرده اند که شوش قدیم در این حوالی بوده است .

بخش هفتم

زردشت و زمان او

تذکر

در روایات مربوط به زمان زردشت اختلاف عظیمی دیده میشود .
بموجب روایاتی زمان زردشت در حدود چهار قرن پیش از میلاد است
و به روایاتی از حدود هجده قرن تا بیست قرن و نیم پیش از میلاد
و بنا بر روایات دیگری تا حدود هشتاد قرن پیش از میلاد .
علت پیداشدن اختلافات این است که پیشگوئیهای درباره ظهور پادشاهان و دین
آوران و ویرانی جهان و . . . از زمان قدیم نسبت بزردهشت و جاماسب داده شده بوده
است و برای اینکه آنها در زمان مخصوصی صدق کند یا نکند در قرون مختلف عصر زردشت را
گاهی جلوتر و گاهی عقب تر از زمان واقعی آن کشیده اند . مضامین روایاتی که در کتب
تاریخ راجع باین اختلافات آمده طور یست که از روی آنها میتوان زمان و غرض و مسلک
جعل کننده را دانست .

عهد زردشت بارصد دقیق او و حساب کیسه ها و تاریخهای قدیم ترطوری بستگی
دارد که اختلافی نمیتواند در آن راه پیدا کند و این حقیقتی است که از مطالب گذشته
واضح است .

اینکه در یکی دو قرن اخیر نتوانسته اند زمان واقعی زردشت را تعیین کنند برای
این است که راه تحقیق غلط و یا مغرضانه بوده است .

خلاصه در این بخش اولاً آنچه را که باعث ایجاد این اختلافات شده به اندازه
گنجایش این جزوه شرح میدهم و بعد بموجب مدارك متعدد روز و ماه و سال میلاد و بعثت
و رصد و رحلت زردشت را تعیین خواهم کرد .

بشارت و ظهور

چنانکه در کتب تاریخی و مذهبی ملاحظه میشود همیشه ظهور پیغمبران و مصلحین
و فاتحین در زمانی واقع شده که پیغمبران یا منجمین پیشین از آن قبلاً بشارت داده و مردم
رسیدن چنان زمان موعودی را با نهایت اشتیاق انتظار داشته اند .

از چگونگی پیشرفت هردعوتی میتوان پی برد که مذهب قبل از آن که زمینه بشارت را فراهم کرده تا چه حدی دامنۀ انتشارش توسعه داشته و تلقیناتش در نفوس پیروان بچه اندازه مؤثر بوده است .

برای پیش گوئی از حوادث آینده و مخصوصاً ظهور پیغمبران و پادشاهان بزرگ سده راه وجود داشته است . وحی و الهام ، دلالت اوضاع نجومی ، خواص اعداد و حروف و اسماء . اگر برای ظهوری از همه این سه راه بشارت و علاماتی داده بودند پیشرفت سریعتر و آسان میگرددیده است .

در کتب نجوم و علم احکام فارسی و عربی رصد و پیش گوئی از حوادث مهم و ایجاد کیسه و تصحیح تاریخهای قدیمتر را از حکیم زردشت دانسته اند . ذکر این مطالب تنها در کتب مشرق نیست بلکه در روایات کلاسیک هم نظیر آنچه گفته شد و حتی بیشتر دیده میشود .

پیش گوئی هائیکه به وسیله اوهام احکام نجومی و اعداد و اسماء و حروف میشده همواره در حوادث تاریخی مؤثر بوده است و لهذا برای اینکه بشارتی که مدتی از زمان آن گذشته باشد در آینده صدق بکند و یا این که در زمان معین خود هم که سپری شده صدق نکند و مذهبی اصلاً باطل باشد ملاحظه میشود که در قرون مختلف بر حسب احتیاجات سیاسی و مذهبی در هزاره ها و سالهای تاریخی حک و تحریفاتی کرده اند . گاهی ملاحظه میشود که به موجب احکام نجومی ثابت کرده اند که فلان سال ظهور نبوده است و لهذا فلان مذهب برحق نیست و در این صورت معتقدین آن مذهب هم صحت علم احکام را انکار کرده اند .

روایاتی که در آنها سالهای ظهور آمده

در آثارالباقیه پس از اینکه ظهور ابن زکریای طمائی را در سال ۳۱۹ هجری شرح داده چنین مینویسد :

« اگر این وقت که ذکر شده همان وقتی باشد که جاماسب و زردشت قصد کرده بودند البته در تعیین این وقت درست گفته اند زیرا این قضیه (ظهور طمائی) در آخر سال ۱۲۴۲ اسکندری بوده و ۱۵۰۰ سال در این وقت از تاریخ زردشت میگذشت ولی در این خطا کرده اند که تصور کرده اند باز سلطنت به مجوس بر میگردد .

ابوعبدالله که بسیار تعصب مجوسیت دارد و زمان زیادی خروج قائم را منتظر بود کتابی نوشته که انسانی خروج خواهد کرد که دولت مجوسیت را بازگشت خواهد داد .

وقتی را که او تعیین نموده جز به زمان مقتدر و مکتفی نمی افتد .
گفته اند که دولت ساسانی درقرانهای آتشی بود و دلالت دیلم هنگام علی بن بویه ملقب به عمادالدوله درقرانهای آتشی افتاد . این وقتی است که امیدوار بودند سلطنت به پارسیان برگردد .

نمیدانم چرا دولت دیلم را گزیده اند با آنکه این دلالت بردولت بنی عباس که دولت خراسانی و شرقی است ظاهرتر است
پیش از این که ابن ابی زکریاء ظهور کند قرامطه خروج شخصی را منتظر بودند و بهم وعده میدادند .

ابوطاهر . . . بن بهرام جنابی در شعر خود چنین گفته است .
بزودی به شما خبر میرسد اگر مریخ از بابل طلوع کرد زنه‌ار زنه‌ار . روی زمین را مالک میشوم از شرق تا غرب حدود ترك و خزر و روم .
پس در این مدت که گفته شد ابوطاهر . . . بن بهرام جنابی حرکت کرد .
در سال ۳۰۸ هجری به مکه رسید و کشتار بسیار کرد و لاشه های مردم را در چاه زمزم انداخت و آنچه در آنجا بود غارت کرد و حجرالاسود را کند و بکوفه برد .
آثارالباقیه .

درفهرست ابن ندیم آمده : « فرزندان قداخ تعصب مجوسیت داشتند و میخواستند که دولت قدیم را زنده کنند .

درآن عصر منجمی بنام زیدان اوضاع نجومی را برای پیشرفت قرامطه تهیه میکرد »
فهرست .

بستگی زمان ظهور بزرگان یا دعوت گران با عصر زردشت تنها در روایات شرقی نیست بلکه درروایات یونانی هم افلاطون را در آخر هزاره ششم بعد از زردشت گذاشته اند .

افلاطون چهارده قرن بعد از زردشت آمده است . قرن چهاردهم بعد از زردشت نیز قرن بشارت محسوب میشود .

ارتباط اعداد و حروف و اسماء با هزاره و سال ظهور

عقیده به خواص سعد و نحس اعداد در حساب حروف و تأثیر آنها در امور کلی و جزئی جهانی نیز مانند عقیده با حکام نجومی است .

مثلاً عدد ۱۳ نحس توهّم شد و عدد ۷ و ۹ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۹ سعد و مقدس . تا این اندازه همه از چنین خواصی اطلاع دارند و شاید در تحت تأثیر آنها واقع شده باشند . اصول توهّمی این علم که راجع به آن کتب بسیاری نوشته شده زمینه ثابتی برای تبلیغات مذهبی فرق مختلف و ایجاد بسیاری از حوادث غیر مترقبه و ظهور و دعوت اشخاص بوده است .

فرق مانوی راجع باین علم کتابی یا مبحثی بنام جبله داشته اند و بایستی این کتاب زمینه کتابهای بعد باشد .

عدد ۲۴۶۸ عدد مشهور بدوح * میباشد که روی کاغذها برای زود رسیدن و تبرک مینویسند . طلسم این عدد مرموز خواص عجیبی دارد . این عدد از اعداد زوج دهه اول که به ترتیب پشت سرهم آمده و هر یک خواصی توهّمی و جداگانه دارد ساخته شده است . اگر مبدأ این عدد سال رصد باشد سال ۲۴۶۸ مطابق سال ۱۲۶ هجری میشود و این سال سالی است که علناً دعوتها و خروجها در خراسان شده است .

عدد ۱۴۶۸ در کتب تاریخی و همچنین در نوشته های تورفانی دیده میشود . نوشته اند پس از ۱۴۶۸ سال نور از ظلمت جدا میشود . بحساب تاریخ رصد این سال سالی است که نور بر مهر فرود آمده و روشن شده و در این سال از سنش چهارده سال میگذشته است .

قرن پانزدهم رصد قرن بشارت و ظهور است و این همان زمانی است که عدد ۱۴۶۸ در آن صدق میکند . این بشارت زمینه فتوحات اشکانی است .

سال ۴-۱۴۵۳ سال ظهور و فتح و فیروزی است . در این سال مهر متولد شده است .

عدد ۱۲۴۲ دو برابر ۶۲۱ میباشد و دلالت بر اموری دارد . در صورتیکه زردشت ۲۷۶ سال پیش از ملک اسکندر باشد سال رحلت که سال یازدهم هجری است مطابق

* بدوح صورت صحیح تری از « بودا » میباشد که بمعنی روشن و متور است .

سال ۱۲۴۲ این تاریخ میشود. باین حساب سال ۱۴۶۸ مطابق ۲۴۳ هجری و سالی است که متوکل امر به استعمال تاریخ جدید داده است ولی حساب این تاریخ ازین سال نیست. سال ۴۷۶ بختنصری سال بشارت و سال میلاد مهر است همچنین سال ۴۷۶ هجری خورشیدی مطابق سال ۴۶۶ یزدگردی نیز سال ظهور تصور شده. قرن سوم رصد قرن ظهور ذوالقرنین یا «دوسر» میباشد.

.....

ارقام ۱ و ۳ و ۹ و همچنین ۸ و ترکیباتی که در آنها این ارقام باشد و یا تکرار شده باشد خواصی توهمی دارد و دلالت بر حوادثی میکند. سال ۱۳۹ هجری سال نیم هزاره مانی است. در این سال اندلس فتح شده. سال ۳۱۹ هجری مطابق ۹۳۱ میلادی و ۱۲۴۲ اسکندری میباشد. در این سال ظهوراتی است که تذکر داده شد. سال ۳۹۱ هجری مطابق ۱۰۰۰ میلادی است که در این اوان مردم از پیش آمدهای بد مشوش بودند وعده ای دعوی مسیحیت کردند.

باباطاهر عریان میگوید:

موآن بحرم که در ظرف آمدم	چو نقطه بر سر حرف آمدم
بهر الفی الف قدی بر آید	الف قدم که در الف آمدم

ظهور باباطاهر در حدود و بعد از این هزاره است و رباعیاتش متضمن افکار باطنیها است.

سال ۴۸۵ هجری مطابق ۱۰۹۳ میلادی است. عدد حروف آله آموت که نام قلعه حسن صباح است ۴۸۵ است. *

همه اینها را نمیشود تصادف فرض کرد. این ارقام در وضع تاریخ میلادی و ایجاد یک هزاره تازه ای برای اسماعیلیه دخالت داشته است.

قرن چهارم و هشتم و دهم هجری و هزاره هجری نیز سالهای ظهور است. شماره حروف اسامی اشخاصی که ظهور میکردند نیز در صحت و حقانیت دعوت آنها مؤثر بوده است. نام شخص دین آور چنین توهم شده که بایستی سه حرفی یا پنج حرفی باشد.

مسعودی مینویسد که اردشیر میترسید که سال هزاره بیاید و مردم در آن سال

* این عدد را ۴۸۳ و ۴۹۵ هم داده اند ولی بحساب ۴۸۵ است

به شاهان خود کمک نکنند. این عبارت قابل توجه بسیار است زیرا که خود اردشیر از نحوست هزاره برضد اشکانیان استفاده کرده بود.

تا اواخر قرن دوم هجری حوادث مهم تاریخی و ظهورها در هزاره مهر و نیم هزاره مانی است. ظهور ابومسلم خراسانی و به آفرید و بنای بغداد و دعوت مقنع و جنبش خرم دینان و . . . همه در حدود همین نیم هزاره و هزاره است. مخصوصاً قابل توجه است که ظهور و قدرت و پیشرفت ابومسلم در سال ۲۴۶۸ رصد مطابق ۱۲۶ هجری میباشد. راجع بعدد ۲۴۶۸ بعد از این باز هم تذکر داده خواهد شد.

احتیاج به سالهای مناسب برای ظهور

تا اواخر قرن دوم هجری زمینه بشارت ها برای ظهور و خروج از قدیم آماده بوده و احتیاجی به اخلال در هزاره ها و تاریخها احساس نمیشده است. ولی از قرن سوم هجری بعد که زمان بشارتها گذشته بود و اقتضای زمان زمینه های تازه ای برای بشارت لازم داشته با جعل روایات و ایجاد هزاره زمینه برای مقصود مهیا شده است. در همین عصر است که پس از گذشتن سه قرن از حوادث روایات تاریخی از قول این و آن جمع آوری و تألیف میشود.

از تذکر قبل و آنچه مؤلفین روایات تا قرن پنجم هجری نوشته اند دو نکته مهم استنباط میشود:

- ۱ - در قرن پانزدهم بعد از زردشت دین آوردی ظهور خواهد کرد.
- ۲ - عده ای در قرن چهارم هجری به اتکای بشارتهای زردشت و جاماسب دعوی مسیحائی و اقدام بخروج کرده اند.

واضح است که اگر بنا باشد که پیش گوئیهای منسوب به زردشت و جاماسب زمینه ظهور دعوتگرانی در قرن چهارم و پنجم هجری بشود باید زمان زردشت هم در فاصله پانزده قرن از زمان کسانی قرار گیرد که در این دو قرن میخواستند دعوی مسیحائی بکنند. عصر زردشت با رصد زمان او و رصدها و تاریخهای قدیمتر و دوره های کیسه طوری بستگی دارد که اگر فرضاً چند ساعت در روز مبدأ اختلاف در وقت تحویل به افق نیمروز پیدا شود همه حسابها مشوش میگردد.

این اشکال فنی منجمین قرن سوم هجری ببعدها که منظوری در ظهور اشخاص داشته اند دچار حیرت کرده است و مجبور شده اند برای عصر زردشت و طول سال شمسی

و طول عمر غیر طبیعی پادشاهان و توقف چند ساعت در سیر خورشید روایات مختلفی بنام مشاهیر در کتب بگنجانند تا از هریک از این جعلیات در موقع خود استفاده شود . علت تعدد این روایات اینست که هر کدام از آنها مناسب با مقصودی ساخته شده است .

مساعدهترین زمینه در قرن چهارم و پنجم هجری برای پائین آوردن عصر زردشت مغالطه در حساب دوره های کیسه است که انتهای آنها در این دو قرن واقع می شده است . انتهای دوره چهارم کیسه ۱۵۰۸ سالی یزدگردی باستانی چنانکه به آن اشاره کرده ایم سال ۳۷۶ یزدگردی رحلت مییابد .

انتهای دوره دوم کیسه ۱۴۰۴ سالی و ۱۴۰۸ سالی و ۱۴۱۰ سالی در قرن پنجم هجری است و اینها همان دوره هائی هستند که در تنظیم حساب تاریخ ملکی مورد استفاده خیام بوده و راجع بآنها تذکر داده ایم .

در کتب تاریخ و نجوم تصریح شده که زردشت رصد کرد و کیسه را ایجاد نمود و همه تاریخها و حسابهای نجومی قدیمتر را رسیدگی و تصحیح کرد . حال اگر فرض شود که دوره چهارم کیسه ۱۵۰۸ سالی دوره اول این کیسه است و عصر زردشت هم در اول این دوره بوده ۱۲ قرن عصر زردشت و ذوالقرنین اکبر پائین تر خواهد آمد .

همچنین اگر فرض شود که دوره دوم کیسه ۱۴۰۴ سالی و ۱۴۰۸ سالی و ۱۴۱۰ سالی دوره اول این کیسه ها است و زردشت که در زمان او ایجاد کیسه شده عصرش در اول این دوره ها بوده در این صورت ۱۴ قرن عصر زردشت از زمان واقعی خود پائین تر خواهد افتاد .

این زمینه مساعد به تنهایی کافی نبود زیرا که شماره سالها و روز های زمان ولادت زردشت بعد از تاریخ یزدگردی باستانی و تاریخ طوفان و قبل از ذوالقرنین و تاریخ یزدگردی بختنصری در کتب تاریخ و نجوم ثبت بود و با انداختن یک دوره از دوره های کیسه مقصود حاصل نمیشد .

برای رفع این اشکال تاریخ « الاسکندری » بجای تاریخ ذوالقرنین اکبر و تاریخ « جلوس فرضی یزدگرد بن شهریار » بجای یزدگردی بختنصری ایجاد شده است . روز اول فروردین تاریخ یزدگردی بختنصری سه شنبه است و لهذا روز اول تاریخ جلوس فرضی یزدگرد هم روزی گرفته شده که سه شنبه و اول فروردین باشد تا بتوان شماره روز هائی را که در روایات داده شده به آن متصل کرد .

ایجاد دوازده قرن اختلاف در عصر زردشت و علل آن

عهد متوکل عباسی

اولین اختلافی که در تاریخ ایجاد شده در زمان متوکل است. در عصر او روایت شده که زردشت ۲۷۶ سال پیش از ملک اسکندر میزیسته است.

اگر عصر زردشت ۲۷۶ سال پیش از ملک اسکندر باشد سال ۶۳۱ میلادی که سال رحلت است و گفته اند مأخذ حساب متوکل بوده مطابق سال ۱۲۴۲ و همچنین سال ۲۴۲ هجری که سال قبل از صدور حکم متوکل برای استعمال تاریخ است سال ۱۴۶۸ میلاد زردشت میشود.

سال ۲۴۲ هجری مطابق ۸۵۷ میلادی است و تاریخ ملک اسکندر از سال ۳۳۰ پیش از میلاد شروع میشود.

$$۲۷۶ + ۳۳۰ + ۶۳۱ = ۱۲۴۲$$

$$۲۷۶ + ۳۳۰ + ۸۵۷ = ۱۴۶۸$$

دو عدد ۱۲۴۲ و ۱۴۶۸ که هر دو از اعداد مرموز بشارت هستند با این حساب از هزاره‌ای که ظهور اسکندر در اول آن بوده شروع میشوند و قابل ملاحظه است.

قصه بریدن سرو کاشمر در زمان متوکل ۱۴۵۰ سال بعد از کاشتن زردشت برای این جعل شده که سال ۱۴۵۳ یا ۱۴۵۴ که سال بشارت است در زمان متوکل واقع شود. عدد ۲۷۶ مشهور که زمینه حساب این روایات راجع به عصر زردشت است چنانکه تذکره‌ایم شماره سالها از آغاز دوره ۱۵۰۸ سالی اول است تا آغاز هزاره چهارم که هزاره سرطان است.

علت آوردن این عدد در حساب برای این است که اسکندر ۲۷۶ سال بعد از این تاریخ بیاید و در اول هزاره واقع شود. قصه این هزاره در آثار الباقیه در مبحث راجع به تاریخ اسکندری آمده است.

به موجب این روایت عصر زردشت و ذوالقرنین اکبر هر دو دوازده قرن پائین تر می‌آید و اسکندر مقدونی جای ذوالقرنین اکبر را که همعصر خضر بوده در آغاز یک هزاره‌ای که اساس تاریخ اسکندری است میگیرد. همچنین قابل ملاحظه است که عدد ۲۴۲ در تنظیم این حسابها نقش بزرگی را بازی میکند.

در قرن سوم هجری پس از گذشتن سه قرن از حوادث گذشته و با در نظر گرفتن احتیاجات سیاسی آن زمان روایاتی به منظور جمع آوری خراج به دست مورخین باطنی تدوین شده است که این روایات هم در ضمن آنها است. این گستاخی در جعل اخبار حتی از قول بزرگان دین زمینه مساعدی برای دعوتگران و سرکشان قرون بعد فراهم کرده است که شرح نتایج آن از اندازه گنجایش این جزوه بیرون است.

همین قدر در این جا یادآور میشویم که متوکل و چند خلیفه پس از وی همه کشته شدند و ضعف دستگاه خلافت در این اوان طوری بود که از عهدۀ محافظت خانۀ کعبه و تأمین جان و مال حجاج هم عاجز بودند.

استفاده قرامطه از اخلاص متوکل

در روایات مختلف ذیل که همه مربوط به خروج قرامطه و دعوتگران قرن سوم و چهارم هجری است عصر زردشت :

۹۷۰ سال پیش از یزدگرد بن شاپور

و ۱۰۴۰ سال پیش از فیروز ساسانی

و ۱۲۰۰ سال و یا ۱۲۱۸ سال پیش از یزدگرد بن شهریار

و ۲۵۸ سال پیش از تاریخ اسکندری گذاشته شده است.

مقصود از این روایات که عصر زردشت را ۱۲ قرن پائین تر میآورد این بوده که اوائل قرن چهارم هجری بنا بر بشارت زردشت و جاماسب قرن ظهور شود و بشارتی که مربوط به زمان اشکانیان بوده و زمانش سپری شده در قرن چهارم هجری صدق کند. در تأیید این بشارت قدیمی حدیثی هم نقل شده که اوائل قرن چهارم هجری زمان ظهور است. از مدعیان مشهور این قرن بو طاهر بن بهرام جنابی مخرب و غارتگر کعبه است.

مدعیان دیگر که به اتکای بشارت زردشت و جاماسب خروج کرده اند طمامی و منصور حلاج و دیالمه و ... میباشند.

در این جا لازم است تذکر مختصری داده شود. مانویان برای اجرای مقاصد خود گاهی با نامهای فارسی و گاهی با نامهای عربی و یا با هر دو خود را معرفی نموده اند و نباید آنها را با زردشتیان و مسلمانان عرب و ایرانی از روی اسامی آنها اشتباه کرد.

ایجاد چهارده قرن اختلاف در عصر زردشت و علل آن

ظهور اسماعیلیه

در دو روایت ذیل که مربوط به ظهور اسماعیلیه میباشد عصر زردشت :

۴۵ سال پیش از ملک اسکندر

و ۱۰۲۰ سال پیش از یزدگرد شهریار گذاشته شده است و به موجب اینها

عصر زردشت ۱۴ قرن پائین تر میآید .

به موجب روایت اولی ، هجرت در سال دوم از هزاره دوم بعد از زردشت است و رحلت در سال ۱۰۱۱ که از اعداد فرد منظم ساخته شده و سال ۴۶۶ که سال دعوت و ظهور میباشد مطابق سال ۱۴۶۸ میشود . مقصود از این روایت این بوده که ظهور حسن صباح در قرن پانزدهم بشارت واقع شود و عدد ۴۶۶ و عدد ۱۴۶۸ هر دو در مورد دعوت و ظهور او صدق کند . به موجب این حساب سال ۱۴۶۸ مطابق سال ۴۸۰ هجری میشود که اوائل قدرت و ظهور حسن صباح است . حسن صباح در سال ۴۸۵ هجری مطابق ۱۰۹۳ میلادی به قلعه آله آموت که عدد حروفش ۴۸۵ است صعود کرده است . ارقام فرد یک و سه و نه در تاریخ میلادی و مطابقت آن با سال صعود قابل توجه است . به موجب روایت دومی ، بعثت حضرت رسول (ص) در سال هزاره زردشت واقع میشود و قرن پانزدهم بعد از زردشت که قرن بشارت است درباره حسن صباح و حقانیت ظهور او صدق خواهد کرد . این دو روایت باهم هشت سال اختلاف دارد و در آن منظوری است .

نباید تصور کرد که با گذاشتن سال بعثت در هزاره زردشت مقصود اسماعیلیان اثبات حقانیت مذهب اسلام است بلکه مقصود آنها این بوده که بشارت دوجنبه به خود بگیرد یعنی بشارتی که در قرن پانزدهم درباره ایشان صدق کرده قبل از آن هم در سر هزاره در ظهور اسلام صدق کرده باشد .

مسعودی نقل کرده که زردشت در اوستا گفته است که پس از سیصد سال ملک مضطرب میشود و بعد از هزار سال ملک و دین هر دو از دست میروند .

این روایت مسعودی مفهومی همان روایات بالا است که به صورتی بدون ارقام نقل شده است . مسعودی در همین اوان میزیسته و مناسبات او با اسماعیلیه در شمال آفریقا برای تحقیق در سبک تاریخ نویسی او قابل ملاحظه است .

ایجاد اختلاف چند هزاره در عصر زردشت و علل آن

به خلاف آنچه تا اینجا گذشت روایات دیگری به نظر میرسد که عصر زردشت را به قدری بالاتر برده اند که دیگر زمینه ای حتی برای صدق بشارت در باره مهر و دولت اشکانی هم باقی نماند.

در سابق اشاره کردیم که ادبیات زردشتی درباره هزاره یازدهم که هزاره نجات و بشارت است خاموش میباشد. روحانیان زردشتی معتقد به حقانیت مذهب مهر و دولت اشکانی و صحت بشارتهای منسوب به زردشت و جاماسب نبوده اند و چنین عقیده ای از نظرهایی موافق بامقصد برخی از فرق مانوی و باطنی بوده است. در ذیل روایات شرقی و روایات کلاسیک را که در آنها عصر زردشت چند هزاره بالاتر برده شده تذکر میدهم:

روایات شرقی

به موجب یکی از روایتهای آثار الباقیه ظهور زردشت در اول هزاره چهارم دوران عالم است. در این صورت عصر زردشت در هزاره نهم پیش از هجرت و هزاره هشتم پیش از میلاد واقع میشود.

این روایت شبیه است به روایت نویسندگان کلاسیک که بعداً تذکر داده میشود زیرا که اگر زردشت شش هزار سال پیش از جنگهای تروا باشد عصرش در هزاره هشتم پیش از میلاد واقع میشود.

.....

به موجب روایت دیگری در آثار الباقیه عصر زردشت سه هزار سال بعد از کیومرث بوده است. هزاره کیومرث هزاره پنجم میباشد و در این صورت عصر زردشت در هزاره هفتم که هزاره جم است واقع میشود.*

به موجب این روایت زردشت در هزاره ششم قبل از هجرت و هزاره پنجم پیش از میلاد بوده است.

بنابراین دو روایت بشارتها درباره ظهور مهر صدق نمیکند و دعوت آن مذهب در اوائل عهد اشکانیان باطل میشود زیرا چنانکه نوشته اند باید این ظهور در قرن پانزدهم بعد از زردشت باشد و در عهد اشکانیان چند هزار سال از موعد مخصوص آن گذشته است.

* روایت بندهشی را در قسمت «حدود زمان زردشت» نگاه کنید. در اول هزاره چهارم و اول هزاره هفتم برای ایجاد سه هزار سال اختلاف نام کیومرث تکرار شده است.

تذکر راجع به روایات کلاسیک

در روایات یونانی و لاتین که آنها را روایات کلاسیک میگویند اختلاف عظیمی راجع به عصر زردشت دیده میشود .

در یک روایت عصر زردشت پانصد سال پیش از جنگهای تروا است یعنی زردشت در قرن هیجدهم پیش از میلاد زندگی میکرد .

در پنج روایت به جای پانصد پنجهزار سال نوشته شده است .

در نه روایت دیگر زردشت و ابراهیم و نینوس و سمیرامیس همعصرند و بنابر بعضی از این روایات و روایات دیگر زمان ایشان در حدود نوزده تا بیست قرن پیش از میلاد است .

پروفسر و . جکسن در ۱۹۱۹ میلادی کتابی بنام « زردشت » تألیف کرده و در آن روایات کلاسیک مربوط بعصر زردشت را داده است . غرض اصلی از این کتاب ایجاد تشویش بیشتری در تاریخ زمان زردشت میباشد که شرح آن اکنون از موضوع بحث ما خارج است . *

بعد از انتشار کتاب پروفسر جکسن پروفسر شرودفکس و پروفسر همبرتن تقریباً همه روایات مربوط به زردشت را که در کتب کلاسیک آمده در کتابی جمع آوری کرده اند . کتاب نامبرده یکصد و چهل پنج صفحه دارد و در سال ۱۹۲۸ میلادی منتشر شده است . *

روایاتی را که مربوط به بحث ماست با در نظر گرفتن هر دو کتاب و بطوریکه پروفسر جکسن در دو دسته مرتب کرده برای بحث در ذیل نقل میکنیم .

* Zoroaster

The Prophet of Ancient Iran

A. V. Williams Jackson.

* Passages in Greek and Latin Literature

Relating to

Zoroaster & Zoroastrianism.

by

President W. Sherwood Fox and

Professor R. E. K. Pemberton.

دسته اول روایات کلاسیک

اختلاف چند هزاره در عصر زردشت

۱ - پلینی بزرگ با استناد به روایات اوذکس و ارسطو و هرمیپوس که در آنها شک داشته عصر زردشت را شش هزار سال پیش از افلاطون و پنجهزار سال پیش از جنگهای تروا میگذارد.

۲ - پلوتارک زردشت را پنجهزار سال پیش از جنگهای تروا میگذارد.

۳ - در حواشی بر افلاطون که در قرن ششم میلادی جمع آوری شده نوشته :
« زردشت شش هزار سال قبل از افلاطون میزیسته . »

۴ - دیوجنی لرتیوس از هرمودرس که از پیروان افلاطون بوده نقل میکند که عصر زردشت پنجهزار سال پیش از جنگهای تروا بوده و همچنین از خوش لیدیائی نقل کرده که زردشت شش هزار سال و در برخی نسخه های خطی دیگر از همین کتاب ششصد سال پیش از اکز رکس میزیسته است.

۵ - لکتان تیوس در قرن چهارم میلادی مینویسد :

« هیستاسپ (پشتیبان مشهور زردشت) که از پادشاهان قدیمی ماد میباشد زمانی طولانی پیش از بنای شهر رم زندگی میکرده است . »

۶ - سویداس در قرن دهم میلادی مینویسد :

« زردشت : ماد - فارس . در میان منجمین مرجع بزرگی است . او عنوان مجوس را

(۱) Pliny the Elder. قرن اول میلادی ؟

Eudoxus of Cnidus. قرن چهارم پیش از میلاد .

Aristotle. قرن چهارم پیش از میلاد .

Hermippus. قرن سوم پیش از میلاد .

Plutarch. (۲) قرن اول میلادی ؟

The Scholion to the Platonic Alcibiades. (۳)

این حواشی در قرن ششم میلادی جمع آوری شده است .

Diogenes Laertius. (۴) قرن دوم یا سوم پیش از میلاد .

Hermodorus. قرن سوم پیش از میلاد .

Xanthus of Lydia. قرن پنجم پیش از میلاد .

Lactantius. (۵) قرن چهارم میلادی .

Suidas. (۶) قرن دهم میلادی .

که در میان خود ایشان مشهور است اندر آورد. پانصد سال پیش از جنگ های تروا میزیست. روایت به او نسبت داده است چهار کتاب در طبیعیات ، یکی راجع به سنگهای قیمتی ، تألیفاتی راجع به رصد ستاره ها ، پنج کتاب در علم معاد . »

از روایات فوق متأخر تر روایت **سویداس** نویسنده قرن دهم میلادی است . در این روایت زمان زردشت فقط پانصد سال پیش از جنگهای تروا میباشد . پروفیسر جکسن در نقل از **سویداس** بعد از ذکر عدد پانصد که در اصل روایت آمده نوشته پانصد را بخوانید پنجهزار . نمیدانیم این جمله را ایشان از روی چه مأخذی نوشته اند . در صورتیکه با مقایسه این چند روایت با روایات دسته دوم بایستی نوشته باشند که پنجهزار را پانصد بخوانید .

این روایات از قول بزرگترین شخصیت های یونان قدیم نقل شده و چگونه میشود کسانی مثل **ارسطو** و **اذوکس** و **هرمی پوس** چنین اعدادی را بی آنکه راجع به آنها تذکری داده باشند در نوشته های خود بیاورند . خود پروفیسر جکسن متوجه این اشکال بوده و اشاره به آن کرده است .

پروفیسر جکسن و همچنین کسانی که در قرن اخیر راجع به عصر زردشت و حساب کیسه ها و تاریخگذاری چیزی نوشته اند همه فقط همان عدد شش هزار یا پنجهزار سال را مثل اینکه اصلاً عددی دیگر جز این دو در نسخه های خطی وجود ندارد پیش کشیده و گفته اند که چنین قدمتی برای عصر زردشت قابل قبول نیست .

نمیدانیم چه شده که حتی برای آزمایش هم عدد پانصد را که در روایت **سویداس** آمده در حساب منظور نداشته اند و اگر اتفاقاً چنین آزمایشی با دقت میشد عصر زردشت و حساب کیسه ها و تاریخها و هزاره ها و حتی تاریخ صحیح جنگهای تروا با اندک توجهی روشن میگردد .

پروفیسر جکسن مخصوصاً « پانصد سال » و روایات دسته دوم را در سراسر بحث خود ندیده گرفته و زمینه حسابش فقط دو عدد ۲۵۸ و ۲۷۶ و تاریخ اسکندری میباشد . بایستی ایشان اول چگونگی تاریخ مشکوک اسکندری و این اعداد را معلوم و مسلم نمایند تا این که بتوان آنها را زمینه حساب و نظریات خود قرار دهند . *

* در این جا توجه خوانندگان را به نتیجه ای که پروفیسر جکسن در کتاب زردشت گرفته جلب میکنیم . خلاصه آن نتیجه این است که عصری را که ایشان برای زردشت با این حسابها تعیین کرده اند در آن شک و تردید راه دارد و منتظرند تا مدارک تازه ای پیدا شود و پرتوی بر ظلمات اشکالات بیندازد .

چون واضح است که شش هزار و پنجاه از اعداد غیرطبیعی و ساختگی میباشند لذا برخی از استادان فن نوشته اند که آن اعداد از عصر آکادمی است و مقصود از جعل آنها این بوده که افلاطون در هزاره ششم بعد از زردشت بیاید .

از آنجائی که در کتب کلاسیک عقاید مانوی به جای زردشتی شرح داده شده باید گفت که این دست خوردگیها از دوره مانویت میباشد و مربوط بعصر آکادمی نیست . غلو درباره افلاطون الهی و ارتباط او بازردشت از نظریات مانویان است . *

منظور از جا بجا کردن این ارقام بزرگ در روایات کلاسیک و ارتباط افلاطون بازردشت این بوده که عقاید مانوی بجای زردشتی از قول افلاطون معرفی شود و رابطه ای که میان عیسویت و آئین مهر وجود دارد از بین برود . این نسبتی را که متأخرین به عصر آکادمی میدهند پذیرفته نیست .

تا آنجائی که تحقیق کرده ایم همه این ارقام که در روایات کلاسیک از قول ارسطو و... آمده در اصل درست بوده است ولی نه به این صورتی که ذکر شده و لهذا بایستی که این روایات قبل از جابجا کردن اعداد به صورت ذیل بوده باشد :

« زردشت در هزاره ششم آدم شش هزار ماه که عبارت از پانصد سال باشد پیش از جنگهای تروا میزیسته است . »

از قدیم مرسوم بوده که تاریخ بزرگان و مشاهیر را با شماره ماه و شماره روز بدهند و در اصل این روایات همین نظر بوده که ارقامی به این بزرگی پیدا شده است . اهمیت شخصیت زردشت در قدیم از اینجا معلوم میشود که در روایات کلاسیک کوشش شده که افلاطون را بعد از هزاره ششم او قرار دهند .

اختلاف دویست و نود سال در عصر زردشت و علل آن

دسته دوم از روایات کلاسیک

در این دسته از روایات کلاسیک که نه روایت مختلف است زردشت و ابراهیم و ملکه سمیرامیس همعصر شناخته شده اند .

بنابراین روایات و روایات دیگر زمان زردشت از هیجده تا بیست قرن و نیم پیش از تاریخ میلاد است .

* رجوع شود به حکمة الاشراق سهروردی . باین که مولف تصریح کرده که در آن عقاید الحاد مانوی نیست در سراسر آن جز عقاید این فرقه دیده نمیشود .

اختلاف ۲۹۰ سال که در برخی از این روایات با عصر واقعی زردشت ملاحظه میشود دو علت دارد :

- ۱ - تحویل تاریخهای قدیم بتاریخ میلادی بعد از قرن دهم میلادی .
 - ۲ - زمان نینوس با رحلت زردشت میزان است و ۷۷ سال تفاوت پیدا میشود . در ذیل فقط به روایاتی که در آنها حدود زمان زردشت و ابراهیم و نینوس و سمیرامیس معین شده و میتواند زمینه حساب قرار گیرد اشاره میکنیم* . در بقیه روایات این دسته فقط همعصری زردشت و نینوس و سمیرامیس ذکر شده و نقل آنها لزومی ندارد .
 - ۱ - یوسیوس (قرن چهارم میلادی) زردشت و ابراهیم و نینوس و سمیرامیس را همعصر شمرده است . تاریخ ابراهیمی را این مورخ بکار برده که مبدأ آن ۲۰۱۵ سال و سه ماه پیش از تاریخ میلادی تصور شده است .
 - ۲ - اروسیوس (قرن پنجم میلادی) تصریح میکند که زمان زردشت و نینوس سیزده قرن پیش از تاریخ بنای شهر روم است .
 - ۳ - در کتاب « لاردوورفیه لدات » بموجب حسابی که مدرک آنها داده است نینوس از ۱۹۶۸ تا ۱۹۱۶ پیش از تاریخ میلادی فرمان روائی کرده است . بنابراین روایات فوق زمان زردشت در حدود بیست قرن و نیم پیش از تاریخ میلادیست .
 - ۴ - سuidas (قرن دهم میلادی) زردشت و نینوس را همعصر شمرده و زمان آنها را در قرن هجدهم پیش از میلاد گذاشته است .
- چنانکه ملاحظه شد زمانی که در سه روایت اول داده شده با عصر واقعی زردشت ۲۹۰ سال اختلاف دارد و علت آنرا در بالا توضیح داده ایم .

* همای لقب ملکه شمیران دختر اردشیر بهمن است که فرزند خود را در آب انداخت و سی سال فرمانروائی کرد و چند بنای بزرگ در جا های مختلف ساخت . همچنین همای نام دختر شاه گشتاسب است که ارجاسب او را اسیر کرد . ارتباط نام شهر ری و دهستان شمیران با ملکه شمیران ملقب به همای و ارجاسب و سمیرامیس و زمان زردشت قابل ملاحظه است .

پروفسر لهن - هایت راجع به زمان زردشت بحثی کرده است . چون این دسته از روایات کلاسیک با روش تحقیق او وفق نداشته مجبور شده که در صحت اصل روایات کلاسیک اظهار تردید کند ولی در ضمن گفته است شاید اصل قصه سمیرامیس مادی باشد . در هر صورت بناهای بسیاری در مغرب باو نسبت داده شده . همچنین اضافه میشود که چنانکه همای در فارسی نام مرغی است ، تحقیقات اخیر هم معنی نام سمیرامیس را بطرف کبوتر کشانیده است .

(1) Eusebius. (2) Orosius (3) L'art de vérifier les dates.

(4) Suidas.

زمانی که زردشت زندگی میکرد

چنانکه ملاحظه شد دوست و دشمن هر یک برای غرضی در زمان واقعی زردشت ایجاد اختلاف غیرقابل قبول کرده اند .

روایاتی که زمان زردشت را تاهشت هزار سال پیش از تاریخ میلادی میبرد افسانه و ساختگی است زیرا که جریان تاریخ چنان قدمتی را بخود نمی پذیرد . به همین علت است که این روایات به ارسطو و . . . نسبت داده شده تا این که بواسطه شهرت چنین شخصیت های بزرگ قابل قبول شود .

هم چنین روایاتی که زمان زردشت را در قرن چهارم تا هفتم پیش از تاریخ میلادی میگذارد اشکالات فنی دیگری را ایجاد میکند . یکی این که زبان اوستا نمیتواند از آن قرون باشد و دیگر این که حساب نوبه های کبیسه که اشکالی سخت تراز اول است با چنین فرضی درست در نخواهد آمد .

این دسته از روایات که زمان زردشت را از دوازده تا چهارده قرن پائین تر میاورد همه از قرن سوم هجری به بعد است و چنانکه شرح داده ایم برای موافق آمدن سالهای بشارت منسوب به زردشت و جاماسب با ظهور قرامطه و اسماعیلیه جعل شده است .

زمان زردشت طوری با حسابهای نجومی مربوط است که اگر فرضاً مشخصات یک روز یا یک حادثه ای با عصر او رابطه اش معلوم شود میتوان هر گونه اختلافی را رفع کرد و به همین سبب فرق باطنی سعی کرده اند که از راه جعل روایات متناقض نظم حسابها را بهم بزنند . روز بعثت مانی روز یکشنبه اول بهار و اول نisan است . روشن شدن حساب این یک روز برای روشن شدن همه حسابها کافی است .

در میان روایاتی که راجع به زمان زردشت از مآخذ ایرانی و غیر ایرانی به دست ما رسیده روایاتی دیده میشود که بایک دگر هم آهنگی دارد . این قبیل روایات کلید رفع کلیه اختلافات و زمینه تصحیح حسابها است . مثلاً روایت شهرستانی و سويداس بیزانسی و نوشته چینی که بعد از این نقل خواهد شد با این که از مآخذ های مختلف میباشد همه صحت هم دیگر را تأیید میکنند .

هر چند نزد اهل فن بخش اول و دوم این جزوه و حساب نوبه های کبیسه برای تعیین زمان زردشت کافی میباشد ولی به ملاحظات لازم میدانیم که از آنچه نوشته شده صرف نظر کنیم و موضوع را دوباره از چند راه مختلف بررسی نمائیم . به جهت انجام این مقصود اول حدود زمان زردشت را تعیین میکنیم و بعد سال و ماه و روز میلاد و رصد و رحلت او را .

حدود زمان زردشت

روایات

۱ - در بندهش آمده است :

در سالمر تازیگان دوازده هزار سال گوید :

سه هزار سال هستش مینو * بود و هزاره خدای بره و گاو و دوپیکر .

سه هزار سال کیورث و گوش بود بی پتیاره و هزاره خدای کرزنک و شیر و خوشک بودند که شش هزار سال بود .

چون هزاره خدائی به ترازو آمد پتیاره اندر دوید .

کیورث و مهری و مهریانه و هوشنگ و طهمورث در ۲۸۴ سال اول هزاره بودند .

جم تا فراز اوجدا شد ۶۱۶ ماه و نیم * . پس از آن یک صد سال اندر گریز بود ۷۱۶ سال و نیم .

پس هزاره خدائی به کژدم آمد . دهاک هزار سال خدائی کرد .

پس هزاره خدائی به نیمسب (قوس) آمد .

فریدون خدائی کرد ۵۰۰ سال . اندر همان پانصد سال خدائی ایرج و منوچهر

و افراسیاب و زو طهماسبان و کیقباد و سام بود .

کیکائوس و کیخسرو و کی لهراسب و کی گشتاسب تا آمدن دین سی سال . شماره یک هزار سال .

پس هزاره و هیک (جدی) آمد و زردشت سپنتمان به پیامبری از دادار اورمزد به گشتاسب شاه آمد .

۲ - در آثار الباقیه آمده است :

به گمان فرس و مجوس عمر عالم دوازده هزار سال بر شماره بروج و ماهها است

و زردشت صاحب شریعت ایشان گمان کرده که آنچه تا وقت ظهور او از آن گذشته سه هزار سال ربعی است . . .

* کلمه مینو در اینجا قابل ملاحظه است زیرا که بعد پتیاره در عالم فکر داخل میشود .

* در نسخه های بندهش هندی بجای ماه سال داده است . در سابق اشاره کردیم که

ارقام بزرگ در این روایات ماه است نه سال . کلمه « زم » در داستان جم چنانکه تصور شده بمعنی زمستان نبوده است .

وطایفه‌ای دیگر از فرس گمان کرده اند که سه هزار سال مذکور از زمان کیومرث است و پیش از او شش هزار سال گذشته بود که فلک ایستاده بود . *

۳ - در یک نوشته چینی از نوشته‌هایی که اشتاین جمع‌آوری کرده و در موزه بریتانی ضبط است ولادت مانی در سال ۵۲۷ و در هزاره حوت میباشد .

۴ - مانی در کتاب شاپورگان سال تجلی خود را در سیزده سالگی در سال ۵۳۹ که سال دوم پادشاهی اردشیر بوده داده است .

۵ - مسعودی در مروج الذهب ظهور مانی را در سال اول امپراطوری کلودیوس دوم داده است [۲۶۸ میلادی] .

۶ - در کتاب التنبیه والاشراف مسعودی آمده :
در نامه‌ای که تنسر به امیر کوهستان نوشته اوائل هزاره و بلیات آنرا در آغاز کار اردشیر ذکر کرده است .

۷ - شهرستانی در کتاب ملل و نحل آورده :
ابوسعید مانوی که یکی از رؤسای آنها میباشد گمان کرده که آنچه گذشته است از مزاج (دوران عالم) تا وقتی که او در آن بوده و آن سال ۲۷۱ هجری است یازده هزار و هفتصد سال میشود و آنچه مانده است تا وقت خلاص (فناء عالم) سیصد سال . پس به مذهب او مدت مزاج دوازده هزار سال است و آنچه باقی مانده است از این مدت پنجاه سال میباشد از زمان ماکه سال پانصد و پنجاه و یک هجری است .

ترجمه از چاپ سنگی تهران سنه ۱۲۸۸ هجری .

۸ - در روایت سویداس ییزانسی زمان زردشت فقط پانصد سال پیش از جنگهای تروا میباشد . این جنگها در حدود دوازده قرن پیش از تاریخ میلادی اتفاق افتاده است .

.....

از دو روایت اول معلوم است که هزاره خداها نام بروج را داشته اند و زمان زردشت در آغاز هزاره دهم است که هزاره جدی باشد .

بنابر روایت سوم تا هفتم مانی و اردشیر در آغاز هزاره حوت که آخرالزمان است بوده اند و لهذا میان زردشت و مانی دو هزار سال فاصله است .

* کیومرث در هزاره چهارم و هفتم هر دو آمده و در این صورت زمینه سه هزار سال اختلاف آماده شده است .

بموجب روایت هفتم انتهای هزاره‌های دوران عالم در اواخر قرن ششم هجری واقع میشود و اوائل هزاره دهم در قرن هجدهم پیش از تاریخ میلادی. روایت هشتم مستقلاً زمان زردشت را در حدود قرن هجدهم پیش از تاریخ میلادی میگذارد.

بنابر روایات فوق که از مآخذ پهلوی و فارسی و عربی و چینی و یونانی نقل شده نتیجه چنین میشود:

- ۱ - ولادت زردشت در اوائل هزاره دهم است که هزاره جدی باشد.
- ۲ - فاصله میان زردشت و مانی در حدود دوهزار سال میباشد.
- ۳ - اول هزاره دهم دوران عالم در قرن هجدهم پیش از تاریخ میلادیست.

میلاد و بعثت و رصد زردشت

روایات

یکی از زردشتیان هند موسوم به کاوس جی سهراب جی پتل هشتاد و شش سال پیش کتابی به انگلیسی راجع به کروئولوژی عمومی در لندن چاپ و منتشر کرده است. * در کتاب نامبرده چند روایت راجع به روز و ماه و سال میلاد زردشت داده شده که در ذیل نقل میشود:

- ۱ - تقریباً نود و دو سال پیش یعنی در سال ۱۱۴۲ یزدگردی مطابق ۱۷۷۲ میلادی منوچهر جی کرسست جی رئیس پنچایت پارسیان سورت نوشته ای دریافت داشت به امضای هفتاد و دو نفر از دستوران دانشمند و مؤبدان و بهدینان اهالی یزد در ایران و در آن نوشته تصدیق کرده بودند:

« زردشت در دوشنبه روز خرداد ششم فروردین و اولین ماه سال پس از پایان

* Cowasjee Sorabjee Patell's Chronology, Trübner & Co. London 1866.

پتل در این کتاب یزدگردی را تاریخ یزدگردی رحلت تصور کرده در صورتی که مقصود تاریخ بختصری میباشد که با سالهای یزدگردی حساب میشود. لهذا ولادت زردشت در سال ۳۸۹ پیش از تاریخ میلادی میافتد و رحلت او در حدود سال ۳۱۲ پیش از تاریخ میلادی که قابل توجه است. به این حساب زردشت تقریباً دوازده سال بعد از الکساندر مرده است و تاریخ اسکندری تاریخ وفات زردشت میشود.

سال ۲۷۱۵ طوفان به حساب ایرانیان و رسیدن ششمین روز از سال ۲۷۱۶ زائیده شده است. منجمین ایران و عرب و مورخین متفق هستند که طوفان در روز چهاردهم (گوش روز) از دومین ماه (اردی بهشت) که آدینه بود اتفاق افتاده است. «

۲ - کتاب دینکرد روز تولد زردشت را دوشنبه داده است.

۳ - در کتاب روضة المنجمین آمده که تولد زردشت ۱۰۲۰ سال پیش از یزدگردی است.

۴ - بیرجندی از بهمنیار شاگرد ابن سینا نقل کرده است که زردشت ۳۷۲۶۰ روز پیش از یزدگردی زائیده شده است.

ترجمه از کتاب کرو نولوژی چل .

نقل از کتب تاریخ و نجوم و روایات

۱ - حمزه اصفهانی و اکثر کتب نجوم فاصله طوفان و اول تاریخ یزدگردی را ۳۷۳۰ سال و ۱۰ ماه و ۲۲ روز داده اند که ۱۳۶۳۶۴۰ روز میشود.

۲ - بیرونی در آثار الباقیه به نقل از ابن مازیار و او از اثنیوس اول طوفان را شب آدینه داده است.

۳ - یکی از جشن های قدیم که در کتب نجوم آمده جشن نوسده است. این جشن پنج روز پیش از جشن سده و پنجاه و پنج روز پیش از اول سال خورشیدی بوده است.

۴ - زردشت عهده دار حساب کم بودی که از جهت چهار یک ها پیدا میشود گردید تا این که کیسه و تصحیح کرد. « بیرونی »

۵ - زردشت چهل و دو سال داشت هنگامی که شاه گشتاسب را دعوت کرد.

۶ - در زیجها از سه شنبه اول فروردین تاریخ بختنصری تا روز پنجشنبه اول هجرت ۴۹۹۷۱۱ روز است و از روز پنجشنبه اول هجرت تا روز جمعه اول ملکی ۱۶۶۷۹۷ روز.

۷ - ولادت یا دعوت زردشت ۲۰ ربیع الاول است. (توقیعات تقویمها)

ماه ربیع الاول مطابق ماه « سافول » قمری ایرانی است. (بیرونی)

حساب روز میلاد و رصد زردشت

بموجب روایاتی که نقل شد :

از پنجشنبه اول فروردین سال طوفان تاسه شنبه اول
فروردین یزدگردی ۱۳۶۳۶۴۰ روز

از پنجشنبه اول فروردین سال طوفان تا میلاد زردشت
۲۷۱۵ سال و ۵ روز ۹۹۰۹۸۰ روز

از تفریق روزها از هم نتیجه میشود ۳۷۲۶۶۰ روز

یعنی از دوشنبه ولادت زردشت که ششمین روز هزاره دهم است تاسه شنبه اول
فروردین یزدگردی ۳۷۲۶۶۰ روز است.

این نتیجه همان است که پتل ازیرجندی و بیرجندی از بهمنیار شاگرد ابن سینا
نقل کرده است .

پس ، از چهارشنبه اول فروردین سال اول هزاره دهم تاسه شنبه اول فروردین
تاریخ یزدگردی ۳۷۲۶۶۵ روز و یا ۱۰۲۱ سال میشود .

چون اول هزاره دهم در قرن هجدهم پیش از تاریخ میلادی باید باشد ، مقصود
از یزدگردی در این روایات تاریخ بختنصری است که با سالهای یزدگردی حساب میشود .

پس ، از دوشنبه ششم فروردین ولادت زردشت تاسه شنبه
اول فروردین بختنصری ۳۷۲۶۶۰ روز

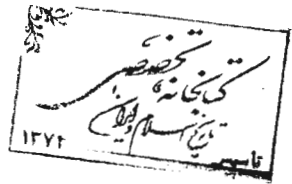
از سه شنبه اول فروردین بختنصری تا پنجشنبه
اول هجرت ۴۹۹۷۱۱ روز

از پنجشنبه اول هجرت تا جمعه اول ملکی ۱۶۶۷۹۷ روز

حاصل جمع روزها ۱۰۳۹۱۶۸ روز

لهذا از روز دوشنبه ولادت زردشت تا روز جمعه اول ملکی ۱۰۳۹۱۶۸
روز میباشد .

این روزها را که با سالهای قمری تحویل کنیم بحساب رؤیت که جمعه اول تاریخ
ملکی هشتم رمضان میشود ولادت زردشت دوشنبه ۲۰ ربیع الاول یا ماه سافول قمری
ایرانی خواهد بود .



این روزها را که به سالهای خورشیدی تحویل کنیم ۲۸۴۵ سال و ۴۰ روز میشود. پس در روز سه شنبه اول فروردین خورشیدی و اول رمضان سال موش ۲۸۰۳ پیش از ملکی که مبدأ همه حسابهای شمسی و قمری و کیسه‌ها میباشد زردشت چهل و دو سال و پنجاه و چهار روز از سنش گذشته بوده است.

این نتیجه همان است که در بخش اول این جزوه از حساب تاریخ آبادانی خوارزم به دست آمد و از روی آن تقویمهای تورفانی را استخراج کردیم.

طریقه دیگر

روایتی که از ملل و نحل شهرستانی قبلاً نقل شد برای بررسی دوباره در نظر میگیریم.

سیصد سالی که تا آخر هزاره دوازدهم باقی مانده سالهای ۳۶۵ روزی میباشد زیرا که ۱۱۷۰۰ سال که سالهای گذشته از هزاره‌ها است سالهای ۳۶۵ روزی است.

اگر سال ۲۷۱ که در روایت آمده قمری هجری باشد و سیصد سال یزدگردی بر آن اضافه کنیم مجموع سالهای قمری هجری ۵۸۰ میشود.

در برخی از نسخه‌های ملل و نحل آخرین سال هزاره دوازدهم ۵۷۱ هجری نوشته شده که اشتباه میباشد و این اشتباه از اینجا پیدا شده که سالهای هزاره را قمری تصور کرده اند. در نسخه چاپ سنگی تهران که معلوم است مقابله و تصحیح شده سال آخری هزاره دوازدهم را ۵۰ سال بعد از ۵۵۱ هجری داده است که ۶۰۱ هجری میشود. سال ۶۰۱ در صورتی درست است که سالها یزدگردی باشد. در سال ۶۰۱ هجری قمری تقریباً ۲۸ سال به آخر هزاره‌ها باقی مانده است.

از آنجائیکه در روایت سالهای یزدگردی و هجری بهم اشتباه شده در نام تاریخ و شماره سالها هم در نقل و استساخ اشتباهی رخ داده است. میزان این اشتباه در مدت دوازده هزار سال تقریباً ۴۱ سال قمری است که تأثیری در تعیین حدود زمان زردشت بطور کلی ندارد ولی چون مقصود تعیین زمان واقعی ولادت او میباشد لازم است ارقامی که در روایت آمده با در نظر گرفتن روایات و حساب کیسه‌ها و تاریخها تصحیح شود.

باری چون ابوسعید مانوی بوده باید در اصل روایت سال ۲۷۵ مجوسی ذکر شده

باشد نه ۲۷۱ هجری

فرض میکنیم سال ۱۱۷۰ از دوران عالم مطابق سال ۲۷۰ تاریخ مجوسی و مطابق ۹۳۱ میلادی و ۳۱۹ هجری باشد.

اگر این فرض درست باشد باید همه حسابهای که تا اینجا شرح داده ایم مطابق این فرض درست درآید.

پس از آزمایش و رسیدگی حسابها با این مبدأ که مستقلاً پیدا شده و ثابت شدن صحت فرض در عمل نتیجه میشود که زردشت دوشنبه ششم فروردین مطابق ۲۰ ربیع الاول در سال اول هزاره دهم که هزاره جدی است ۲۴۰۰ سال پیش از تاریخ یزدگردی رحلت به جهان آمده است.

طریقه دیگر

راجع به دوره های تاریخ یزدگردی باستانی در بخش دوم و پنجم تذکر داده ایم. در آخر سال خرگوش ۳۷۲ یزدگردی رحلت تحویل به افق نیمروز صبح چهارشنبه اول فروردین تقریباً ۴۱ دقیقه به طلوع آفتاب مانده است لهذا روز سه شنبه ۳۰ اسفند انتهای یکی از دوره های خورشیدی تاریخ یزدگردی باستانی میباشد.

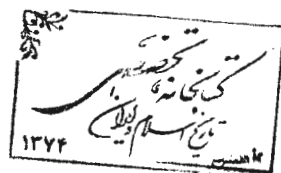
چون سال اول دوره اول باید سال موش باشد نتیجه میشود که سال ۵۶۶۰ پیش از یزدگردی رحلت سال موش و اول این دوره ها است.

اگر این مبدأ که برای حساب پیدا شد درست باشد باید تمام حسابهای که تا این جا شرح داده ایم با این مبدأ هم که مستقلاً پیدا شده درست درآید.

پس از آزمایش و رسیدگی حسابها معلوم میشود که زردشت در اول سال ۳۲۶۱ یزدگردی و یا ۳۲۵۸ خورشیدی از تاریخ یزدگردی باستانی به جهان آمده است و این سال ۲۴۰۰ سال یزدگردی پیش از تاریخ یزدگردی رحلت میباشد و ۲۸۴۵ سال و ۵۴ روز پیش از تاریخ ملکی معمولی است

.....

راههای دیگری هم برای پیدا کردن مبدأ تاریخ و زمان زردشت هست که شرحش لزومی ندارد.



۱۳۸

سال و روز رحلت زردشت

روایات

- ۱ - از روایت کامدین شاپور
پرسش : آن که اشوزرتشت اسفنتمان در چند سال پیش اورمزد رفته اند .
جواب : سی سال بودند و ده سال در آن جانب بوده اند چون دین بیاورد سی و هفت سال دیگر در عالم بوده اند جمله هفتاد و هفت سال باشد . (روایات)
- ۲ - از روایت کاوس کامدین
پرسش : آن که روز گار زرتشت اسفنتمان به کدام روز و به کدام ماه است .
پاسخ : این که روز گار زرتشت اسفنتمان اشو فروهر در روز خورشید ماه دی میکنیم و در این شبهه نیست و یقین و بی گمانیم . (روایات)
- ۳ - در روایات مربوط به سال رحلت زردشت ذکر سال بهیز کی شده است .
- ۴ - روز اول هزاره دهم اول فروردین و چهارشنبه است .
- ۵ - دعوت یا ولادت زردشت روز ۲۰ ماه رجب است . (توقیعات تقویمها)
ماه رجب مطابق ماه لک قمری ایرانی است . (بیرونی)

حساب سال و ماه و روز رحلت

در سال ولادت زردشت اول فروردین یزدگردی و اول هزاره دهم چهارشنبه و در فاصله ۹۰ روز از روز تحویل بوده است .
زردشت هفتاد و هفت سال عمر کرده و روز سه شنبه آخر اسفند در سال هفتاد و هفتم هزاره ، ۷۹ روز از روز نوروز بهیز کی فاصله داشته است . لهذا روز رحلت که سه شنبه سی ام اسفند ماه یزدگردی است مطابق خورشید روز (یازدهم) دیماه خورشیدی بهیز کی سال ۳۵ رصد و مطابق هشتم رجب است .
ملاحظه - راجع به روز رحلت زردشت روایات مختلف است . شرح این اختلافات در جزوه مخصوص داده میشود .

روز و ماه و سال

میلاد و بعثت و رصد و رحلت اشوزردشت سپنتمان

اشوزردشت دوشنبه ۲۰ ربیع الاول مطابق خرداد روز ششم فروردین ۲۴۰۰ سال پیش از تاریخ مشهور به یزدگری به جهان آمده است.

روز ولادت اشوزردشت روز جشن نوسده میباشد. جشن نوسده روز پنجاه و پنجم پیش از نوروز است.

اشوزردشت هنگامی که شاه گشتاسب را به دین خواند سی سال داشت. اشوزردشت پس از این که چهل و دو سال و پنجاه و چهار روز از عمرش گذشته بود شالوده رصد تازه ای را استوار کرد و کبیسه را ایجاد نمود و تاریخهای قدیم را تصحیح و منظم کرد.

اشوزردشت سه شنبه خورشید روز یازدهم دی ماه خورشیدی شب چهارشنبه هشم رجب مطابق شب اول فروردین یزدگردی در سال ۳۵ رصد جهان را بدرود گفت. در این هنگام هفتاد و هفت سال یزدگردی پنج روز کم از عمرش گذشته بود که ۲۸۱۰۰ روز میباشد.

از این قرار اشوزردشت دوشنبه خرداد روز فروردین ماه یزدگردی اول هزاره دهم به جهان آمده و سه شنبه خورشید روز دی ماه خورشیدی جهان را بدرود گفته است. امسال که سال ۱۳۳۱ هجری خورشیدی و ۱۹۵۲ میلادی است ۳۶۷۷ سال از تاریخ رصد اشوزردشت و ۳۷۲۰ سال از تاریخ ولادت او میگذرد.

پایان